



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

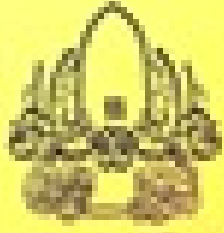
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

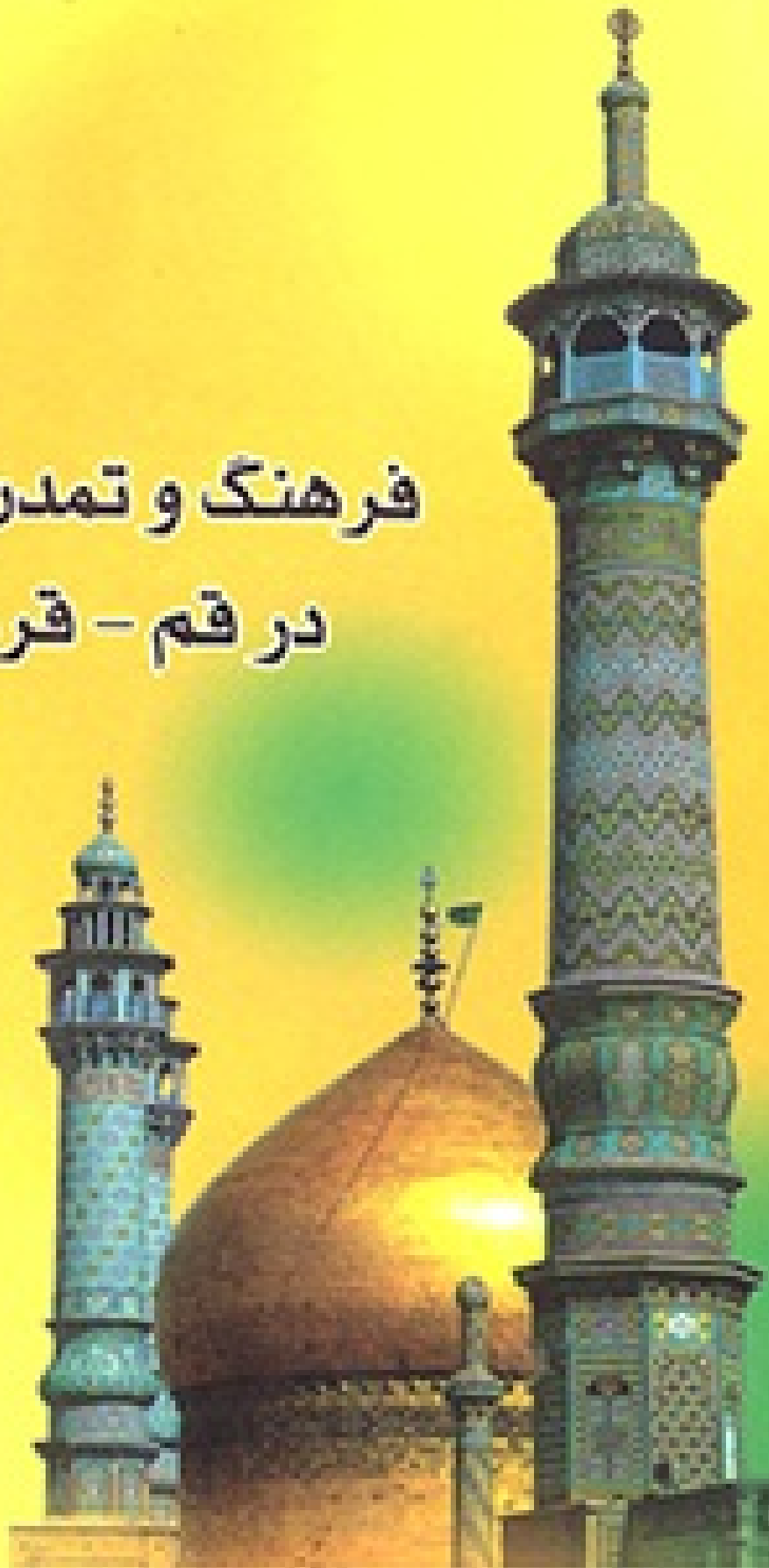


سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۳۵

فرهنگ و تمدن اسلامی در قم - قرن سوم

محمد رضا پاک



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ و تمدن اسلامی در قم قرن سوم هجری

نویسنده:

محمد رضا پاک

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	فرهنگ و تمدن اسلامی در قم قرن سوم هجری
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۱	مقدمه کنگره
۲۵	دبیاچه
۲۶	مفهوم فرهنگ در قم قرن سوم هجری
۲۸	بحران فرهنگی
۳۰	حذف، برخورد یا تعامل فرهنگ ها
۳۳	محدوده جغرافیایی قم در قرن سوم هجری
۳۵	برخی عوارض جغرافیایی قم در قرن سوم هجری
۳۸	معادن نمک در قم
۳۸	آثار باستانی و تاریخی قم در قرن سوم هجری
۴۰	اوضاع سیاسی جهان در آغاز قرن سوم هجری
۴۲	شهرسازی فرقه ای
۴۶	عوامل مؤثر در شکل گیری شهر قم در قرن سوم هجری
۴۷	ارزیابی عوامل مثبت و منفی در روایات مربوط به قم
۴۹	سابقه شهرسازی در قم
۵۰	فتح قم و از بین رفتن تقسیمات کشوری ایران
۵۱	راه های قم
۵۵	دیوار و دروازه های قم
۵۸	شکل شهر قم
۶۰	شهر مقبره ای

۶۵	عامل ماوراء طبیعی در تشکیل شهر قم
۶۶	تأسیسات اداری قم در قرن سوم
۶۷	دارالاماره و والیان قم در قرن سوم هجری
۷۰	تعدادی از ولات و ناظران امور مالیاتی قم در قرن سوم هجری
۷۲	دارالسکه
۷۲	نظام مالیاتی قم
۷۴	تأسیسات عمرانی قم
۷۸	بحثی در باب روستاهای قم در قرن سوم هجری
۸۰	اقتصاد کشاورزی قم در قرن سوم هجری
۸۱	نظام عقاری و مالکیت در قم
۸۲	اوضاع اجتماعی قم در قرن سوم هجری
۸۳	زرتشتیان قم
۸۵	معبد آناهیتا
۸۶	طبقه دهقانان و اشراف ساسانی
۸۷	آتشکده های قم
۹۰	موالی
۹۰	اعراب
۹۱	اعراب اشعری
۹۵	اوضاع دینی قم در قرن سوم هجری
۹۶	مساجد قم در قرن سوم هجری
۹۸	فرق تشیع در قم قرن سوم هجری
۹۹	وجه اهمیت حضرت معصومه علیها السلام
۱۰۲	صد سال ارتباط قم با امامان معصوم
۱۰۵	۱_ سازمان وکالت
۱۱۱	۲_ سازمان نقابت
۱۱۴	اوضاع فرهنگی قم در قرن سوم هجری

- ۱۱۶-----قم در عصر حیرت
- ۱۱۷-----بحران مهدویت در قم
- ۱۱۹-----بحران ارجاف
- ۱۲۰-----اوضاع علمی قم در قرن سوم هجری
- ۱۲۱-----مکتب حدیثی قم
- ۱۲۳-----مکتب فقهی قم
- ۱۲۴-----مکتب کلامی قم در قرن سوم هجری
- ۱۲۵-----مکتب ادبی قم
- ۱۲۷-----هجرت حضرت معصومه علیها السلام
- ۱۳۱-----سیاست انتقال
- ۱۳۲-----اوضاع حجاز هنگام هجرت حضرت معصومه علیها السلام
- ۱۳۳-----آغاز انفجار حجاز
- ۱۳۶-----انگیزه قیام ابن طباطبا
- ۱۳۸-----* طبقات طالبان و علویان در مدینه
- ۱۴۰-----مأمون و تفرقه بین شیعیان
- ۱۴۲-----سرانجام تفرقه شیعیان
- ۱۴۴-----اوضاع قم مقارن سفر حضرت معصومه علیها السلام
- ۱۴۴-----* محور سیاسی _ نظامی «قم _ مدینه _ کوفه»
- ۱۴۶-----اهمیت سیاسی _ نظامی _ اقتصادی «موقعیت جغرافیایی» قم
- ۱۴۷-----* انگیزه و علل هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم
- ۱۴۹-----برخورد نظامی با کاروان حضرت معصومه علیها السلام
- ۱۵۰-----* آثار هجرت حضرت معصومه علیها السلام
- ۱۵۱-----* شهر راه ها
- ۱۵۲-----* مسیر هجرت حضرت معصومه علیها السلام
- ۱۵۳-----از مدینه تا بصره
- ۱۵۴-----مهم ترین راه های شناخته شده در قرن سوم از بصره تا خراسان

۱۵۶ * مسیرهایی که احتمال بیشتری در عبور حضرت معصومه علیها السلام داشته اند

۱۵۶ ۱_ مسیر بغداد _ خراسان

۱۵۷ * اوضاع بغداد مقارن سفر حضرت معصومه علیها السلام

۱۵۸ ۲_ مسیر مدینه _ سیراف _ شیراز _ طَبس

۱۶۱ ۳_ مسیر مدینه _ کوفه _ بغداد

۱۶۲ ۴_ مسیر مدینه _ بصره _ اَرْجان

۱۶۴ فهرست منابع

۱۶۹ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: پاک، محمدرضا، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ و تمدن اسلامی در قم قرن سوم هجری: به ضمیمه هجرت حضرت معصومه علیهاالسلام به قم و بررسی علل آن/ محمدرضا پاک؛ [به سفارش] کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: هشت، ۱۴۴ ص.: مصور، جدول، نقشه، نمودار.

فروست: کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم. مجموعه آثار؛ ۳۵.

شابک: ۶۰۰۰ ریال: ۹۷۸۹۶۴۸۵۶۷۲۸۱

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری

فایده

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۱] - ۱۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: معصومه (س) بنت موسی کاظم (ع)، ۱۸۳؟ - ۲۰۱؟ ق. -- مهاجرت به قم

موضوع: قم -- تمدن -- قرن ۳ ق.

موضوع: قم -- زندگی فرهنگی -- قرن ۳ ق.

شناسه افزوده: کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم (۱۳۸۳: قم)

رده بندی کنگره: DSR۲۱۱۳/م ۷۶۵ پ ۲ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۱۲۸۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۳۸۷۴۰

اشاره



ص: ۲

فرهنگ و تمدن اسلامی در قم

قرن سوم هجری

به ضمیمه

هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم

و بررسی علل آن

محمد رضا پاک

ص: ۳

پاک، محمد رضا، ۱۳۴۷-

فرهنگ و تمدن اسلامی در قم قرن سوم هجری؛ به ضمیمه هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم و بررسی علل آن /
محمد رضا پاک . - قم: زائر، ۱۳۸۳.

۱۴۳ ص. : مصور، عکس، جدول

کتابنامه ص ۱۴۰-۱۴۳ همچنین به صورت زیرنویس

کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم.

۱. قم - تاریخ، قرن ۳ ه. ۲. قم - اوضاع اجتماعی و اقتصادی. الف. عنوان.

۲ پ / ۷۶۵ م / ۲۱۱۳ DSR

کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم

مجموعه آثار شماره: ۳۵

فرهنگ و تمدن اسلامی در قم قرن سوم هجری

نویسنده: محمدرضا پاک

صفحه آرا: محمدعلی محمدی

ناشر: زائر - آستانه مقدسه قم

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۶۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۵۶۷-۲۸-X

کلیه حقوق نشر برای آستانه مقدسه قم محفوظ است.

مرکز پخش: قم، میدان شهداء (چهار راه بیمارستان)

تلفن: ۷۷۴۲۵۱۹ ص.پ. ۳۵۹۷-۳۷۱۸۵

ص: ۰

فهرست مطالب

فرهنگ و تمدن اسلامی در قم قرن سوم هجری

مقدمه کنگره ۱۰۰۰

دیباچه ۵۰۰۰

مفهوم فرهنگ در قم قرن سوم هجری ۶۰۰۰

بحران فرهنگی ۸۰۰۰

حذف، برخورد یا تعامل فرهنگ‌ها ۱۰۰۰۰

محدوده جغرافیایی قم در قرن سوم هجری ۱۳۰۰۰

برخی عوارض جغرافیایی قم در قرن سوم هجری ۱۵۰۰۰

معادن نمک در قم ۱۸۰۰۰

آثار باستانی و تاریخی قم در قرن سوم هجری ۱۸۰۰۰

اوضاع سیاسی جهان در آغاز قرن سوم هجری ۲۰۰۰۰

شهرسازی فرقه ای ۲۲۰۰۰

عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر قم در قرن سوم هجری ۲۶۰۰۰

ارزیابی عوامل مثبت و منفی در روایات مربوط به قم ۲۷۰۰۰

سابقه شهرسازی در قم ۲۹۰۰۰

فتح قم و از بین رفتن تقسیمات کشوری ایران ۳۰۰۰۰

راه‌های قم ۳۱۰۰۰

دیوار و دروازه‌های قم ۳۵۰۰۰

شکل شهر قم ۳۸۰۰۰

مسجد جامع و منبر ۳۸۰۰۰

شهر مقبره ای ۴۰۰۰۰

ص: ۵

عامل ماوراء طبیعی در تشکیل شهر قم ۴۵ ...

تأسیسات اداری قم در قرن سوم ۴۶ ...

دارالاماره و والیان قم در قرن سوم هجری ۴۷ ...

تعدادی از ولات و ناظران امور مالیاتی قم در قرن سوم هجری ۵۰ ...

دارالسکه ۵۱ ...

نظام مالیاتی قم ۵۱ ...

تأسیسات عمرانی قم ۵۳ ...

بحثی در باب روستاهای قم در قرن سوم هجری ۵۷ ...

اقتصاد کشاورزی قم در قرن سوم هجری ۵۹ ...

نظام عقاری و مالکیت در قم ۶۰ ...

اوضاع اجتماعی قم در قرن سوم هجری ۶۱ ...

زرتشتیان قم ۶۲ ...

معبد آناهیتا ۶۴ ...

طبقه دهقانان و اشراف ساسانی ۶۵ ...

آتشکده های قم ۶۶ ...

موالی ۶۹ ...

اعراب ۶۹ ...

اعراب اشعری ۷۰ ...

اوضاع دینی قم در قرن سوم هجری ۷۴ ...

مساجد قم در قرن سوم هجری ۷۵ ...

قم در میان نواحی سنی نشین ۷۷۰۰۰

فرق تشیع در قم قرن سوم هجری ۷۷۰۰۰

ص: ۶

وجه اهمیت حضرت معصومه علیها السلام ... ۷۸

صد سال ارتباط قم با امامان معصوم ... ۸۱

۱_ سازمان وکالت ... ۸۴

۲_ سازمان نقابت ... ۸۹

اوضاع فرهنگی قم در قرن سوم هجری ... ۹۲

قم در عصر حیرت ... ۹۴

بحران مهدویت در قم ... ۹۵

بحران ارجاف ... ۹۷

اوضاع علمی قم در قرن سوم هجری ... ۹۸

مکتب حدیثی قم ... ۹۹

مکتب فقهی قم ... ۱۰۱

مکتب کلامی قم در قرن سوم هجری ... ۱۰۲

مکتب ادبی قم ... ۱۰۳

هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم؛ بررسی علل و مسیر آن

تقویم اجمالی پدیده مهاجرت در ۳ قرن نخست هجری ... ۱۰۷

سیاست انتقال ... ۱۰۹

اوضاع حجاز هنگام هجرت حضرت معصومه علیها السلام ... ۱۱۰

آغاز انفجار حجاز ... ۱۱۱

انگیزه قیام ابن طباطبا ... ۱۱۴

طبقات طالبیان و علویان در مدینه ... ۱۱۶

سرانجام تفرقه شیعیان ... ۱۲۰

اوضاع قم مقارن سفر حضرت معصومه علیها السلام ... ۱۲۲

* محور سیاسی _ نظامی «قم _ مدینه _ کوفه» ... ۱۲۲

اهمیت سیاسی _ نظامی _ اقتصادی «موقعیت جغرافیایی» قم ... ۱۲۴

* انگیزه و علل هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم ... ۱۲۵

برخورد نظامی با کاروان حضرت معصومه علیها السلام ... ۱۲۷

* آثار هجرت حضرت معصومه علیها السلام ... ۱۲۸

* شهر راه ها ... ۱۲۹

* مسیر هجرت حضرت معصومه علیها السلام ... ۱۳۰

از مدینه تا بصره ... ۱۳۱

مهم ترین راه های شناخته شده در قرن سوم از بصره تا خراسان ... ۱۳۲

مسیرهایی که احتمال بیشتری در عبور حضرت معصومه داشته اند ... ۱۳۳

۱_ مسیر بغداد _ خراسان ... ۱۳۳

* اوضاع بغداد مقارن سفر حضرت معصومه علیها السلام ... ۱۳۴

۲_ مسیر مدینه _ سیراف _ شیراز _ طبرس ... ۱۳۵

۳_ مسیر مدینه _ کوفه _ بغداد ... ۱۳۸

۴_ مسیر مدینه _ بصره _ اَرَّجان ... ۱۳۹

فهرست منابع ... ۱۴۱

ص: ۰

حضرت امام صادق علیه السلام:

«حرم ما اهل بیت علیهم السلام، شهر قم است. آنجا بانویی از فرزندانم به نام فاطمه دفن می شود، بهشت بر هر که او را زیارت کند، واجب می گردد»(۱).

قم که به لقب «حرم اهل بیت علیهم السلام» مفتخر گردید، نه تنها به جهت وجود مردمی است که در آن به حسن عبادت و توحید عبادی در قیام و رکوع و سجود شناخته شده اند(۲)، و در آرمان شهر اسلامی گرد حضرت مهدی علیه السلام اجتماع کرده و به یاری آن حضرت قیام خواهند نمود، و نه صرفاً به جهت وجود بزرگ ترین حوزه علمی و حدیثی و معرفتی شیعه در آن، بلکه این شهر مفتخر است که چونان صدفی زمینی، گوهر آسمانی و ملکوتی فرزند باب الحوائج الی الله را در بر گرفته و مسجد اولیای الهی گردیده است. اگر در گذشته شهر قم محل محدثان بزرگ و معبد و سجده گاه فاطمه معصومه علیها السلام بوده، امروزه نیز پرچم دار فرهنگ ناب فقه جعفری علیه السلام و

ص: ۱

۱- ۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲- ۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.

معنویت و عرفان بوده و ضمن تربیت و پرورش یاران امام عصر ارواحنا فداه، زائران حضرتش را با معارف بلند دینی میزبانی می کند. آری، «زبید اگر خاک قم به عرش کند فخر(۱)».

قم، شهری است که بر ولایت و مودت اهل بیت علیهم السلام پایه گذاری شده و به همین جهت، پایگاهی برای علویان و شیعیان و دژ تسخیرناپذیری علیه ستمگران بوده است و ائمه علیهم السلام با تعبیراتی خاص و بلند از این شهر یاد کرده اند(۲).

از هنگامی که شهر قم مسکن حضرت سستی، فاطمه معصومه علیها السلام گردید، بُعد فرهنگی و معنوی آن در کنار تحولات اجتماعی و سیاسی متحوّل و شکوفا شد، و از چنان موقعیتی برخوردار شد که جناب حسین بن روح رضوان الله علیه، از نواب اربعه، تأیید محتوای یک کتاب علمی و فقهی را مشروط به نظر مساعد علمای قم نمود(۳). وجود حوزه غنی و بزرگ شیعه، در این شهر و دفاع علمی از اسلام راستین به وسیله تألیف کتابها، اعزام مبلّغان و زادگاه انقلاب اسلامی بودن و... همه و همه به برکت وجود فرزند رسول خدا، کریمه اهل بیت علیهم السلام در این شهر است.

از آنجا که سال ۱۳۸۳ ه. ش. با یک هزار و دویست و پنجاهمین سالگرد ولادت آن حضرت، و نیز با پایان تجدید طلاکاری گنبد مطهر _ که در زیبایی کم نظیر و بلکه بی نظیر است _ مقارن شده، به منظور

ص: ۲

۱- ۱. دیوان امام خمینی، ص ۲۵۷.

۲- ۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۳- ۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۰.

معرفی بیشتر آن حضرت و تبیین جایگاه ویژه شهر قم در ترویج فرهنگ تشیع، به دستور تولیت عظمای آستانه مقدسه، حضرت آیه الله مسعودی دام عزه «کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم» شروع به فعالیت نمود. و در چهار موضوع ذیل:

الف. حضرت معصومه علیها السلام و آستانه مقدسه؛

ب. قم و فرهنگ تشیع؛

ج. حوزه علمیه قم؛

د. انقلاب اسلامی در قم،

با محوریت آستانه مقدسه، دهها جلد کتاب در موضوعات فوق که اکثر آنها جنبه تألیف داشته و برخی دیگر جنبه تراشی دارد و توسط محققان تألیف و تصحیح شده، اهتمام ورزیده است.

آثاری که در محورهای فوق تدوین و نگارش یافته تنها قدم کوچکی است که می تواند نقطه شروعی برای تحقیقات گسترده و عمیقی باشد که سزاوار موضوعات یاد شده است.

آنچه اکنون پیش روی شماست با عنوان «فرهنگ و تمدن اسلامی در قم قرن سوم هجری» یکی از آثار کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم است که قم را از زاویه دیگری مورد تحقیق و بررسی قرار داده است و در اینجا از مؤلف محترم آن، جناب آقای محمد رضا پاک صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم. همچنین از تولیت آستانه حضرت آیه الله مسعودی،

معاون محترم اداری مالی جناب آقای فقیه میرزایی و مدیریت فرهنگی جناب حجه الاسلام و المسلمین عباسی که تلاش فراوانی در این امر داشته اند، نهایت امتنان و سپاس را داریم.

بر خود لازم می دانم که اذعان و اعتقاد قلبی خود را ابراز دارم که اگر توفیقات خدای متعال و عنایات کریمه اهل بیت علیهم السلام نبود، از برداشتن کوچک ترین قدمی در این راه عاجز و ناتوان بودیم.

و ما توفیقی الا بالله، علیه توکلت و الیه انیب.

احمد عاب_دی

دبیر کنگره

ص: ۴

تلاش خلفای اموی و عباسی در محو آثار شیعی و جلوگیری از شکل‌گیری مراکز جمعیتی مستقل شیعی از پدیده‌های مسلم تاریخ اسلام است که بررسی آن مغفول مانده است. از جمله اسناد این حادثه قم در قرن سوم هجری است. قم قرن سوم هجری از حیث هجوم بی‌امان دشمنان مغرض جهت ویرانی آن نمونه‌ای مثال‌زدنی است. آنچه که در متون تاریخی آمده است گویای چنین مطلبی است. خلافت عباسی اجازه هرگونه تجلیل و اکرام از قبور ائمه شیعی و اتخاذ آن مقابر به عنوان محل تبرک و تجمع شیعیان را نمی‌داد. از پدیده‌های آشکار قرن سوم که توسط دولت عباسی به شدت دنبال می‌شد، ممانعت از استقرار شیعه و شهرنشینی آن‌هاست. خراب کردن چهره شهرهای شیعی از دیگر سیاست‌های عباسیان در رابطه با آثار شیعی بود.

چندین بار تلاش برای نابودی کربلا و مقبره امام حسین علیه السلام؛ جلوگیری از تجمع در نجف؛ به آتش کشیدن محله‌های شیعی در بغداد؛ حصر شیعیان در سامره؛ وارد کردن عناصر ترک متعصب سنی در ترکیب جمعیتی عراق؛ سامان دادن سامره در قالب شهری جدید، جهت کاستن از اهمیت شهرهای شیعی؛ کنترل شیعیان در یکی از مراکز

مهم پراکندگی شیعه در موضع ضعف و نابودی قرار دادن شیعیان در قران از جمله اقدامات عباسیان با شیعیان عراق بود.

اما آنچه در این میان جای سخن دارد بی عنایتی و تحریف در بیان واقعیت «قم» و مکانت فرهنگی آن است.

در این نوشته ما در پی نشان دادن چهره واقعی شهر قم در قرن سوم هستیم، شهری که همه عناصر کالبدی شهرهای اسلامی را در این قرن دارا بوده و در مقایسه با شهرهای دیگر از حیث عناصر شهری در مقام بالائی قرار داشته است.

شهر قم در قرن سوم هجری، در جایگاه فرهنگی شهر الگو و نمونه شیعه امامیه است. در این قرن، شهر قم پرچمدار شهرهای فرهنگی و پیشوای شهرهای شیعی در بیان بنیادین و اصولی اندیشه های شیعی بود. از حیث تجربه های شهرسازی در تاریخ، تغییرات شهر قم بهترین موضوع برای بررسی روند شکل گیری و تغییرات شهرها در قرون وسطی از جمله وجوه مطالعه قم در این زمینه، بررسی تأثیر اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در نحوه جهت گیری عمران در شهر قم است.

مفهوم فرهنگ در قم قرن سوم هجری

فرهنگ در لغت به معنی «ادب»^(۱) و در اصطلاح جامعه شناسی و در حوزه علوم انسانی به «شیوه مشترک و یکسانی از زندگی که گروه و

ص: ۶

۱- ۱. من از خجالت و حسرت فتاده در کنجی که کس نشان ندهد نام دانش و فرهنگ ر.ک: مجمع الفرس، ج ۱، ص ۵۰.

جمعیتی در نقطه ای انتخاب می کنند»، اطلاق شده است. در این اصطلاح فرهنگ پدیده ای مرکب از عناصر مادی و عناصر معنوی است.

کاربرد مفهوم فرهنگ در خصوص آن چه در قرن سوم در قم رخ داد، هم در مفهوم قرون وسطایی آن (۱) [ادب] و هم در مفهوم جدید علمی آن در اصطلاح علمای جامعه شناسی میسور است. عناصر مادی و عناصر معنوی فرهنگ در کالبد شکافی حوادث تمدنی قرن سوم هجری در قم به وضوح قابل مشاهده است.

قم در قرن سوم هجری شاهد پیدایش فرهنگی بود که عناصر مادی آن حاصل قرن ها تجربه زندگی مردم در منطقه ای باستانی و تاریخی بود. ابزارها، مهارت های فنی، اصناف و مشاغل و هنرها که در این جامعه ناب ایرانی جاری بود همچنان برقرار ماند. در زمینه آداب و رسوم، بسیاری از آن ها در جامعه قم حفظ شد. تنها تغییر اساسی در جامعه قم قرن سوم هجری در زمینه ارزش ها روی داد. باورها، اسطوره ها، ایدئولوژی ها، ارزش ها، دیدگاه ها و دانش های مردم تغییرات اساسی و بنیادی پیدا کرد و زیر و رو شد. بنابراین در قرن سوم فرهنگی نوین در قم پدید آمد که جنبه شناختی آن صددرصد تغییر کرد و تنها جنبه مادی آن که میراث فرهنگی گذشته بود حفظ شد. برخی از آداب و رسوم نیز همچنان پایدار ماند.

ص: ۷

۱-۱. گزارش های متعددی که در این نوشته می آید نشان می دهد که مکتب ادبی بزرگی در قم پدید آمد که شامل فروع متعددی از تاریخ، حدیث، تفسیر، شعر و... و همه عناصر دانش و فرهنگ یعنی؛ ادب بود.

در قم قرن سوم هر سه جزء و عنصر اساسی سازنده فرهنگ قابل ردیابی است. این عناصر سه گانه [۱- عنصر مادی و فنی ۲- عنصر قواعد و قوانین ۳- عنصر ارزش ها(۱)] از نیمه قرن دوم هجری در قم در حال شکل گرفتن بود و در آغاز قرن سوم هجری شکل اولیه خود را پیدا کرد و در پایان قرن سوم هجری چهره واقعی خود را نشان داد و در آغاز دوره بویهیان به اوج خود رسید.

از لحاظ زمانی، حاصل پدیده مهاجرت از اقصی نقاط مرزهای غربی ایران به نقاط مرکزی ایران از جمله قم در قرن سوم هجری به دست آمد. این محصول ثمره آمیزش و تعامل اقوام مهاجر با اقوام بومی ساکن در ناحیه قم بود که باعث پیدایش «فرهنگ و شیوه زندگی واحدی» شد. بنابراین محصول مهاجرت به قم، پیدایش «فرهنگ و شیوه زندگی «یکسان» در قم بود.(۲) فرهنگ قم قرن سوم محصول واقعه جمعیتی ناشی از مهاجرت به قم بود.

بحران فرهنگی

بحران فرهنگی از شاخصه های بارز قرن سوم در جهان اسلام بود.

جهان اسلام با امواج فرهنگی مخالف روبرو بود:

ص: ۸

۱- ۱. ر.ک: مبانی جامعه شناسی، ص ۷۲.

۲- ۲. قم صد سال پیش از اسلام یکبار چنین حرکتی را تجربه کرده بود. قباد ساسانی در اقدامات فرهنگی خود در ایران، کوشید تا با تجمع آتش های متفرق ساسانی در قم نوعی وحدت معنوی در قم ایجاد کند و به نوعی فرهنگ سازی در قم روی آورد که با شکست مواجه شد.

۱_ موج دوم هلنیسم (فرهنگ یونانی) که عقاید نوپای اسلامی را تهدید می کرد این بحران عکس العمل های متفاوتی را در جهان اسلام به دنبال داشت.

۲_ امواجی از اباحی گری و زندقه در شکل قیام های ملی و مردمی در آذربایجان در ماوراءالنهر و

۳_ امواج مخالف فرهنگی ناشی از تحرکات ایرانیان زرتشتی.

۴_ امواج مخالف فرهنگی ناشی از ادعای مهدویت.

۵_ بحران ناشی از فرهنگ تشیع و تفرقه بین گروه های مختلف تشیع.

۶_ بحران ناشی از تحرکات خوارج در شرق ایران و در غرب جهان اسلام در افریقیه و سائر نقاط غرب اسلامی.

۷_ بحران بی هویتی و سردرگمی در جامعه زرتشتی ایران.

سقوط پایگاه فرهنگی دین زرتشت در پایان قرن دوم هجری در «ری» امواجی از ناامیدی و سردرگمی برای ایرانیان، بویژه ساکنان منطقه جبال در برداشت محصول این ناامیدی «بحران هویت» فرهنگی برای ساکنان بومی بخش بزرگی از ایران بود.

سقوط پایگاه بزرگ فرهنگی دین زرتشت در «ری» بزرگترین خسارت برای فرهنگ بومی ایران در منطقه جبال بود. بطور طبیعی این وضعیت فرصت جدید و بسیار مناسبی برای فرهنگ های جدیدی بود که باید در منطقه جبال حاکم می شد.

مردم بومی منطقه جبال بعد از تحمل چند دوره اشغال نظامی توسط

فاتحان عرب و سپس ولات اموی و والیان دولت عباسی، با بزرگترین شکست فرهنگی دین زرتشت روبرو شدند.

زرتشتیان ایران امکان بازگشت به هویت واحد فرهنگی را برای همیشه از دست دادند و به صورت موجوداتی پراکنده در آمدند که آماده بودند به قطب های گوناگون فرهنگی که در ایران فعال شده بودند، بپیوندند.

با سقوط آذربایجان و سقوط «گنجک» محل آتش مقدس زرتشتیان و سقوط ری، جامعه زرتشتی از هم فروپاشید. این ندیم از گروه های زرتشتی در حد فاصل مناطق آذربایجان و مناطق اصفهان با عنوان «لُقطه» [گمشده] یاد کرده است. این مطلب حاکی از بی هویتی و سردرگمی حاکم بر زرتشتیان مناطق ایران است.

ذکر این مقدمه جهت توجه به نقش قم در حوادث فرهنگی جبال است. ظهور فرهنگ تشیع در قم، طلوع خورشید پر جاذبه و درخشانی در آسمان تاریخ منطقه جبال بود که «بحران هویت فرهنگی» و پراکندگی و سردرگمی حاکم در منطقه جبال را به وحدت فرهنگی مبدل ساخت و باعث پیدایش یک قطب واحد فرهنگی شد و زمینه توسعه و شکوفائی مجدد شهر قم را فراهم ساخت.

حذف، برخورد یا تعامل فرهنگ ها

ورود اسلام به قم مرکز بزرگ و مهم جمعیتی دین زرتشت با وجود مقاومتی که مجوس آنجا تا سال ها بعد از خود نشان دادند می تواند به

نظریه ای در باب رابطه فرهنگ ها و تمدن ها منجر شود.

چه نسبتی در برخورد میان عرب و عجم در قم می توان به دست آورد چنانکه در شعر دعبل ملاحظه می شود، (مابین عجم قدتعرب فاتمی...) او در این شعر خود اصل برخورد و آمیزش فرهنگی بین ساکنان بومی قم که بار قرنها فرهنگ و تمدن دین زرتشتی را به دوش می کشیدند را تأیید کرده است. بعد از حدود دو قرن برخورد عرب با مردم ایران سرانجام نسبتی میان فرهنگ و تمدن ایرانی و فرهنگ عربی برقرار شد.

حاصل این برخورد که در آغاز قرن سوم هجری به ثمر رسید در شاخصه بارز آن گفتگو میان فرهنگ ها بود. چنین گفتگوهایی در زیر مجموعه فعالیت های ائمه شیعه از نیمه قرن دوم آغاز شد. در آغازین ماه های قرن سوم هجری گروه هایی از پیروان همه ادیان آسمانی در کاخ مأمون در مرو تجمع کردند تا در گفتگویی که اهمیت آن به حضور امام رضا علیه السلام در آن بود، شرکت کنند.

آنچه در قم و به عبارتی وسیع تر در بخش های بزرگی از ایران اتفاق افتاد. فراگیری فرهنگ نسبت به تمدن بود. فرهنگی عربی اسلامی تشیع، فرهنگ بومی ایرانی _ زرتشتی حاکم در قم را به تسلیم کشانید. «پدیده تسلیم فرهنگ زرتشتی» به فرهنگ اسلامی، پدیده مطرح قرن دوم و سوم هجری به ویژه در قم بود.

ص: ۱۱

بدون در نظر گرفتن چند برخورد نظامی بین _ عرب و بومیان ساکن قم بویژه در طی قرن اول هجری محصولات فرهنگی قرن سوم در قم نشانه تعامل و گفتگوی فعال _ ایرانی _ عربی _ در قم بوده است. از جمله بارزترین این نشانه ها، پیدایش شاعران دو زبانه بود که با تسلط به زبان فارسی و عربی به هر دو زبان شعر می سرودند. این پدیده در حد فاصل پایان قرن دوم تا قرن ششم هجری به چشم می خورد. این پدیده چند قرن در محافل ادبی ایران حاکم بود. [«دعویدار قمی»]

که دیوان او به دو زبان فارسی – عربی موجود است، نشانه اوج این جریان فکری تا قرن ششم در قم است [حداقل سخنی که در مورد برخورد فرهنگ ها در قم می توان گفت: اینکه وجود زبان فارسی و عربی در کنار هم، همانقدر که نشانه حذف یک فرهنگ و تمدن [در مقابل فرهنگ دیگر است] حاکی از تعامل و دوستی دو فرهنگ است.

تشیع قمی قرن سوم که بر محور وجودی حضرت معصومه علیها السلام قرار داشت واسطه اصلی این تعامل در قم بود.

محدوده جغرافیایی قم در قرن سوم هجری

تکویر قم توسط خلیفه عباسی هارون الرشید مهم ترین اقدام داخلی دولت عباسی در اعمال تقسیمات جدید اداری بود. این که به چه علت دولت عباسی دست به چنین اقدامی زد در ظاهر نصوص تاریخی از جمله تاریخ قم و متن جغرافیایی «ابن رسته» آمده است، شکایت مردم اصفهان در امر خراج قم و اینکه مسئله خراج قم و دیرکرد آن باعث خسارت به امور اصفهان است باعث شد هارون خراج قم را از اصفهان جدا کند و برای قم خراج جداگانه وضع کند.

استقلال قم و اخذ خراج به طور جداگانه از آنجا، نیازمند تحدید مرزهای جدید استان قم بود. در این تکویر که برقی، مساحت آن را «۴۰ فرسخ در ۴۰ فرسخ» نوشته است چندین رستاق و آبادی به قم اضافه شد. و قم جزو استان های خاصه، دولت عباسی درآمد.

از جمله انگیزه های دولت عباسی جهت تکویر قم، اعمال قدرت نظامی، سیاسی، اداری دولت عباسی بود. چون بلافاصله بعد از قبول تکویر قم، حمزه بن یسع حاکم قم که در تکویر قم با خلافت عباسی همکاری کرده بود از سوی هارون الرشید، مورد تشویق قرار گرفت. حمزه واحد سنجش مورد قبول دولت عباسی «ذراع رشیدی»^(۱) را به قم آورد و جایگزین واحد سنجش قبلی قم یعنی؛ «ذراع شاپوری» ساخت.

تصویر ناحیت قم

محدوده جغرافیایی قم در آغاز قرن سوم هجری با محدوده جغرافیایی، «استان ایرانوئارت کواذ»^(۲) دوره ساسانی که به دست قباد

ص: ۱۴

۱-۱. تاریخ قم، ص ۲۹.

۲-۲. همان، ص ۲۴.

ایجاد شد، برابر گردید. برقی (۱) مرزهای قم از چهار جهت را چنین توصیف کرده است:

حد اول: [از غرب] از ناحیه همدان تا میلادجرد که آن ساوه است.

حد دوم: [از سمت شمال] از ناحیه ری تا جوسق داود بن عمران اشعری به دو فرسنگ از دیرگچ.

حد سوم: [از سمت جنوب شرقی] از ناحیه فراهان آنجا که ناحیه کرج است.

حد چهارم: [از سمت جنوب غربی] از ناحیه اصفهان تا وادی که میان قریه درام جرقام و میان قریه راوند است.

برخی عوارض جغرافیایی قم در قرن سوم هجری

ناحیه قم در دو شکل: ۱- دشت پست و وسیع ۲- منطقه ای مرتفع در منطقه جغرافیایی جبال واقع شده است. (۲) ارتفاعات این ناحیه در چند منطقه آن پراکنده شده است. در سمت شمال غربی و جنوب شرقی قصبه قم ناحیه کوهستانی قهستان باقلل به ارتفاع ۳۰۰۰ متر و در سمت شمال غربی رشته کوه و تپه هایی کم ارتفاع به سمت کوه ملاحه کشیده شده اند.

کوه ملاحه (۳) از جمله کوه های معدنی قم و محل مهم ترین معادن

ص: ۱۵

۱- ۱. همان، ص ۲۶.

۲- ۲. مطالعات جغرافیایی هیئت علمی فرانسه در ایران، ج ۱، ص ۵۴.

۳- ۳. تاریخ قم، ص ۷۶.

نمک بود که از آن نمک استخراج و به نقاط دیگر صادر می شد. کوه «ویشویه» و رشته کوه های کم ارتفاع همجوار آن که (۱) کوه های یزدان [هزار دره] [که در سمت غرب رودخانه گسترده شده] را قطع می کنند.

نمودار پستی و ارتفاعات جبال

ص: ۱۶

۱-۱. تاریخ دارالایمان، ص ۴۹.

کوه «وفس»، (۱) کوه «وَر» (۲) در تفرش، کوه «ورده» (۳) در ساوه کوه «اندس»، (۴) «سیاه کوه»، (۵) «تیره» (۶) در شمال غرب ساوه، «بریچ» (۷) کوه خور، (۸) «کوه اردهال»، (۹) کوه «آرخا»، (۱۰) کوه «خرقان»، (۱۱) «تل ماستر» در فراهان.

نقشه محل دریاچه نمک کاشان

ص: ۱۷

-
- ۱-۱. کوه های ایران، ج ۲، ص ۷۵.
 - ۲-۲. همان، ص ۱۷۳.
 - ۳-۳. همان، ص ۷۴.
 - ۴-۴. تاریخ قم، ص ۸۱.
 - ۵-۵. کوه های ایران، ص ۶۲.
 - ۶-۶. همان، ص ۲۰.
 - ۷-۷. همان، ص ۱۲.
 - ۸-۸. تاریخ قم، ص ۶۷.
 - ۹-۹. کوه های ایران، ج ۲، ص ۶.
 - ۱۰-۱۰. همان، ص ۳.
 - ۱۱-۱۱. راهنمای همدان، ص ۱۳۱.

کوه ها و معادن نمک و باتلاق های نمکی از وجوه مشخص عوارض جغرافیایی و طبیعی قم است، (۱) دریاچه (۲) نمک کاشان، نمکزاری در فراهان و کوه نمک قم، به عنوان مراکز استحصال و صدور نمک در قرن سوم بود که در تاریخ قم از آن ها یاد شده است. (۳) تاریخ قم بابتی را به، گزارش در مورد چشمه های نمک موجود قم در قرن سوم اختصاص داده است.

حوادث طبیعی: زلزله ای (۴) در نیمه قرن سوم هجری در قم گزارش شده که ویرانی زیادی به بار آورده یک مورد سیل نیز در ده های آخر قرن سوم قم گزارش شده است.

آثار باستانی و تاریخی قم در قرن سوم هجری

بدون تردید قم در بین شهرهای منطقه جبال در قرن سوم هجری شاهد بیشترین تعداد آثار باستانی و آثار تاریخی از ابنیه و قلاع و پرستشگاه های دینی... بوده است. فهرست برخی از آثار قم در قرن سوم هجری که در متون تاریخی به آن ها اشاره شده است به ترتیب زیر است:

۱- دیر گچ [دیر گچین] ساخت آن را به انوشیروان نسبت داده اند.

ص: ۱۸

۱-۱. تاریخ قم، ص ۸۶.

۲-۲. اداره جغرافیایی ارتش، ص ۴۹، نقشه شماره ۷-۱۳۹N.

۳-۳. تاریخ قم، ص ۵۷.

۴-۴. به گزارش «نصف جهان» در ۲۳۹ هجری [زلزله] باعث قتل ۴۵ هزار کس در دامغان و _ خرابی اصفهان و کاشان و قم شد. ر.ک: نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۸۶.

ابودلف در سفر خود به قم در قرن سوم هجری آن را وصف کرده است.

۲_ دودهک که ستونی در رستاق آن جا باقی است،(۱)

۳_ قلاع: سابقه قلعه ها در قم به ساخت قلعه های(۲) مادی برمی گردد. در گزارش تاریخ قم از ده ها قلعه یاد شده است. گزارش تاریخ یعقوبی(۳) نیز آن را تأیید می کند. بطوری که می توان قم را شهر قلعه ها نامید. به همین سبب نام «چهل حصاران» هم به قم اطلاق شده است. قلعه جلین(۴) در جمکران، قلعه صرم(۵) که مناره آن سی گز بوده است، چشمه صرم،(۶) قلعه یزدان افشان،(۷) قلعه قالهر،(۸) قلعه فک،(۹) دژ شهرستان قلعه هنزفر،(۱۰) از این نوع قلاع با عنوان قلعه گبری(۱۱) در کاشان، ساوه، [قلعه گبری ساوه در قرن ۴ مدفن فاطمه دختر مرداوینج شد] و محلات گزارش شده است.

قلعه نیاستر(۱۲) در اطراف کاشان، قلعه ابل(۱۳) در اطراف نراق قلعه؛ مهرنگار در نیم فرسخی جمکران بر سرکوه دو برادران.

۴_ معابد زرتشتی (آتشکده ها)

[آتشکده فردجان که تا نیمه قرن سوم برپا بود.]

ص: ۱۹

۱-۱. تاریخ قم، ص ۷۰، ۷۱.

۲-۲. قم در قلب «بلاد ماد از نقاطی بود که ساخت قلاع مادی در آن ماندگار شد.

۳-۳. البلدان، ص ۴۹.

۴-۴. تاریخ قم، ص ۶۰.

۵-۵. همان، ص ۶۷.

۶-۶. همان، ص ۶۷.

۷-۷. همان، ص ۷۳.

۸-۸. همان، ص ۳۳.

۹-۹. همان، ص ۷۲.

۱۰-۱۰. همان، ص ۷۸.

۱۱-۱۱. سفرنامه صفاءالسلطنه، ص ۸۶.

۱۲-۱۲. خلاصه البلدان، ص ۲۷۹.

۱۳-۱۳. همان، ص ۲۲۸.

۵ _ معبد آناهیتا: در فهرست روستاهای قم از روستای طراز ناهید(۱) [آناهیتا] نام برده شده است. معبد برکنار رودخانه گلفشان رودخانه عتیق قم یعنی؛ مسیر قبلی رودخانه قم قرار داشته است. آندره گدار تصویری از معبد آناهیتا بر فراز کوه کم ارتفاعی در آن جا ارائه داده است.

اوضاع سیاسی جهان در آغاز قرن سوم هجری

عمده ترین مسئله سیاسی فرهنگی جهان در آغاز قرن سوم هجری، مسئله بیزانس بود. تحرک و تجاوز بلغارها در آسیای صغیر دولت بیزانس را به شدت ضعیف نمود. آثار ضعف بیزانس در جبهه های نبرد با مسلمانان برای این دولت مصیبت بار بود.

«نقفور»(۲) امپراتور بیزانس مجبور به پذیرش معاهده صلح با هارون الرشید خلیفه مسلمانان شد.(۳) موضع قدرتمندانه مسلمانان در برابر ذلت و خواری امپراطوری مسیحی، پیروزی فرهنگی بزرگی برای اسلام در برابر مسیحیت بود.

این پیروزی ثمرات مثبت برای امپراطوری عباسی داشت و به آن ها اجازه داد که مسائل و بحران های داخلی امپراطوری خود را به سرعت سامان دهند. مسئله طبرستان و استقرار آرامش در مرزهای آن جا با دیلم از جمله ثمرات مثبت آن بود. سرکوب شورش ها در ناحیه جبال و کنترل خراسان از دیگر ثمرات موقت این پیروزی بود.

ص: ۲۰

۱- ۱. تاریخ قم، ص ۸۵.

۲- ۲. طبری، ج ۴، ص ۶۶۸.

۳- ۳. همان، ص ۶۶۹.

آغاز دوباره نبرد بین امپراطوری عباسی و بیزانس در آسیای صغیر وضعیت جدید در تصمیم گیری های خلافت عباسی ایجاد کرد و مواضع آن را در بحران های داخلی دچار ضعف ساخت و اجازه داد تا خاندان های قدرت طلب در گوشه و کنار جهان اسلام سربر آورند.

منطقه جبال آتش زیر خاکستر بود، شدت این آتش در ناحیت قم به حدی بود که در دهه اول قرن سوم مردم قم خود را برای رویارویی بزرگ با دستگاه نظامی دولت عباسی آماده می کردند. سرانجام این شورش های پنهان ظهور چند قدرت مستقل سیاسی در طبرستان، خراسان و سیستان بود که شرق و غرب و بخش مرکزی ایران را تحت سلطه خود گرفتند.

در منطقه مرکزی قم کانون قدرتمند مخالفت با خلافت عباسی بود آن ها مأمون را خلع کردند(۱) و به رهبری یحیی بن عمران رئیس قم اعلام استقلال کردند. اما قیام آنها سرکوب شد و یحیی و یارانش کشته شدند.

بدین سان قیام قم در جهت کسب قدرت سیاسی و تشکیل دولت شیعی در ناحیت قم متوقف شد. تنها طاهریان و صفاریان و علویان زیدی مسلک بودند که از فرصت خلاء قدرت عباسی در ایران استفاده کردند.

قدرت و نفوذ بغداد با جنگ امین و مأمون در ناحیه جبال و انتقال قدرت مأمون از مرو به بغداد، ضعیف شد و خلافت عباسی کنترل خراسان، طبرستان، سیستان را از دست داد و مجبور شد آن مناطق را به قدرت های محلی در آن جا واگذار کند. این قدرت های بومی حاضر به همکاری با مأمون شدند و عقاید سیاسی او بویژه عقاید او را در مسئله

ص: ۲۱

امامت پذیرفتند لذا مأمون حکومت این مناطق را به آنها داد و به نوعی با آنها توافق کرد. مسئله در قم به شکل دیگری بود استقلال طلبان قم حاضر به همکاری اقتصادی فرهنگی و سیاسی، با مأمون نشدند و عقاید او در خصوص امامت را رد کردند و خود مأمون را هم شایسته خلافت ندانستند و با عکس العمل تند مأمون مواجه شدند و مأمون دستور حمله نظامی به قم را صادر کرد.

شهرسازی فرقه ای

با شروع قرن سوم هجری تشنج و بحران و «آناشیسیم فرهنگی» ناحیه جبال، خراسان، فارس، یمن، عراق و غرب جهان اسلام حاکم شد. حاصل چنین وضعیتی صف بندی گسترده مسلمانان در شکل فرقه های گوناگون شیعه و سنی در سطح جهان اسلام بود. اولین اقدام هر یک از گروه ها و فرقه های مذهبی که به عقاید خود تعصب می ورزیدند، این بود که برای حفظ و استقرار اندیشه های خود اقدام به کسب قدرت سیاسی در قالب شهرسازی نمودند. آن ها به دنبال مکان هائی بودند که پیروان اندیشه های آن ها در آنجا آزادانه گرد هم آیند و به دور از تهدید مخالفان به نشر و توسعه عقاید خود بپردازند. فروپاشی هیمنه سیاسی دولت عباسی در مناطق داخلی ایران در نیمه قرن سوم روند شهرسازی فرقه ای را شدت بخشید. ظهور طاهریان _ سامانیان _ صفاریان در ایران موقعیت بسیار مناسبی برای شکل گیری بزرگترین شهر فرقه ای در ناحیه جبال را فراهم ساخت.

مهمترین حادثه در جغرافیای تاریخی منطقه جبال که با توسعه جغرافیائی و فرهنگی و اقتصادی قم همراه شد، شکل گیری قم به عنوان بزرگترین و تنها پایگاه قدرتمند تشیع امامی در قرن سوم بود.

در حد فاصل سال های ۱۷۰ هجری تا ۲۲۰ هجری چندین شهر فرقه ای توسط خداوندان اندیشه ها و فرق اسلامی در شرق و غرب جهان اسلام ساخته شد. در این بین شهر قم را می توان پرچمدار این شهرها در جهان اسلام دانست، ویژگی شهرسازی فرقه ای بر سراسر قرن سوم سایه افکنده است، لذا می توان آن را «قرن شهرسازی فرقه ای» نامید.

آنچه در نگاه اجمالی به این شهرها به نظر می رسد نقاط مشترکی است که پیرامون «شکل گیری شهرهای فرقه ای» وجود دارد. بطور نمونه همانطور که مهاجرت و فرار ادریس اول از مدینه^(۱) به مغرب اقصی موجب پیدایش شهر «فاس»^(۲) شد، مهاجرت حضرت معصومه علیها السلام از مدینه به قم هم که تقریباً با فاصله چند دهه از یکدیگر صورت گرفت، موجب دوام فرهنگ شیعه امامی در قم گردید. مهاجرت جد رستمیان اباضی از شرق به افریقیه باعث شکل گیری چند شهر فرقه ای در آن جا شد. در این شهرها جاذبه معنوی شخصیتی که شهر پیرامون مقبره او شکل گرفته است، چنان عظیم و نیرومند بوده است که در مواردی علیرغم آباد بودن بافت قدیمی شهر، به مجرد مهاجرت آن شخصیت، بافت قدیمی به تدریج به سمت مقبره و محل سکونت آن مهاجر، نقل مکان داده است.

ص: ۲۳

۱- ۱. تاریخ سیاسی اسلام، ص ۱۹۱.

۲- ۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۱.

موقعیت نام جدید نام قدیم نام بنیانگذار و شخصیتی که شهر مذهب پیرامون وجود او شکل گرفت

غرب جهان تاهرت در فاصله ۵ عبدالرحمن بن رستم ۱۶۰ _ ۱۷۱ خوارج اسلام مایلی شهر قدیم

== رقادہ ابراهیم بن احمد اعلبی ۲۶۳ تسنن

== عباسیه اول در ۸ کیلومتری قیروان ابراهیم بن اول غلبی ۱۸۹ تسنن

== تنس نزدیک ملیانه ابن عائشه ۲۶۲ خوارج و تسنن

== وهران نزدیک تلمسان محمد بن ابی عون ۲۹۲ تسنن و خوارج

== فاس ادریس دوم ۱۹۲ شیعه

تغور جبال و دیلم قزوین قلعه کشوین خلیفه عباسی تسنن و تشیع

یمن زبید در دره ای جعفر مولی زیاد، ۲۰۴ اسماعیلیه ایام مأمون

ناحیه جبال قم «کوما» دوره مادی... حضرت معصومه و تجمع ۲۰۱ شیعه امامی کم سامانی شیعیان در اطراف مرقد او

ناحیه جبال مامونیه تسنن

ناحیه جبال محمدیه ری خلیفه عباسی مهدی ۱۵۸ تسنن

ناحیه جبال کرج ابی دلف کره اصلاحات ابی دلف

غرب جهان عباسیه دوم نزدیک تاهرت ابوالعباس محمد بن اغلب ۲۲۷ تسنن اسلام

== سوسه روستایی در ساحل زیاده الله اول اعلبی ۲۴۹ تسنن مدیترانه

عراق سامرا بیابان معتصم عباسی ۲۱۸ تسنن

عراق بغداد دهکده ایرانی منصور عباسی ۱۴۸ تسنن

فهرست برخی از شهرهای فرقه ای در قرن سوم هجری

این مطلب بطور وضوح در متون تاریخی مربوط به قم مورد توجه قرار گرفته است، شهر قدیم چند دهه بعد از رحلت حضرت معصومه علیها السلام در قم به تدریج از سمت شمال شرقی به سمت جنوب غربی منتقل شد و در اطراف باغ «بابلان» شکل گرفت.

کروکی و تصویر نسبت دو شهر قدیم و جدید قم

ص: ۲۵

عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر قم در قرن سوم هجری

شکل‌گیری هر شهر محصول کارکرد عوامل متعدد مثبت و منفی در مکان جغرافیایی خاص در زمان معینی است.

الف) عوامل مثبت در شکل‌گیری شهر جدید قم

۱_ عنصر راه‌های ارتباطی قم

۲_ عنصر رونق اقتصادی قم

۳_ عنصر حیات فرهنگی قم

۴_ عنصر سیاسی فعال قم

۵_ عنصر تجمع و ترکیب و جابجائی جمعیت در ناحیه قم [واقعه جمعیتی]

۶_ عنصر پیشینه تاریخی و مقاومت ملی

۷_ عنصر ماوراء طبیعی [شخصیت و سیطره وجودی حضرت معصومه علیها السلام]

ب) عوامل منفی مؤثر در شکل‌گیری شهر قم در قرن سوم هجری

۱_ کارکرد منفی عنصر تعصب کور حاکم در منطقه جبال

۲_ گسترش و کارکرد منفی کویر و موقعیت قم در کویر

۳_ تشتت فرقه‌ای گروه‌های تشیع،

۴_ کارکرد آثار منفی بحران امامت و بحران مهدویت در قم

۵_ عملکرد منفی ناشی از کنترل فرهنگی و نظامی حاکم بر قم

۶_ کارکرد منفی برخورد تسنن و تشیع، ناشی از احاطه تسنن ساوه، اصفهان و ری بر قم

۷_ عملکرد منفی ناشی از ظلم اقتصادی ولات بر قم در جمع انواع مالیات و خراج.

ناحیت قم در قرن سوم هجری، عرصه جنگ عوامل مثبت و منفی در شکل گیری شهر جدید قم بود. در صورت غلبه عوامل مثبت بر عوامل منفی، قم به صورت شهری آباد و مناسب جهت رشد و توسعه فرهنگی در می آمد که چنین شد و در صورت غلبه عوامل منفی قم وارد دوره دیگری از ویرانی و انحطاط می شد.

ارزیابی عوامل مثبت و منفی در روایات مربوط به قم

غلبه عوامل مثبت بر عوامل منفی در قم قرن سوم را می توان در تعبیر رمزی از فحوای روایات متعدد در باب قم به دست آورد. روایت معراج پیامبر صلی الله علیه و آله (۱) درباره قم [جمله قم یا ملعون] حاکی از طرد عوامل منفی از قم است.

این عوامل منفی مانع از شکل گیری شهر جدید قم به عنوان پایگاه تشیع بود. روایت مربوط به برخورد شمشیرهای (۲) بغداد و مرو، حاکی از ایجاد زمینه مساعد جهت عملکرد عوامل مثبت در شکل گیری شهر آباد شیعی در قم بود.

در مورد سائر روایات درباب قم نیز با برداشت رمزگونه از آن روایات می توان آن ها را در راستای چگونگی کارکرد عوامل مثبت و

ص: ۲۷

۱-۱. خلاصه البلدان، ص ۵۳.

۲-۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۲.

منفی در پیدایش شهر جدید قم در قرن سوم هجری ارزیابی کرد.

۴۰ روایت (۱) در مورد فضیلت و شخصیت فرهنگی قم وارد شده است. در این روایات به مطالب مختلفی از مقام معنوی اوضاع سیاسی و فرهنگی قم اشاره شده است. توسعه قم در قرن سوم هجری در آئینه روایات شیعی قابل رؤیت است از نکات جالب توجه این که فاصله میان صدور این روایات و آغاز توسعه قم چند دهه بیشتر نیست.

از زمان صدور روایتی «که خبر از توسعه ارضی قم و افزایش قیمت زمین قم می داد» تا توسعه قم در آغاز قرن سوم هجری ۴ دهه بیشتر نمی گذشت. به همین شکل، ۴ دهه از صدور روایتی می گذشت که خبر از رویارویی شمشیرهای بغداد و خراسان می داد. سال های پایانی قرن دوم شاهد چنین رویارویی بین سپاه بغدادی امین و مأمون و سپاه خراسانی او بود.

و نیز روایتی (۲) که قم را «آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله» و محل امن آن ها می دانست در حوادث مهاجرت به قم به وقوع پیوست. مطلب مشترکی که در روایات مربوط به قم به چشم می خورد، وقوع مضامین این روایات در چند دهه بعد از صدور این روایات است. آنچه متفاهم از همه این روایات می باشد اینکه: قم به عنوان پایگاه مستقل شیعه با عنایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله او، محل مهاجرت و سکونت شیعیان خواهد شد.

ص: ۲۸

۱- ۱. خلاصه البلدان، ص ، ۱۵۱.

۲- ۲. همان، ص ۶۵.

نگاهی به کارکرد عوامل مثبت و منفی در پیدایش و توسعه و انحطاط شهر قم در ادوار مختلف تاریخ حاکی از عملکرد متفاوت این عوامل در زمان های مختلف در قم است.

سابقه شهرسازی در قم نشان می دهد که: در طول تاریخ، قم چندین بار مورد تقسیمات کشوری قرار گرفته و به عنوان نقطه ای مناسب جهت عمران و استقرار جمعیت توسط حکومت وقت، مورد توجه قرار گرفته است.

اولین شهرسازی قم به «قُمساره بن لهراسب»^(۱) در دوره کیانی نسبت داده شده است. مستندترین گزارش بعد از این تاریخ مربوط به اقدامات عمرانی و فرهنگی و امنیتی قباد در قم است.

قباد به شهرسازی در تاریخ ایران مشهور است و در تقسیمات کشوری دولت ساسانی تغییرات اساسی داد.^(۲) از جمله مهمترین اقدامات او، احداث استانی بزرگ در منطقه مرکزی ایران بود. طبق نقشه قباد ناحیه مرکزی ایران هنگامی مفید به حال کل مملکت ساسانی است که به صورت استانی واحد تحت کنترل قدرت مرکزی قرار داشته باشد. کار قباد پیش از آن که کار عمرانی در ناحیه مرکزی ایران باشد، نوعی تقسیم قدرت در این ناحیه بود که مصالح سیاسی اقتصادی فرهنگی دولت را تأمین می نمود و همه ارتباطات در این منطقه با دولت مرکزی را کارآمد می ساخت. قباد استان جدید التأسيس در ناحیه

ص: ۲۹

۱-۱. تاریخ قم، ص ۲۳.

۲-۲. مصاحب، ص ۲۰۱۱.

مرکزی ایران را استان «ایرانو ثارث کواذ» نامید. این استان به گفته برقی: «۴۰ فرسخ در ۴۰ فرسخ» مساحت داشت. (۱)

فتح قم و از بین رفتن تقسیمات کشوری ایران

به دنبال فتح ایران، اولین اقدام عرب، اعمال تقسیم بندی جدید عربی در سراسر ایران بود. بر اساس تقسیم بندی اولیه خلافت عربی، قم و چند شهر دیگر جزو مضافات «بصره» (۲) شد. در متون اسلامی از قم با عنوان «ماه البصره» (۳) یاد کرده اند. این تقسیم بندی جدید ایران با جابجایی اجباری ایرانیان به نقاط مختلف همراه بود که در طی خلافت اموی به شدت دنبال شد.

قم که تا زمان ظهور اسلام همچنان مرزهای دوره ساسانی خود را حفظ کرده بود به دنبال فتح آن (۴) در ۲۳ هجری دچار بیشترین تغییرات از ناحیه «تقسیمات عربی» شد.

ناحیه ثروت خیز قم که درآمد سرشاری را عاید خلافت نمود مانند دیگر «بلاد ماه» هدف بیشترین تغییرات سیاسی اجتماعی خلافت مرکزی قرار گرفت. در این میان سهم قم از این تغییرات از سائر بلاد ماه بیشتر بود. بطوری که در فصول بعدی می آید قم در طی قرن سوم هجری هشت بار مساحت شد.

اولین آثار تقسیم بندی عرب در قم این بود که قم از شهری که از

ص: ۳۰

۱-۱. انوار المشعشعین، ص ۴۹.

۲-۲. فتوح البلدان، ص ۳۰۹.

۳-۳. معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۰.

۴-۴. فتوح البلدان، ص ۳۱۰.

بزرگترین مراکز تجمع جمعیتی در ناحیه جبال بود به بزرگترین «پادگان نظامی عرب» تبدیل شد. این پادگان مهمترین نقطه در میانه محور نظامی عرب از «بغداد تا ماوراءالنهر» بود.

فتوحات عرب از نیمه دوم دهه سوم هجری در ماوراءالنهر شدت گرفته بود. به هم خوردن وضعیت ایران در تقسیمات جدید عرب باعث شد کاربری سیاسی اقتصادی قم در شبکه ارتباطات منطقه جبال به حداقل ممکن برسد اما؛ بار دیگر جایگاه مهم سیاسی _ اقتصادی قم در تقسیمات کشوری ایران به واسطه حضور فعال عناصر ایرانی، در دولت عباسی تجدید شد.

مهم ترین تحول سیاسی در دهه پایانی قرن دوم و آغاز قرن سوم، در منطقه جبال، اعمال تقسیمات جدید کشوری دولت عباسی در ایران بود. این تقسیمات جدید مصالح مالی سیاسی و فرهنگی دولت عباسی را تأمین می کرد. مؤثرترین و چشمگیرترین این تصمیمات، در ناحیت قم صورت گرفت. عباسیان، مرزهای سابق ناحیت قم را تجدید کردند. این تجدید مرزهای قم نشان دادن کاربری مفید و اقتصادی قم هنگامی میسر است که مرزهای ناحیت قم در حد مرزهای قم در دوره ساسانی باشد.

راه های قم

منابع جغرافیایی قرن سوم، موقعیت قم را در ملتقای (۱) مهمترین راه های مواصلاتی بین جنوب و شرق ایران نشان داده اند. یعقوبی از

ص: ۳۱

وجود هزار گذر در قم سخن گفته است. در این منابع از قم به عنوان شهری معتبر در سر شاهراه بزرگ و راه اصلی ایران _ راه خراسان _ یاد شده است.^(۱)

حیات هر شهر بستگی به راه هایی دارد که از آن شهر عبور می کند. تعداد راه ها و کیفیت کاربری راه هایی که از یک شهر عبور می کند، حاکی از نقش و جایگاه کالبدی شهر در شبکه ارتباطی بین شهرها است.

این موقعیت قم در حفظ حیات و پویایی راه های مهم مواصلاتی در ایران از قدیمی ترین ایام مورد توجه بوده است. آنچه که درباره «دیر گچین»^(۲) در منابع جغرافیایی آمده است. حاکی از نقش ضروری قم در حفظ راه هایی بوده است که قرن ها منافع اقتصادی و سیاسی ده ها دولت و ملت را تأمین می کرده است.

منابع قرن سوم بر اهمیت دیر گچین بر حفظ «راه ها» تصریح نموده اند. [بدون دیر گچین عبور کاروان ها از کویر^(۳) ممکن نبوده است.] انوشیروان این دیر را در قم ساخت و^(۴) قرن ها برقرار ماند.^(۵) در نیمه قرن چهارم ابودلف، سفیر سیاسی خلافت عباسی در سفر خود از قم عبور کرده و بر اهمیت دیر گچین اشاره کرده است.^(۶)

توجه مهم دیگر به راه های قم در کارهای عمرانی قباد در قم آمده

ص: ۳۲

۱-۱. الاعلاق النفیسه، ص ۱۹۳، ۱۹۷.

۲-۲. تاریخ قم، ص ۶۶.

۳-۳. سفرنامه ابودلف، ص ۲۱.

۴-۴. تاریخ قم، ص ۲۶.

۵-۵. مختصر البلدان، ص ۲۷۰.

۶-۶. سفرنامه ابودلف، ص ۷۱.

است. بیان رمزی قباد در مورد سائر شهرهای ایران نیز آمده است. از جمله مهمترین اقدامات عمرانی قباد در قم، تأمین امنیت راه های قم بود. قباد جهت تأمین راه های شهرها در مواضع مختلف هر شهر طلسم هایی تعبیه کرد.^(۱)

تعبیه طلسم در راه ها، کنایه از حفظ امنیت راه ها به شکل نوعی از اعمال قدرت [یعنی از طریق طلسم گذاری] بوده است. در مقایسه بین طلسم هایی که قباد در شهرهای بزرگی چون همدان قرار^(۲) داد و طلسم هایی که در راه های قم نهاد، به اهمیت راه های ارتباطی قم می توان پی برد... آنچه در عملیات گسترده _ طلسم گذاری _ قباد، در خصوص قم قابل توجه است این که قباد از مهترین طلسم ها و قدرتمندترین آن ها در قم استفاده کرد. نگاهی به جدول مقایسه ای «طلسم ها» این مطلب را ثابت می کند. سابقه راه های باستانی ایران که از قم عبور می کرد به پیش از عهد ساسانی می رسد. بقایای «میل سراج» در محل قم؛ راه «قم _ ری»، گویای چنین مطلبی است.

کلام آخر در اهمیت راه های قم اینک: قم در همه ادوار تاریخ از مزیت شاهراه تجاری که در مسیر راه تجاری اصلی ایران قرار داشت، برخوردار بود. راه تجاری از اولین خصوصیات مراکز جمعیت از «شار» پیش از اسلام تا شهرهای بزرگ دوره اسلامی بوده است. عبور بزرگترین راه های تجاری جهان (ادویه _ ابریشم) از قم گویای این مطلب است.

ص: ۳۳

۱-۱. تاریخ قم، ص ۸۷.

۲-۲. ابن الفقیه، کتاب البلدان، ص ۴۶۲.

از جمله مطالب مهمی که در خصوص اهمیت راه های قم می توان به آن استناد کرد، گزارش منابع مبنی بر پرورش اسب های «برید» در قم است. «تولید اسب برید»^(۱) یعنی؛ اسب مخصوص «پیک های تندرو دولتی» که به سرعت پیام های «سیاسی اقتصادی» دولتی را به نقاط مطلوب می رساندند.

ص: ۳۴

۱-۱. تاریخ قم، ص ۳۰.

نام شهر/نام طلسم آفات امنیت راه ها امراض اختفاء کنوز اخلاق مردم آب وهوا

مدائن پایتخت ساسانی × × × × ×

قرمیسین × ×

همدان × × ×

نهاوند ×

قم × × × × ×

اصفهان × × × × ×

ری × ×

«جدول مقایسه ای طلسم ها در قم و سایر شهرها توسط مهندس حکیم بلیاس»

تاریخ قم «۱۳ درب» [دروازه] برای قم ذکر کرده است. (۱) شش راه از نقاط مهم شهری به این دروازه ها ختم می شد: ۱_ راه ساوه و آوه ۲_ راه خراسان که در امتداد راه اصلی خراسان قرار می گرفت ۳_ راه همدان ۴_ راه جبال ۵_ راه کاشان ۶_ راه عراق. (۲)

دیوار و دروازه های قم

عبور راه های مهم زیارتی، تجاری و سیاسی از قم ایجاب می کرد این شهر از دروازه های متعدد برخوردار باشد. این شهر از حیث دروازه ها در ردیف پایتخت امپراطوری عباسی قرار داشت، بغداد که هنوز چند دهه از عمر آن می گذشت تا چندی پیش دهکده ای

ص: ۳۵

۱-۱. همان، ص ۲۶.

۲-۲. تاریخ دارالایمان، ص ۱۲، ۱۳.

ایرانی [در زمان ساسانی] بود که سالیانه در آن بازاری بزرگ تشکیل می شد.

در بررسی تاریخی دروازه های قم، این شهر مقام بالائی نسبت به سائر شهرهای دارای دیوار و دروازه در جهان اسلام دارد. ۱۳ دروازه در اطراف شهر قم، این شهر را با ساوه، همدان، ری، اصفهان، عراق مرتبط می ساخت. بعدها دروازه ای به نام «دروازه حضرت معصومه علیها السلام» در مجموعه دروازه های قم ذکر شده است.

از جمله نشانه های اهمیت شهری قم دیوار آن بود. تعداد دروازه ها حاکی از حد بالای حیات و نشاط اجتماعی _ سیاسی _ اقتصادی در آن شهر بود.

نقشه دروازه های قم

ص: ۳۶

فهرست مقایسه‌ی دروازه‌های شهرها در قرن سوم هجری

اصفهان ۴

بغداد ۱۴

قم ۱۳

همدان ۴

ری ۵

شهر زرنج ۵

ربض زرنج ۱۳

مرو ۴

هرات ۴

بوشنج ۳

بلخ ۷

شهر بخارا ۷

نسف ۴

کش ۴

فرغانه ۶

سوسه ۸

رقاده ۷

فهرست مقایسه‌ی دروازه‌های شهرها در قرن سوم هجری

ص: ۳۷

تاریخ قم به بسیاری از نشانه های تمدن در قرن سوم هجری در قم اشاره کرده است: شش راه و ۱۳ دروازه؛ هفت میدان؛ ۵ پل؛ زندان؛ دارالاماره؛ ۲ مسجد جامع؛ منبر؛ قصبه؛ قلعه؛ دیوار و بارو؛ دیوان آب؛ شبکه گسترده آبیاری؛ چندین مسجد؛ مقبره های معتبر؛ خانه ها و کاخ و کوشک های عالی؛ چند رودخانه؛ انواع خراج؛ دارالضرب؛ صرافان؛ اصناف مختلف؛ بازار؛ ده ها کاریز؛ آسیاب های متعدد؛ باغات؛ روستاهای متعدد؛ ده ها عالم و دانشمند؛ تولید صدها اثر علمی و...

توجه به تأسیسات «فرهنگی تمدنی» که در قرن سوم در قم ایجاد شد؛ شهر قم را به عنوان یک پدیده تاریخی در بررسی و تحقیقی پیرامون چگونگی پیدایش شهرها در قرون وسطی قرار می دهد. بسیاری از محققان به بررسی شهر قم از حیث شهرسازی به عنوان نمونه مناسب شهر در قرون وسطی پرداخته اند. شهر قم بسان شهرهای بزرگ قرن سوم از الگوی ثابتی پیروی کرده است. این الگوی ثابت در اکثر شهرهای اسلامی بطور یکسان به کار گرفته شده است. در این نوشته عناصر اساسی و کالبدی شهرهای اسلامی را در قالب شهر قم بررسی می کنیم:

مسجد جامع و منبر

وجود مسجد جامع و منبر در شهر ملاک اصلی شهر نامیدن یک واحد جمعیتی در ممالک اسلامی بود. جامع و منبر در یک شهر در شهرسازی اسلامی به مفهوم اهمیت سیاسی اقتصادی آن شهر در

در مقایسه بین شهرهای اسلامی در قرن سوم هجری قم از اولین شهرهایی است که پیش از پایان قرن دوم هجری دارای دو مسجد جامع و منبر (۱) بوده است. در حالی که بغداد که در سال ۱۴۸ ه تأسیس شده بود (۲) در پایان قرن دوم از یک مسجد جامع برخوردار بود و قم سابقه یک مسجد جامع را در اوائل قرن دوم هجری و دومین مسجد جامع را در پایان این قرن کسب کرده بود و هنوز قرن دوم به پایان نرسیده بود که خلیفه بزرگ مسلمین هارون در آن منبر نهاد. (۳)

مسجد جامع اول قم در کنار دروازه ساوه [«... دوم راه ساوه و آوه که آن راه مسجد جامع است...»] (۴) و مسجد جامع دوم قم در محل مسجد جامع موجود قم [واقع در ضلع جنوب شرقی میدان کهنه قم بوده است. (۵)]

محل مسجد جامع قم نسبت به سائر اماکن شهر قم، حاکی از نقش کالبدی مسجد جامع نسبت به سائر اماکن شهر در قرن سوم هجری است. الگوئی که سائر شهرهای اسلامی از آن پیروی می کرده اند.

دومین مسجد جامع قم در کنار یکی از دروازه های معتبر شهر «دروازه ری» بوده است. راهی که قم را به شهر بزرگ ری قطب تجاری منطقه جبال و شهر مشهور جاده ابریشم و راه خراسان، متصل می کرد. بازار شهر (۶) در کنار راه تجاری و مسجد جامع امتداد پیدا کرده بود.

ص: ۳۹

۱-۱. تاریخ قم، ص ۳۸.

۲-۲. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۵۸.

۳-۳. تاریخ قم، ص ۳۸.

۴-۴. خلاصه البلدان، ص ۱۸۵؛ ریاض، ص ۲۴۵.

۵-۵. تاریخ دارالایمان، ص ۱۳.

۶-۶. انوار المشعشعین، ص ۱۲۳.

هنوز قرن دوم به پایان نرسیده بود که مقابر شخصیت های بزرگ مذهب شیعه در قم مورد توجه قرار گرفت. از (۴۴۰) امامزاده که در قم مدفون است تنها چند تن حائز اهمیت است. از جمله امامزادگان بدون واسطه و صحابی بزرگ امام صادق علیه السلام و امام موسی کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام در قم، مانند:

۱- علی بن جعفر (۱) ۲- زکریا بن آدم (۲)

۳- بابا مسافر (۳) ۴- احمد بن قاسم (۴)

۵- حمزه بن موسی ۶- ابراهیم بن موسی (۵)

۷- موسی مبرقع

۸- بانوان (۶) مدفون در کنار قبر حضرت معصومه علیها السلام [زینب، ام محمد، میمونه دختران امام محمد تقی؛ بریهه دختر موسی و دختران رضائیه و...]

از جمله مهمترین این قبور که نقش اساسی در شکل گیری شهر قم داشت، مقبره حضرت معصومه علیها السلام بود. این قبر باعث تشکیل اولین «شهر مقبره ای» در قرن سوم هجری در منطقه جبال شد. پیرو آن نخستین مراکز آموزشی مقبره ای [مدارس مقبره ای] در قرن سوم هجری در قم شکل گرفت که در جهان اسلام پیشرو مدارس مقبره ای

ص: ۴۰

- ۱- ۱. تربت پاکان، ج ۲، ص ۴۳.
- ۲- ۲. تاریخ دارالایمان قم، ص ۲۳.
- ۳- ۳. تربت پاکان، ج ۲، ص ۹۷.
- ۴- ۴. تاریخ دارالایمان قم، ص ۴۳.
- ۵- ۵. تربت پاکان، ج ۲، ص ۷۳.
- ۶- ۶. تاریخ دارالایمان قم، ص ۳۵.

است. نخستین حلقات سماع حدیث پیرامون مقبره حضرت معصومه علیها السلام به وجود آمد.

تصویر مقبره امامزاده حمزه بن موسی

ص: ۴۱

تصوير مرقد احمد بن قاسم

ص: ۴۲

قم ۲ جامع صاحب منبر در قرن دوم

بغداد ۴ جامع پایتخت خلافت از نیمه قرن دوم بنای جامع در نیمه قرن دوم

اصفهان ۲ جامع و منبر

ری ۱ جامع بنای جامع در نیمه قرن دوم در ۱۵۸

نیشابور ۱ جامع

بلخ ۱ جامع

سوسه ۱ جامع زیاده الله بن اغلب

بخارا ۱ جامع

قزوین ۱ جامع هارون الرشید

کرج ۱ جامع ابودلف

مرو ۳ جامع

هرات ۱ جامع

جدول مقایسه ای منبر و جامع در طی قرن سوم

در آغاز قرن سوم، رحلت حضرت معصومه علیها السلام در قم، باعث شد که در نیمه قرن سوم قم به صورت بزرگ ترین شهر مقبره ای در جهان اسلام در آید. سرکوب شیعیان در مدینه، بغداد، نجف و کربلا و سائر شهرهایی که مقابر ائمه شیعه علیهم السلام وجود داشت. روند توسعه شهری قم را شدت بخشید.

ویرانی کربلا در دهه چهارم قرن سوم، مهجور ماندن قبر حضرت

ص: ۴۳

علی علیه السلام در نجف، و حصر قبور ائمه علیهم السلام شیعه در مدینه باعث شد، جمعیت انبوهی از شیعیان سیاست ایجاد شهر مقبره ای را در قم پیاده کنند. بیان رمزگونه ایجاد چنین شهری در بیان ائمه علیهم السلام شیعه آمده است. امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام از وجود قبری متعلق (۱) به اهل بیت علیهم السلام در قم خبر داده بودند.

دولت عباسی برای مقابله با این سیاست شیعیان در همه مراکز شهری شیعه سیاست تخریب مقابر مقدس آن ها را در پیش گرفت. شاخصه این سیاست آن ها در قرن سوم، ویرانی کامل قبر امام حسین علیه السلام در کربلا- بود. در راستای همین سیاست دولت عباسی، مراسم تدفین حضرت معصومه علیها السلام بیرون از شهر قم به صورت خاصی و با شرکت افراد محدودی با حضور دو سوار (۲) ناشناس صورت گرفت.

تشیع جنازه و دفن پیکر مطهر حضرت معصومه علیها السلام به شکلی که نقل شد حاکی از حاکمیت وضع پلیسی بر قم بود به همین علت دو سوار که گویا از بزرگان شیعه بوده اند، به صورت ناشناس در جمع کسانی که مشغول انجام مراسم تدفین بودند، حضور یافتند. (۳)

ص: ۴۴

۱-۱. تاریخ قم، ص ۲۱۵.

۲-۲. همان، ص ۲۱۴.

۳-۳. برخی از گزارش ها در خصوص تشیع جنازه حضرت معصومه علیها السلام با توجه به اوضاع حاکم بر قم در آن برهه نمی تواند توجیه داشته باشد. مانند گزارشی که «تحفه الفقراء» نقل کرده است که پیکر حضرت معصومه علیها السلام را بر شتری نهادند تا هر جا که زانو زد همانجا محل دفن ایشان باشد. (ر.ک: تحفه الفقراء، ص ۹).

عامل ماوراء طبیعی در تشکیل شهر قم

در طی سال های ۱۸۰ه تا ۲۵۰ هجری دولت عباسی برای جلوگیری از شکل گیری مراکز شهری شیعه در کربلا، نجف، بغداد، قم و... سیاست خاصی را اتخاذ کرد. اقدامات نظامی در رأس سیاست عباسیان در خصوص این شهرها بود.

در این فاصله کربلا چندین بار مورد هجوم قرار گرفت و مرکزیت و تجمع شیعه در آنجا، منهدم شد. قم دوبار مورد هجوم دو لشکر بزرگ عباسی قرار گرفت و تأسیسات عمرانی شهر از جمله دیوار شهر ویران شد و گروه زیادی از مردم قتل عام شدند. بزرگترین هدف دولت عباسی از این اقدامات جلوگیری از پیدایش شهر کاملاً شیعی در ایران بود.

مقاومت شیعه و تجمع و ترکیب جمعیتی شیعه و مخالفان دولت عباسی در ناحیت قم زمینه را جهت تأثیر عناصر ماوراء طبیعی در شکل گیری شهر قم فراهم ساخت. چنانکه ملاحظه شد در پیشگویی روایت ائمه علیهم السلام از وجود قبری در قم از خاندان ائمه علیهم السلام آمده بود.

بر اساس همین پیشگویی، نوعی انتظار نسبت به «موعود منتظر» در قم وجود داشته است. وعده ورود زنی به قم از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در ذهن گروهی از شیعیان معهود بود.

توجیه داستان «مریم دروغگو»^(۱) که در قم ادعای مهدویت کرد و خود را «موعود منتظر» نامید، بر اساس وجود اندیشه موعود در قم

ص: ۴۵

امکان پذیر است. این که در قم زنی ادعای مهدویت کرد در تاریخ اسلام بی نظیر است. این حادثه خود قرینه ای بر وجود، فکر انتظار در مورد ورود زنی از خاندان ائمه به قم است. زنی که مقبره او زیارتگاه و محط قلوب مردم و محل «شَدِّ رِحَال» علمای بزرگ شیعه خواهد شد.^(۱)

در نهایت آنچه که در خصوص سیاست ایجاد شهرهای مقبره ای در مورد قم می توان گفت: دخالت عامل ماوراء طبیعی در شکل گیری این شهر در کنار تأثیر سائر عوامل است. به این «عامل ماوراء طبیعی» در پیشگویی امام علیه السلام [«ان لنا قبر بقم»] اشاره شده است. جمله «لنا قبر»، حاکی از تعلق قم به اهل بیت علیهم السلام است. علت این وابستگی به خاطر وجود قبری که مورد عنایت، رئیس مذهب شیعه، یعنی؛ امام صادق علیه السلام بوده است می باشد.

تأسیسات اداری قم در قرن سوم

شهر قم تا ورود به قرن سوم دو دوره زندگی در تحت حاکمیت حکومت اسلامی را تجربه کرده بود. مقاومت در برابر ولات اموی و سپس درگیری با والیان دوره عباسی در کارنامه قم وجود داشت. در فهرست تشکیلات اداری شهر قم از نهادهای مختلف اداری که در سایر شهرهای بزرگ وجود داشت؛ یاد شده است:

ص: ۴۶

۱- ۱. از جمله مقابر قم، مقبره ای در انجیلوند به نام «شودی مریم» است. که باید تحقیقات بیشتری صورت بگیرد که تا چه حد آن مقبره، با این گزارش در خصوص زنی به نام مریم دروغگو که ادعای مهدویت داشت مناسبت دارد.

در قرن سوم هجری، در بسیاری از مناطق جهان اسلام حکومت های مستقل ملی و دینی تشکیل شد و آن مناطق از حاکمیت ولات منصوب از طرف خلافت آزاد شدند. قم از جمله مناطقی بود که همچنان تحت سلطه «ولات» به سر می برد، حاکمیت دوره ولایت در ناحیت قم نسبت به سائر نقاط جهان اسلام به جز طبرستان صد سال بیشتر به درازا کشید. قم قرن سوم ده ها والی عباسی را تجربه کرد.

از نکات جالب توجه در مورد ولات قم در ۳ دوره راشدین، اموی، عباسی مقاومت مردم قم در برابر ولات و عدم همکاری با آن هاست.

دارالاماره در خارج از (شهر بیرونی) ربض (حومه) محل سکونت عموم مردم قرار داشت. و ولات هیچگونه تماسی با مردم(۱) نداشتند. محل سکونت والیان قم و وابستگان اداری آن ها چنانچه در تاریخ قم آمده است: «در کمیدان واقع بود. چون عرب ساکن در قریه ابرشتجان منع می کردند ولات و حاکم را که در میانه شهر فرود آیند». ورود، سازمان اداری وابسته به دستگاه خلافت به بافت اصلی شهر قم حدود یک قرن و نیم طول کشیده است و طی مراحل از کمیدان [در غرب رودخانه قم و بیرون شهر بوده است] به داخل قم انتقال پیدا کرده است.(۲)

مخالفت عرب از ورود ولات به قم چنانچه تاریخ قم به آن تصریح کرده است حاکی از استقلال طلبی عرب در قم بود. تمرد اعراب از

ص: ۴۷

۱- ۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲- ۲. همان، ص ۱۴۵.

خلافت مرکزی سنت اعراب بیابانگرد در سراسر امپراطوری اسلامی بود. روابط میان عرب و خلافت مرکزی در قم مانند سائر نقاط جهان اسلام اعمال می شد و خلافت عباسی مجبور شد خراج و منافع قم را به عرب واگذار کند.

مردم قم با ولایتی که تنها مأموریت آنها جمع هر چه بیشتر خراج و سامان دادن به وضع مالیاتی قم بود، همواره در حال نزاع بودند. این والیان که در حقیقت صاحبان خراج بودند، قادر به تحمل اوضاع قم نبودند و دولت عباسی مجبور شد والیان متعددی را در فاصله کوتاهی از زمان به قم روانه کند.

چنانکه ذکر شد از قم به عنوان یکی از شهرهای ماه یاد شده است مقاومت مردم قم در پرداخت خراج و مالیات به دولت مرکزی دولت عباسی را مجبور ساخت که در طی قرن سوم والیانی که متخصص در امر جابیه خراج بودند را به قم اعزام کند متعاقب آن ناظر و مشرف جهت بررسی اوضاع و عملکرد ولات می فرستاد نیز مأموریت این ولات عملکرد اقتصادی و جهت رفع بحران خراج در قم و تعیین نظام مالیاتی مشخص برای قم بود.

آن ها جهت انجام این کار هشت بار شهر قم را مساحت کردند. مشابه چنین عملیات مالیاتی در سائر شهرها انجام شد. اما کمیت و کیفیت مساحی قم همچنان بی نظیر باقی ماند. قم تنها با روی کار آمدن آل بویه بود که از شرّ خلافت عباسی و مزدوران آنها نجات یافت و سرانجام بویهیان پایان حضور حکام اشعری در قم را اعلام کردند.

در طول قرن سوم قمری ها از بحران خراج رنج می بردند و در برابر ولات مقاومت می کردند. سرانجام بحران خراج قم در نیمه اول قرن چهارم در ۳۳۵ هجری، توسط (۱) وزیر بویه صاحب بن عباد فروکش کرد و نظام مالیاتی جدید و یکسانی برای قم وضع شد. و قمری ها از زیر بار فشار مالیاتی خلافت و اقطاع داران عرب آنها که انواع مالیات ها را از مردم می گرفتند رها شدند.

راه بزرگ ارتباطی قم بر سر راههای عمده [خراسان، راه قرار داشت ابریشم، راه ادویه، راه حج، راه تجارت]

راه اداری راه برید از دروازه عراق نامه های اداری و مراسلات والی را به بغداد می برد.

خیابان چندین خیابان بزرگ در شهر قم نامبرده شده است

گذر و کوچه یعقوبی قم قرن سوم را شهر [گذرها] [هزار گذر] خوانده اند.

میادین میادین بزرگی در قم راههای ارتباطی داخل شهر را به هم می پیوست.

پل ها اتصال بین دو بخش شهر قم از طریق چندین پل صورت می گرفت.

دروازه ها دروازه های متعدد قم را در مسیر راههای ارتباطی منطقه جبال قرار می داد.

اسب برید پرورش اسب برید در قم قرن سوم

مشاغل راهداری و کاروانداری از اشاعره به عنوان مکاری و صاحبان کاروان نام برده اند.

میل وجودمیل در مسیر ارتباطی قم _ میل سراج _ میل شهرستان

کاروانسرا دیر گچین بزرگترین عنصر کالبدی در نظام ارتباطی منطقه جبال چند قرن پیش از اسلام و در طی قرن سوم هجری دایر و مطرح بود.

عناصر و شکل سازمانی عبور و مرور شهری در قرن سوم هجری

ص: ۴۹

تعدادی از ولات و ناظران امور مالیاتی قم در قرن سوم هجری

۱- حمزه بن یسع اشعری از رؤسای قبیله اشعری و رئیس و حاکم بومی قم (۱)

۲- محمد بن ابی ابراهیم (۲)

۳- عامر بن عمران بن عبدالله (۳)

۴- علی بن عیسی طلحی (۴)

۵- یسع بن حمزه و محمد بن هاشم بادغیسی امیر قم در ۲۲۵ هـ (۵)

۶- یحیی بن هرثمه در ۲۴۰ هـ (۶)

۷- محمد بن مجمع (عامل خراج خلیفه در قم) (۷)

۸- ابی الجارود (۸)

۹- بشر بن فرج

۱۰- یحیی بن اسحق (۹)

۱۱- اسد بن جمهور در سال ۲۹۱ هـ (۱۰)

۱۲- یحیی ابن اسحق (۱۱)

۱۳- ابوالحسن بن احمد الصیمری (۱۲)

ص: ۵۰

۱-۱. تاریخ قم، ص ۲۸، ۱۰۱.

۲-۲. خلاصه البلدان، ص ۳۲.

۳-۳. تاریخ قم، ص ۱۰۲.

۴-۴. همان، ص ۱۰۲.

۵-۵. تاریخ قم، ص ۱۰۳.

۶-۶. تاریخ قم، ص ۱۰۳.

۷-۷. همان، ص ۱۰۳.

۸-۸. همان، ص ۱۰۴.

۹-۹. همان، ص ۱۰۵.

۱۰-۱۰. همان، ص ۱۰۵.

۱۱-۱۱. همان، ص ۱۰۵.

۱۲-۱۲. همان، ص ۱۰۶.

۱۴_ کاتب محمد بن ادريس قمی (۱)

۱۵_ علی بن احمد بن محمد بن رستم اصفهانی (۲)

۱۶_ ابوالحسن عبیدالله بن عیسی بن جراح به عنوان ناظر بر امر والی به قم اعزام شد. (۳)

دارالسکه

از جمله تأسیسات اداری قم، دارالسکه، دارالضرب بود. تاریخ قم گزارشی از ضرب سکه در نیمه قرن سوم در قم دارد.

نظام مالیاتی قم

از جمله گسترده ترین تحول در عرصه نظام مالیاتی در قم قرن سوم هجری روی داد. به عبارتی تاریخ قم در قرن سوم را می توان تاریخ مبارزات مردم قم در مسئله خراج با دولت عباسی دانست. کتاب تاریخ قم گزارشی از نظام مالیاتی قم قرن سوم ارائه کرده و در آن از اصطلاحات «اقتصادی _ تشکیلاتی» مرسوم در دواوین مالیاتی استفاده شده است. اصطلاحاتی مانند: گواهان، (۴) شهود عدول، دارالخراج، (۵) سرای خراج، (۶) جَهْتِیْدُ، ناظر، (۷) صرّاف، زکات، خمس، نصاب و اصطلاحات مربوط به نصاب اغنام ثلاثه، (۸) خراج ولدالاب،

ص: ۵۱

۱-۱. همان، ص ۱۰۶.

۲-۲. همان، ص ۱۰۶.

۳-۳. همان، ص ۱۰۶.

۴-۴. همان، ص ۱۵۰، ۱۰۳.

۵-۵. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۲۳.

۶-۶. همان، ص ۲۲۶.

۷-۷. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۲۵.

۸-۸. تاریخ قم، ص ۱۷۴.

روزنامه، (۱) وزان، (۲) مؤذیان، (۳) برات، (۴) صکک، (۵) صکاک، مال نصف العشر، (۶) مال مشاهره، (۷) مرافق، (۸) صدقات غلات، دیوان خراج، کاتب دیوان، استیفاء، (۹) استخراج، (۱۰).

نوسانات تند منحنی خراج قم در قرن سوم هجری نشان می دهد که مهمترین مسئله این شهر در طی یک قرن مسئله خراج بوده است. بطوری که منابع معتبر تاریخی تصریح می کنند (۱۱) عمده ترین مسئله خلافت عباسی که بخش های وسیعی از امپراطوری عباسی را فرا گرفته بود، پرداختن خراج توسط مردم بود. قم پرچمدار مقاومت در بحران خراج بود که دولت عباسی را وادار ساخت برای سرکوب مردم قم دوبار آن شهر را مورد هجوم نظامی قرار دهد و خراج سنگین تری بر آن ها وضع کند.

در آغاز قرن سوم خراج مردم قم از ۳ میلیون درهم به ۷ میلیون درهم رسید. (۱۲) عباسیان چون قادر به کنترل قم از طریق والیان اعزامی خود نبودند خراج قم را به اعراب اقطاع دادند. اعراب اشعری با زور بر قم مسلط شده بودند. آن ها با تصاحب مراکز درآمد در قم از جمله کشاورزی قم، مجبور به حفظ امنیت و آرامش در قم بودند آن ها با اعمال شیوه های خاصی موفق شدند در یک قرن ثروت انبوهی از

ص: ۵۲

۱-۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲-۲. همان، ص ۱۵۴.

۳-۳. همان، ص ۱۵۵، ۱۶۲.

۴-۴. همان، ص ۱۷۷.

۵-۵. همان، ص ۱۵۰، ۱۵۲.

۶-۶. همان، ص ۱۶۵.

۷-۷. همان، ص ۱۶۴.

۸-۸. همان، ص ۱۶۷.

۹-۹. همان، ص ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۵۸.

۱۰-۱۰. همان، ص ۱۶۵.

۱۱-۱۱. طبری، ج ۵، ص ۴۱، ص ۵.

۱۲-۱۲. طبری، ج ۵، ص ۱۷۴.

طریق مالیات قم کسب کنند و در عین حال منافع سیاسی و مالی دولت عباسی را هم تأمین کنند. به جز مالیات های شرعی ثابت، [خمس و زکات] انواع خراج و مالیات های دیگر نیز در قم رائج بود. مالیات بر قبائل در شکل خاصی اخذ می شد. از جمله خراج (۱) «ولدالاب»: [از هر قبیله آنکس که مشهور و معروف بود خراج آن قبیله به نام آن شخص باز خوانند و آن را خراج ولد الاب گویند] این خراج از صاحبان املاک و ضیاع زراعی در قم اخذ می شد.

قبائل عرب در قم در نواحی مختلف آن در کنار زمین های آباد پراکنده شدند و آن ها را تصرف کردند. و از این بابت به دولت عباسی مقداری خراج پرداخت می نمودند. مالیات بر انواع میوه ها و درختان، انواعی دیگر از مالیات های غیر شرعی بود که تاریخ قم ذکر کرده است. روند اخذ چنین مالیات هایی تا نیمه قرن چهارم ادامه داشت در نیمه قرن چهارم و به قدرت رسیدن وزرائی چون صاحب بن عباد، اصلاحاتی در نظام مالیاتی قم انجام شد. محاسبه خراج در قم بر اساس مساحت زمین بود. در ناحیت قم دو دارالخراج بود: در قصبه قم و در حومه آن در قریه براوستان.

تأسیسات عمرانی قم

وجود آسیاب های متعدد در قم، حاکی از پیشرفت تأسیسات آبیاری در قم بود. پیشرفت در آبیاری زمینه اصلی بکارگیری آسیاب در

ص: ۵۳

زندگی بوده است. گویا برخی از این آسیاب‌ها بادی بوده است. در تاریخ قم گزارشی از نظام آبیاری و استفاده از آب برای مصارف مختلف ذکر شده است.^(۱)

آب قم از کاریزها، جویها و چند رودخانه و چاه‌های محجر در زمستان، تأمین می‌شد. مصب کاریزهای قم از محلی به نام^(۲) «کسریشت» شروع می‌شد و بعد از طی مساحتی کاریزها در محلی به نام^(۳) «هفته دوش» به هم می‌پیوست و در رودخانه جاری می‌شد و سرانجام از طریق رودخانه بواسطه جوی‌های متعدد در نقاط مختلف شهر جاری می‌شد.

تقسیم و تنظیم میزان آب مصرفی در موارد مختلف، باعث پیدایش قوانین و رسوم خاصی شد. بررسی دقیق مسئله آب در قم از دیرباز، موجب تأسیس دیوانی مستقل در مورد آب شده بود.

اصطلاحات متعددی در خصوص آبیاری، در زیر مجموعه مسائل مربوط به آب و تقسیم آن در قرن سوم در قم رائج بود که بسیاری از آن‌ها ریشه در میراث تمدنی ایران پیش از اسلام دارد که همچنان در قم حفظ^(۴) شده بود. مانند: ناوقه، سرۆز و گوشیه، قومش، قورجات،

در فهرست تاریخ قم^(۵) به وجود گرمابه‌های متعدد در قم با عنوان: «حمامات قم» اشاره شده است.^(۶)

ص: ۵۴

-
- ۱-۱. تاریخ قم، ص ۴۰.
 - ۲-۲. همان، ص ۴۳.
 - ۳-۳. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۱۵۵.
 - ۴-۴. همان، ص ۱۵۴.
 - ۵-۵. تاریخ قم، ص ۱۵.
 - ۶-۶. همان، ص ۲۷.

در گزارش تاریخ قم از خانه های بزرگ و وسیع یاد شده است. انواع آلات و ظروف و فرش ها و تزئینات در این خانه ها معمول بود. فهرست محصولات کشاورزی که تاریخ قم ارائه داده حاکی از زندگی مرفه مردم در قرن سوم هجری است. بازار در قم، بازار بزرگ و تجاری بوده است. این بازار در کنار راهی که به ری می رفت و در مسیر جاده ابریشم قرار داشت، واقع شده بود. علی بن بابویه محدث بزرگ در بازار قم دکانی داشت. مناظره تاریخی او با حلاج که منجر به اخراج حلاج از قم شد در این بازار صورت گرفت.

منحنی نوسانات خراج ناحیت قم در قرن سوم هجری

ص: ۵۵

تصویر مقبره بنیانگذار مکتب حدیثی قم علی بن بابویه

ص: ۵۶

بخشی در باب روستاهای قم در قرن سوم هجری

گزارش منابع قرن سوم هجری در مورد روستاهای انبوه شکل گرفته در اطراف شهرها به حدی یکسان است که می توان نتیجه گرفت: شاخصه مشترک شهرهای قرن سوم، شکل گیری تعداد انبوهی از روستاها به صورت شبکه ای خورشیدی در اطراف یک مادر شهر بوده است. قم، بلخ، نیشابور، اصفهان، نمونه شاخص این گونه شهرها بود. در جدول مقایسه ای، شبکه روستاها در اطراف مادر شهر، قم در مقام نخست قرار دارد. برقی تعداد رساتیق قم را ۳۶۵ دیه شمرده است. شکل پراکندگی این رساتیق که سطح ناحیت قم در کنار مرکز عمده جمعیتی بافت خاصی در ناحیت قم وجود آورده بود ترکیبی از مراکز کوچک جمعیتی روستاها و مرکز بزرگ جمعیتی قم در گزارش هایی که حسن قمی آن را درست تر پنداشته تعداد رساتیق قم بیست عدد و تعداد دیه های قم ۹۰۰ عدد است.

گزارش حمزه در این خصوص جالب توجه است او می گوید: (۱) «تکویر قم از ترکیب چندین رستاق بود». این رساتیق از رستاق های اصفهان، همدان، ری و قم بود. این گونه ترکیب مراکز جمعیتی در ناحیت قم، منطقه ای با بافت روستا _ شهر ایجاد کرد واحد جمعیتی کوره ها، ده بود که در اطراف شهر اصلی و قصبه آن گرد آمده بودند.

یعقوبی (۲) از چند رستاق مهم و مشهور قم در قرن سوم هجری نام برده است: (۳) برخی از رساتیق قم [مانند رستاق ساوه، رستاق کاشان

ص: ۵۷

۱- ۱. تاریخ قم، ص ۵۷.

۲- ۲. البلدان، ص ۴۹.

۳- ۳. فراهان، قارض، هندو جان و...

و...] مراکز عمده جمعیتی و دارای مسجد جامع، و دیوار و برخی از مزایای اداری مرکز شهری بود.

نام شهر تعداد رساتیق تعداد ديه

قم ۹۰۰ ۲۰

اصفهان ۱۶ بیش از ۳ هزار ديه

ری ۱۷

همدان ۶۶۰ ۲۴ ديه

قزوین ۷۶۰ ديه

جدول مقایسه ای رساتیق چند مادر شهر در قرن سوم هجری

تصویر شبکه قم و رساتیق آن

ص: ۵۸

اقتصاد حاکم در جهان قرون وسطی، بویژه در قرن سوم هجری، اقتصاد کشاورزی بود. گزارش منابع تاریخی نشان می دهد قم از این حیث به جهت رونق کشاورزی در مقام بالایی قرار داشت.

همین بافت آباد و ثروت خیز قم باعث شد که انبوهی از اعراب در طی ۲ قرن به قم مهاجرت کنند. آن ها در حقیقت در قم چراگاه و آب و محیط زندگی مناسب به دست آوردند. هجوم عرب به زمین های کشاورزی و آباد قم از نکاتی است که مورد توجه محققان معاصر مانند «لمبتون» قرار گرفته است.

از جمله اقدامات عرب در قم تصرف زمین های کشاورزی و ضیاع بزرگ قم بود. از عمده ترین گزارش های تاریخ قم، جنگ میان دهقانان قمی به ریاست «یزدان فاذا» با سران عرب اشعری است که تقریباً ریاست سائر قبائل عرب را به عهده داشتند. در این نبرد اعراب اشعری مراکز عمده آباد قم را با قتل عام شبانه سران قوم (۱) متصرف شدند.

عرب ها در دهه پایانی قرن دوم هجری با تصرف نقاط آباد قم، یعنی مراکز کشاورزی بزرگ ترین مرکز ثروت در سطح جبال مسلط شدند. آن ها در طی یک قرن از زندگی چادرنشینی به زندگی مرفه شهری دست پیدا کردند و طبقه ای از مرفهین عرب در قم شکل گرفت.

این طبقه جدید اشراف عرب جایگزین طبقه دهقانان قم که از طبقات اشراف در دوره ساسانی بودند شد. طبقه دهقانان هدایت امر

ص: ۵۹

کشاورزی قم را به عهده داشتند.

بر این مبنا پاره ای از مراکز آبادی قم را قدیمی دانسته اند و پاره اندکی از آنها را نو و اسلامی معرفی کرده اند. با این حال تجربه اعراب در هدایت کشاورزی قم موفق نبود. چون در آغاز قرن چهارم مسئله آب قم رو به انحطاط (۱) گذاشت و در نیمه قرن چهارم اوضاع آن مختل و دیوان آب قم باطل شد و کشاورزی قم از دست رفت.

نظام عقاری و مالکیت در قم

عمده ترین مسئله ای که بین قمی ها و اعراب و خلافت عباسی مورد اختلاف خونین واقع شد؛ «ضیاع و املاک» قم بود. از سویی بحران املاک در ادامه بحرانی بود که از زمان خلیفه دوم شروع شده بود.

مالکیت زمین در قم قرن سوم هجری به چند شکل ذکر شده است:

۱_ زمین های (۲) وقفی

۲_ زمین های (۳) اقطاعی

۳_ زمین های (۴) ایغار و اعطائی

۴_ زمین های (۵) رقیبی

۵_ زمین های حماه

۶_ زمین های خالصه دولت اسلامی که در قرق دولت بود.

۷_ زمین هایی که در مالکیت اشخاص حقیقی از مردم بومی قم بود.

ص: ۶۰

۱-۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲-۲. تاریخ قم، ص ۱۸؛ تاریخ دارالایمان، ص ۴۵.

۳-۳. همان، ص ۴۸، ۱۷۳.

۴-۴. همان، ص ۱۸۶.

۵-۵. همان، ص ۱۸۷.

از ناحیه زمین های دایر و پر محصول کشاورزی که به سران عرب به اقطاع واگذار شده بود، مبالغی خراج بر حسب مساحت زمین در مورد انواع محصولات به مأموران مالیاتی پرداخت می شد.

وسعت زمین های کشاورزی قم به حدی بود که دولت عباسی مجبور شد برای تعیین خراج املاک کشاورزی قم، در طی قرن سوم، ۸ بار این زمین ها را مساحت کند و میزان خراج آن ها را بررسی مجدد و برآورد کند.

اوضاع اجتماعی قم در قرن سوم هجری

مهاجرت، آمیزش و پیدایش واحد جمعیتی جدید از خصوصیات جمعیتی شهر قم در قرن سوم هجری است. این وضعیت قم را به صورت شهر «چند منظوره و متعلق به طبقات مختلف مردم» در منطقه جبال در آورد. زندگی اجتماعی مردم قم بر اساس تعامل میان اقوامی مختلف از عرب و مجوس شکل گرفته بود.

تنوع جمعیتی در قم از دیرباز مورد توجه مورخان اسلامی قرار گرفته است. اولین بار ابن سعد در کتاب طبقات (۱) خود از «طبقات مردم قم» یاد کرده است. (۲) شواهد بسیاری در ادبیات و متون تاریخی بر این سخن وجود دارد. از جمله افرادی که به خوبی به این مطلب اشاره کرده اند. (۳) شاعر مشهور شیعی [دعبل خزاعی] است که جهت انجام مأموریتی از سوی امام رضا علیه السلام به قم رفت و مدتی در آن

ص: ۶۱

۱-۱. طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲-۲. الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۶۶.

۳-۳. دیوان دعبل، ص ۵۶.

جا به سر برد. او در اشعار خود، اشاره ای به وضع اجتماعی قم و اخلاق اجتماعی مردم دارد.

از جمله متفکران و ادبای قرن سوم که به مسئله طبقات مردم پرداخته است باید از جاحظ معتزلی نام برد که ذهن او متوجه حوادث قم نیز بوده است. این مورخ نوعی دسته بندی کلی و اساسی از مناطق مختلف جهان اسلام ارائه داده است. در تقسیم اقشار مردم در شرق جهان اسلام جاحظ از، اصطلاحات بنوی، موالی، ترک، عرب استفاده کرده است.^(۱) آنچه در اصطلاحات جاحظ در قم قابل ردیابی می باشد، لفظ «بنوی» است.

زرتشتیان قم

جامعه زرتشتی قم از جمله جوامع زرتشتی است که تا قرن سوم محل توجه بسیاری از جوامع زرتشتی بوده است. ناحیت قم در حد فاصل دو پایگاه بزرگ دین زرتشت، اصفهان و ری از اهمیت فوع العاده ای نسبت به جوامع زرتشتی برخوردار بود.

مرکز بزرگ فرهنگی و مذهبی، سیاسی زرتشتیان یعنی؛ ری از لحاظ سنتی محل تولد زرتشت^(۲) و بزرگترین کانون استقرار علمای دین زرتشت بود. تحركات سیاسی زرتشتیان ری و قم در طی دو قرنی که از فتوحات می گذشت بی وقفه ادامه داشت. قم از طرف منطقه کوهستانی، جنوب و شرق خود حلقه اتصال جوامع زرتشتی منطقه

ص: ۶۲

۱-۱. رسائل جاحظ، جزء ۳، ص ۱۶۷.

۲-۲. دائره المعارف، مصاحب، ج ۱، ص ۱۷۱.

جبال بود. آتشکده فردجان در این بین نقش اساسی داشت.

بدین سان تحرکات زرتشتیان منطقه جبال، مأمون عباسی را وادار نمود تا بزرگ زرتشتیان ری را به مرو احضار کرد. او در جلسه مناظرات و احتجاجات امام رضا علیه السلام حضور داشت. عباسیان اقدامات گسترده ای را در مبارزه با زرتشتیان منطقه جبال که نقش اساسی در هدایت زرتشتیان ایران داشتند به عمل آوردند.

این اقدامات عباسیان تا حدود زیادی در قم بی نتیجه بود. چون مردم قم همچنان سنن اداری ساسانی را حفظ کردند. ذراع شاپوری^(۱) در قم رائج بود و مکاتبات خود را با تاریخ یزدگردی ثبت کرده و بسیاری از سنن دین زرتشتی را رعایت می کردند.

نقاط مهمی از قم بطور خالص و یکدست مرکز تجمع زرتشتیان بود. بویژه پراکندگی آنها در فردجان [که همچنان بزرگترین آتش مقدس که قباد به قم منتقل کرده بود در کانون آن شعله می کشید] از اقدامات مهم دولت عباسی تخریب^(۲) این آتشکده و خاموش کردن آن آتش بود.^(۳) قریه فردجان و مناطق اطراف آن از نقاط سنتی پراکندگی، دین زرتشت بود که دارای برج و قلعه و دیوار بود. یکی دیگر از نقاط تجمع خالص مجوس «قریه المجوس» در قم بود منابع جغرافیایی قرن سوم از «دیه گبران»^(۴) یاد کرده اند.

گزارش آتش این آتشکده در اخبار قباد آمده است: به دنبال اصلاحات

ص: ۶۳

-
- ۱-۱. تاریخ قم، ص ۲۹.
 - ۲-۲. تاریخ قم، ص ۳۷.
 - ۳-۳. همان، ص ۸۹، ۹۰.
 - ۴-۴. مسالک و ممالک، ص ۲۴۲.

مذهبی قم در دین زرتشت، او همه آتش های مقدس از نقاط مختلف را جمع کرد و کانون آن ها را خاموش ساخت و تنها یک آتش را باقی گذارد و به عنوان آتش مقدس زرتشتیان آن را معرفی کرد. بنابر گزارش منابع این آتش در فردجان قم در آتشکده ای که در آنجا بود نگهداری شد.

معبد آناهیتا

کلمه ناهید [آناهیتا] در نام روستاهای قم آمده است. در منابع زردشتی و منابع تاریخی گزارش های متعددی از وجود معابد آناهیتا در نقاط مختلف ایران وجود دارد.

وجود آتشکده های متعدد در قم بویژه آتشکده فردجان در ناحیت قم، وجود یکی از معابد آناهیتا در قم را تأکید می کند و اختلاف در تطبیق نقاط مختلف قم با یکی از شعب «معبد آناهیتا» محل نزاع است. برخی بیهوده تلاش کرده اند که محل معبد «آناهیتا» را با مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام تطبیق دهند. (۱)

آه آه از دست صرافان گوهر ناشناس هر زمان خرمهره را با دُر برابر می کنند

این تلاش بیهوده ادامه تلاش سنتی پوچ و بیهوده در تطبیق اماکن مذهبی مسلمانان با معابد آناهیتا است که از گذشته دور مرسوم بوده است و همچنان که آنها بر باد بود این نیز بر باد است.

از جمله مهمترین این تطبیق های ناروا تطبیق کعبه، قبله مسلمانان

ص: ۶۴

بر معبد آناهیتا است. محل استناد این افراد تنها این بهانه است که «ملوک فرس» [ساسانیان] از دیرباز به زیارت حج می رفته اند. (۱)

«زممت الفرس علی زمزم تلک علی سالفه الاقدم»

برخی از محققان معاصر نیز به بی پایه بودن تطبیق مراکز مذهبی مسلمانان با معابد آناهیتا اشاره کرده اند. (۲) معابد آناهیتا بر فراز بلندیها و ارتفاعات و گاه بر کنار مراکز وجود آب بنا می شد. (۳) زمین مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام نسبت به منطقه جنوب قم [محل تقریبی معبد آناهیتا نقطه ای در جنوب قم و کنار مسیر قدیمی رودخانه قرار داشت] که حدود یک درجه پایین تر است. قم با شیب یک درجه از جنوب به شمال گسترده شده است.

طبقه دهقانان و اشراف ساسانی

دهقانان، طبقه ای از اشراف دوره ساسانی بودند که امور مهم کشاورزی شهرها را در دست داشتند. اقتصاد کشاورزی که در دوره قرون وسطائی مبنای تجارت و بازار و اقتصاد حاکم بر جهان بود، در دوره ساسانی بر دوش طبقه دهقانان استوار بود. در قم که یکی از قطب های کشاورزی منطقه جبال بود، دهقانان حضور گسترده ای داشتند.

طبقه عمده ای از دهقانان در این شهر به سر می بردند. تاریخ قم از چند گروه دهقانان قم که کشاورزی این منطقه را در دست داشتند نام

ص: ۶۵

-
- ۱-۱. الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۱۱۰.
 - ۲-۲. هزاره های گمشده، ج ۲، ص ۱۵۰.
 - ۳-۳. دین ایرانی بر پایه متن های معتبر، ص ۱۲.

برده است. در این کتاب از «سورین قمی» یکی از افراد بزرگ این طبقه یاد شده است. (۱) یعقوبی هم یاد کرده که طبقه ای از عجم های کهن در قم زندگی می کنند. (۲)

آتشکده های قم

نام قم در تاریخ ایران باستان با نام آتش و آتشکده قرین است. تا پایان دوره ساسانیان قم از مهمترین مراکز سنتی آئین و فرهنگ زرتشتی ایران بود. برخی از نقاط قم نقاط سنتی، برپائی آتشکده بود. از جمله این نقاط، سراجیه بود که ابن الفقیه آن را از رساتیق مهم قم شمرده است. تاریخ قم چندین بار به سراجیه اشاره کرده است. و دیهای آن را ذکر کرده است مهمترین آتشکده های قم که تاریخ قم به آن ها اشاره کرده است عبارتند از:

۱_ آتشکده های سراجیه و البرز.

این آتشکده ها همواره روشن بودند.

۲_ آتشکده در محل مسجد عتیق. (۳)

عبدالله بن سعد اشعری آن را در پایان قرن اول هجری خراب کرد و به جای آن مسجد ساخت. (۴)

۳_ آتشکده مزدجان. (۵)

ص: ۶۶

۱- ۱. تاریخ قم، ص ۸۲.

۲- ۲. البلدان، ص ۴۹.

۳- ۳. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۱۵، ۱۱۹.

۴- ۴. تاریخ قم، ص ۳۷.

۵- ۵. همان، ص ۸۹.

آتشکده مزدجان از جمله مهمترین مراکز سنتی پرستش آتش در ایران بود. در اهمیت این آتشکده همین بس که از زمان بهرام گور و قباد مورد توجه دولت ساسانی و دستگاه مذهبی آن قرار گرفت. این آتشکده یک بار در قرن یکم هجری مورد حمله عمال حجاج بن یوسف ثقفی قرار گرفت و غارت شد و دو درب طلای آن را برای حجاج بردند حجاج دستور داد آن را به کعبه بردند و بر در کعبه آویختند.

بار دیگر در سال ۲۸۸ ه آتشکده مزدجان توسط، سردار ترک دولت عباسی بیرون [برون / آبزون]، تخریب شد. اهمیت آتشکده مزدجان در این بود که یکی از سه آتشی بود که قباد آن را روشن نگه داشت. «آتش آذرچشنسف» مقدم ترین آتش زرتشتیان بود که در آتشکده مزدجان نگه داری می شد. برخی از نقاط قم به عنوان مرکز تجمع آتشکده ها معرفی شده است مانند:

۴- تجمع آتشکده ها در جمکران.

تعداد قابل توجهی از آتشکده ها در جمکران(۱) همواره روشن بود. در هر دیه از دیهای آن جا یک آتشکده وجود داشت.

۵- تجمع آتشکده ها در ابرشتجان.

به گزارش تاریخ قم شانزده آتشکده در ابرشتجان(۲) روشن بود.

۶- آتشکده در دودهک.(۳)

۷- آتشکده در نیاستر.(۴)

ص: ۶۷

۱-۱. همان، ص ۶۰، ۶۱.

۲-۲. همان، ص ۶۲.

۳-۳. همان، ص ۷۱.

۴-۴. تاریخ قم، ص ۷۰، ۷۱.

آتش این آتشکده ها به ویژه در منطقه سراج و البرز به خاطر وجود منابع گاز، دائم می سوخت. [بزرگترین مخازن گازی جهان در منطقه البرز و سراج وجود دارد. [ماکسیم سیرو، که حدود صد سال پیش از قم دیدن کرده است در گزارش خود از قم به تاریخ آتشکده های قم اشاره کرد و می گوید: بر اساس روایات، قم در هاله ای از آتش آتشکده ها روشن بود. او به منبع این روایات اشاره ای نکرده است. (۱)]

۸_ بقایای آتشکده در روستای طغروود.

۹_ آتشکده «قلعه دختر».

آثار آن در زمان مؤلف کتاب «تاریخ قم» باقی بوده است. (۲)

کروکی قلعه دختر قم

ص: ۶۸

۱-۱. آثار ایران، ج ۲، ص ۱۹.

۲-۲. خلاصه البلدان، ص ۲۳۷؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۲.

موالی

از جمله طبقات جدید که بعد از فتوحات اسلامی بویژه در منطقه ایرانی شکل گرفت، طبقه موالی است. موالی به وابستگان اعراب در مناطق فتح شده می‌گفتند که بر اساس نوعی سنت دوره جاهلیت تعریف شده بود. بر اساس قوانین دوره جاهلیت افراد به صورت جار و پناهنده به قبائل و افراد سرشناس آن‌ها، در سایه «مولای» خود به زندگی ادامه می‌دادند.

موالی در همه حوادث سیاسی دو قرن نخست اسلامی بویژه در منطقه جبال و در عراق نقش بسیار اساسی بازی کردند. نیروی اساسی قیام مختار در عراق در قرن اول هجری، نیروی محرکه قیام عبدالله معاویه بن جعفر در نیمه قرن دوم هجری و قیام ابومسلم خراسانی بر دوش موالی ایرانی در منطقه قم، ری و ساوه بود. با روی کار آمدن دولت عباسی طبقه ای از موالی بنی عباس^(۱) در قم شکل گرفت. موالی قم ترکیبی از موالی بنی عباس و موالی شیعه بودند.

اعراب

هجرت اعراب به قم از جمله مثال زدنی ترین مهاجرت های عرب به نقاط دور دست است. زیرا آنان هیچ فرصتی را در مهاجرت و استقرار در کنار منابع پربرکت آب و غذا در قم از دست ندادند. در مدت کوتاهی از فتح قم به فاصله ۶ دهه از فتح قم عرب بر همه منابع اقتصادی قم

ص: ۶۹

[کشاورزی و منابع آبی] مسلط شد و طبقه دهقانان [ده خدایان] قمی را از صحنه خارج ساخت و راه را برای ادامه مهاجرت سایر اعراب از شبه جزیره عربستان باز نمودند از این پس عرب ها در همه ناحیت قم منتشر شدند.

ورود اول اعراب به قم به سال ۲۳ هجری (۱) و در راستای جریان عام «فتوحات اسلامی» بود که حدود «۴ دهه» در ایران به درازا کشید اما ورود دوم اعراب به قم به سال ۸۵ هجری (۲) برمی گردد.

در این سال گروهی از اعراب مخالف خلافت اسلامی وارد قم شدند و به سبب آن که با چهره مخالف سرسخت امویان وارد قم شدند در آغاز مورد استقبال مردم قم و دهقانان قمی و رئیس آنها یزدان فاذاز [یزدان پایدار] قرار گرفتند. (۳)

اعراب اشعری

اعراب اشعری، چند سال بعد از اسلام به مدینه و اطراف آن کوچ کردند و اسلام آوردند و در حوادث سیاسی اجتماعی صدر اسلام شرکت جستند در ابتدا چند تن از اعراب اشعری به همراه [به دنبال درگیری خونین سائب بن مالک با امویان که به کشته شدن او منجر شد] فرزندان سائب به ناحیه دوردست قم که سابقه مخالفت سرسخت موالی آن جا با فاتحان شایع شده بود مهاجرت کردند.

ص: ۷۰

۱-۱. فتوح البلدان، ص ۳۱۰.

۲-۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.

۳-۳. تاریخ قم، ص ۳۴۲.

آغاز ورود آن‌ها به قم حالت التجاء و پناهندگی به مجوس قم داشت و در تاریخ قم داستان آن منعکس شده است. (۱) هنگام ورود اعراب اشعری به قم، دستجاتی از عرب به صورت پراکنده در نواحی مختلف قم در کنار مجوس به سر می بردند: آل ابی دلف، آل عجل، عرب بنی اسد و گروه‌های دیگری از اعراب اشعری با سلطه بر منافع اقتصادی قم، حیات سیاسی قم را به تدریج به دست گرفتند.

از نیمه دوم قرن دوم هجری از بزرگان عرب اشعری در قم با عنوان رئیس یاد شده است. آنها با استفاده از نظام قبائلی موج اعراب را که بعد از استحکام جایگاه آن‌ها در قم به آن‌جا مهاجرت کردند را سامان دادند و بر اساس نظام قبیلگی قبائل اشعری و سائر قبائل عرب را سامان دادند.

در آغاز قرن سوم قبائل اشعری ریاست کامل شهر قم را در اختیار گرفته بودند و نوعی شبه حکومت قبیلگی ای در قم دائر کردند. به طوری که ملاحظه شد تا نیمه قرن سوم «الیان خلافت عباسی» حق ورود به قم را نداشتند و مراکز اداری دولت در ناحیه بیرون از قصبه مرکزی قم بود.

اعراب اشعری که سلطه اقتصادی خود را با در دست گرفتن امر خراج قم اعمال می کردند. با ایجاد ارتباط با خلیفه عباسی هارون الرشید، سلطه اداری و تشکیلاتی را در قم به دست آوردند. از حمزه بن یسع اشعری که به ملاقات هارون الرشید رفت و توسعه قم را خواستار

ص: ۷۱

شد، به عنوان حاکم قم نامبرده اند. به دنبال سلطه اداری و اقتصادی و سیاسی اعراب اشعری نوعی تشیع امامی سیاسی در قم ایجاد شد.

پس از ورود حضرت معصومه علیها السلام [و مهاجرت انبوه شیعه امامی به قم] تشیع قم از مرحله سیاسی به مرحله عقیدتی راه پیدا کرد. شیعه امامی و علمای پیرو آن تا نیمه قرن سوم همچنان به عنوان یکی از مذاهب حاکم در قم که پیروان زیادی در خارج از قم داشت، زندگی می کردند.

قبائل اشعری برای اعلام حاکمیت و موجودیت رسمی خود، نوعی تشکیلات ساده اداری داشتند. آن ها پرچم (۱) رسمی خود را که نشانه اقتدار آنها بود بر مبنای شعارهای سنتی اسلامی تزئین کرده و در مراسم خاصی آنها را با خود می بردند. مراکز عمرانی، کشاورزی، بسیاری به نام اعراب اشعری در کتاب تاریخ قم ذکر شده است. چند میدان، باغ های متعدد، کاریز و آسیاب در قم از جمله مراکزی است که در دوران ریاست اعراب اشعری بر قم در تصرف آن ها بوده و یا به وسیله آنها ایجاد شده است.

از جمله اقدامات گروهی از اعراب اشعری ورود به جرگه مذهب شیعه امامی است. در کتب رجالی شیعه امامی از (۲) ۱۲ تن از اعراب اشعری با عنوان صحابی ائمه شیعه امامی یاد شده است. این گروه نقش اساسی در گسترش مبانی تشیع در قم ایفا کردند.

ص: ۷۲

۱- ۱. تاریخ قم، ص ۲۸۲.

۲- ۲. دائرة المعارف التشیع، ج ۳، ص ۸۲.

اوضاع دینی قم در قرن سوم هجری

اوضاع دینی قم قرن سوم هجری متأثر از مهاجرت های دینی و سیاسی که از نیمه قرن دوم اوج گرفته بود و با مهاجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم شدت یافت، می باشد. این مهاجرت ها بود که چهره ناحیت قم را از یک ناحیت مذهبی ساسانی که متوغل در فرهنگ دینی زرتشتی بود به صورت یک ناحیت متوغل در فرهنگ مذهبی تشیع امامی در آورد. زمینه ذهنی این مهاجرت در ارائه طریق ائمه شیعه امامی از امام علی علیه السلام تا امام صادق علیه السلام بود.

در چند روایت از حضرت علی و امام صادق علیهما السلام شیعیان را به مهاجرت به ناحیت قم توصیه کرده است. برخی از مهمترین مهاجرت هایی که در قرن سوم هجری به ناحیت قم صورت گرفت به قرار زیر است:

۱_ مهاجرت چند تن از منسوبین به امام سجاد علیه السلام

۲_ مهاجرت علی بن محمد باقر علیه السلام به اردهال.

۳_ مهاجرت نوادگان امام صادق علیه السلام که تا پایان قرن سوم هجری ادامه داشت.

۴_ مهاجرت چند تن از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام به کاشان، آوه و قم.

۵_ مهاجرت چندین تن از نوادگان ائمه علیهم السلام به فراهان.

از کاشان و آوه به عنوان مراکز پراکندگی شیعیان نام برده اند. منطقه

کوهستانی حد فاصل قم، اصفهان، کاشان و ساوه از مناطق بزرگ ناحیت قم بود که بیشترین پراکندگی نوادگان ائمه شیعی در آن به چشم می خورد، به طوری که به علت کثرت مهاجرت این افراد به برخی از نقاط این مناطق مانند: فرمبین، بعدها از منطقه (۱) [فراهان] به عنوان «فراهان سادات» یاد شده است.

مهاجرت کسانی که نسب خود را به ائمه معصوم علیهم السلام شیعه امامی می رساندند، مرحله ای جدید از مهاجرت اعراب به ناحیت قم بود که رنگ فرهنگی خاصی به این ناحیت می داد.

مساجد قم در قرن سوم هجری

قم از اولین نقاط در ناحیه جبال است که بیشترین پراکندگی مساجد در آن گزارش شده است. ساخت اولین مساجد در قم به نیمه اول قرن اول هجری باز می گردد.

مساجد جامع:

ناحیت قم تنها منطقه در ایران است که تا قرن دوم هجری می توان از ساخت چند مسجد جامع در آن گزارش هایی پیدا کرد:

۱- مسجد جامع عتیق قم که توسط (۲) ابوالصدیم در سال ۱۹۶، هجری قمری برپاشد. (۳)

۲- مسجد دیگر با نام مسجد سعد آبادی (۴) که در بازار قم و محل

ص: ۷۵

۱- ۱. تاریخ قم، ص ۱۴۱.

۲- ۲. همان، ص ۱۳۷.

۳- ۳. تاریخ دارالایمان قم، ص ۵۱.

۴- ۴. همان، ص ۵۴.

برگزاری نماز جمعه بود.^(۱) و محل کنونی مسجد جامع قم که ساختمان آن به عصر طغرل سلجوقی برمی گردد در همین محل بنا شد.

مسجد جامع ساوه در ناحیت قم:

بنای کنونی جامع ساوه که در جنوب ساوه واقع شده مربوط به عصر سلجوقی است.

۳- مسجد «رهق» محل کنونی^(۲) روستای «رهق» در شمال «مشهد اردهال» واقع شده است و روایاتی در رابطه با شهادت حضرت علی بن محمد باقر علیه السلام در این نقطه وجود دارد. مسجد جامع رهق توسط وکیل مالی امام حسن عسکری علیه السلام خریداری شد. این مسجد در زمان نویسنده خلاصه البلدان، به مسجد «اولان» معروف و دایر بوده است. او وجه تسمیه مسجد قریه رهق به «اولان» را ذکر کرده است.

۴- مسجد دزپل،^(۳) از اولین مساجدی است که در قم ساخته شد. این مسجد را عبدالله بن سعد اشعری برای برادرش احوص اشعری ساخت.

۵- مسجد^(۴) امام حسن عسکری علیه السلام: از جمله اقدامات وکلای امام حسن عسکری علیه السلام بنای مساجد در قم بود. خلاصه البلدان آن را همان مسجد جامع بیرون شهر می داند که توسط «ابوالصدیم حسن بن علی بن آدم بن عبدالله» ساخته شد. مناره مسجد

ص: ۷۶

۱-۱. تاریخ قم، ص ۲۸.

۲-۲. خلاصه البلدان، ص ۱۶۹.

۳-۳. تاریخ دارالایمان، ص ۵۱.

۴-۴. خلاصه البلدان، ص ۱۸۵.

جامع بیرون شهر را در زمانی که یحیی بن اسحاق عامل قم بود، در روز یکشنبه سیزدهم ماه رمضان سال ۱۹۱ ه بنا نهاد.

قم در میان نواحی سنی نشین

از حیث پراکندگی تسنن در ناحیت قم، ساوه همواره به عنوان قطب مذهب حنفی مطرح بوده است. ری نیز تا سال ۲۷۵ ه تحت حاکمیت کامل (۱) تسنن بود تا اینکه با غلبه مادرانی، بر آن جا، مذهب تشیع وارد ری شد. حاکمان سنی اصفهان نیز همه تحرکات مناطق جنوبی ناحیت قم را کنترل می کردند از جمله این موارد قتل علی بن محمدباقر علیه السلام (۲) در اردهال است. در نیمه قرن سوم ناحیت قم در محاصره دو دولت سنی طاهری و صفاری قرار گرفت.

فرق تشیع در قم قرن سوم هجری

قم صحنه پیکار اندیشه های مختلف پیرامون تشیع بود. در دهه های اول قرن سوم هجری حداقل ۳ شکل از تشیع در قم قابل ردیابی بود: ۱- تشیع قمی ۲- تشیع عباسی ۳- تشیع زیدی.

مهاجرت علمای بزرگ و صحابی ائمه علیهم السلام شیعه به قم به تدریج قم را به صورت مرکز تشیع در آورد. به طوری که در روایات شیعی (۳) از قم به عنوان «عش آل محمد» یاد شد. از جمله علمای بزرگ

ص: ۷۷

۱-۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲-۲. تاریخ دارالایمان، ص ۴۷.

۳-۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

که مهاجرت او به قم کارساز بود، ابو جعفر (۱) احمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ هـ) است. او از جمله فقهاء و علمای بزرگ شیعه امامی است که نوشته های زیادی در عرصه های مختلف از خود به جا نهاد.

سابقه برقی در قم (۲) به مهاجرت و فرار، جد او محمد بن علی برمی گردد، او از یاران زید بن علی بن الحسین علیهما السلام بود که وقتی زید به زندان افتاد و کشته شد پدر احمد برقی، که کودکی خردسال بود با پدرش عبدالرحمن به ناحیت قم گریختند و در برق رود _ جابلق _ مستقر شد. از برقی به عنوان واضع تشیع امامی در قم نام برده اند. (۳) برخی از منابع از احوص (۴) و سعد بن عبدالله اشعری و سائر برادران او به عنوان واضعان تشیع در قم نام برده اند. (۵)

توجه امام صادق و امام کاظم علیهما السلام و بویژه امام رضا علیه السلام به قم در شکل دهی تشیع در قم تأثیر تام داشت. مسجد سازی و کارهای فرهنگی و کلای امام حسن عسکری علیه السلام در ناحیت قم تشیع حاکم در قم را رونق بخشید.

وجه اهمیت حضرت معصومه علیها السلام

از جمله مهمترین حوادثی که تشیع قم را در مسیر تشیع امامی قرار داد، مهاجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم بود. این هجرت و

ص: ۷۸

۱- ۱. رجال برقی، ص ۵.

۲- ۲. نجاشی، ص ۷۶.

۳- ۳. المحاسن، جزء اول، مقدمه.

۴- ۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.

۵- ۵. تقویم البلدان، ص .

رحلت ایشان در قم باعث مهاجرت و توطن بسیاری از بزرگان شیعه امامی در اطراف حرم ایشان شد.

وجه اهمیت حضرت معصومه علیها السلام نسبت به سائر بزرگان شیعی که در قم مقبره دارند این است که حضرت معصومه علیها السلام علاوه بر اینکه جزو معدود امامزادگان بی واسطه در قم است، مقبره او از چنان جاذبه ای برخوردار شد که باعث تشکیل قطب بزرگی از مذهب تشیع امامی در قم گردید. این جمعیت به ابعاد شخصیتی حضرت معصومه علیها السلام و عنایت امام رضا و امام موسی کاظم علیهما السلام به او توجه داشتند و به شدت تحت تأثیر جاذبه معنوی حضرت معصومه علیها السلام بودند.

چنین ویژگی در خصوص هیچ یک از امامزادگان ناحیت قم گزارش نشده است. از سوئی پیرامون شخصیت حضرت معصومه علیها السلام هیچگونه قدحی وجود ندارد. در صورتی که امامزادگان موجود در قم در نسب و اعتقادات آنها مواردی از ضعف و ابهام وجود دارد.

«عبقریت حضرت معصومه علیها السلام» در تأثیر معجزه آسای او در غلبه تشیع امامی بر تشیع زیدی و عباسی در قم است. وجه این عبقریت ورود نص خاص از ائمه شیعی در رابطه با حضرت معصومه علیها السلام و توصیه اکید به زیارت اوست که چنین نصی در رابطه با دیگر امامزادگان (۱) قم وجود ندارد.

ص: ۷۹

صحنه فرهنگی قم از نیمه قرن دوم شاهد رویایی شیعه عباسی و زیدی و امامی شده بود. زیدیه از نیمه قرن سوم قدرت را در طبرستان به دست آورده و هر لحظه آماده هجوم به قم و جلوگیری از پیشرفت تشیع قمی امامی بودند. زمینه های چنین تهاجمی در کینه سنتی دیلمی علیه قم بطور پنهان باقی مانده بود. [قمی ها یک بار در اواخر قرن اول از کمک اعراب اشعری برای رفع تهاجم دیلم سود جسته بودند].

شهر قم به تدریج چهره شهر خالص امامی به خود می گرفت در نیمه قرن سوم طبقات مختلف اعراب، و جمعیتی انبوه که بعد از دو قرن آمیزش قمی های بومی و اعراب شکل گرفته بود پرچمدار تشیع امامی بودند.

ری که تا ۲۷۹ ه همچنان بر تسنن خود پایدار مانده بود، توسط مادرانی (۱) خود را برای ورود به جرگه شهرهای امامی مذهب آماده کرد. این حادثه بر زیدی های طبرستان بسیار گران آمد و نبردی سخت با مادرانی را سامان دادند که شکست سخت و خونین از آن زیدیه بود. بدینسان قم باعث شد که پرچم تشیع امامی در دهه های پایانی قرن سوم در ری نیز برافراشته شود. با این وصف خطر زیدیه همچنان باقی بود.

حسن بن زیدبن محمد زیدبن حسن بن ابی طالب ۲۵۰ ه در زمان خلافت (۲) مستعین قیام کرد. او از ضعف خلفای عباسی استفاده کرد و در طبرستان اعلام حکومت نمود. به قدرت رسیدن زیدیه در طبرستان با بنای بارگاه برفراز مرقد حضرت معصومه علیها السلام مقارن شد. ساختن قبر و بارگاه برفراز قبر حضرت معصومه علیها السلام در

ص: ۸۰

۱- ۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲- ۲. علویان طبرستان، ص ۶۸.

حقیقت به نوعی اظهار مذهب تشیع امامی در قم بود.

سرانجام پس از یک قرن نزاع بین ۳ فرقه عمده تشیع: امامیه، اسماعیلیه و زیدیه، قم از آن امامیه شد و تا پایان قرن سوم سراسر ناحیت قم به جز نقاط کوچکی تحت حاکمیت مطلق شیعه امامی قرار گرفت.

صد سال ارتباط قم با امامان معصوم

[نیمه دوم قرن دوم هجری تا نیمه اول قرن سوم هجری]

مهمترین ویژگی ممتاز قم عنایت ائمه شیعی به آن است. این عنایت در طی روایاتی که به امام علی علیه السلام، امام صادق علیه السلام، به امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام منسوب است، گزارش شده است. (۱)

۱- ارتباط قم با امام علی علیه السلام:

از امام علی علیه السلام روایتی وارد شده است (۲) که شیعیان خود را به سکونت در بهترین موضع یعنی قم توصیه کرده است.

۲- ارتباط امام صادق علیه السلام:

ارتباط امام صادق علیه السلام با مردم قم به چند حدیث برمی گردد که امام قم را حرم اهل بیت (۳) دارالمؤمنین و مأوای فاطمین دانسته و اهل قم را ستوده است.

امام صادق علیه السلام در این روایت با گروه هایی از مردم قم و با

ص: ۸۱

۱- ۱. خلاصه البلدان، ص ۵۴، ۵۵، ۵۶ و ...

۲- ۲. همان، ص ۶۰.

۳- ۳. همان، ص ۶۲.

علمای قم [مانند؛ عیسی بن عبدالله قمی، (۱) سخن گفته است.

۳- ارتباط امام کاظم و امام رضا علیه السلام با مردم قم:

بیشترین میزان ارتباط مستقیم مردم قم با امام رضا علیه السلام گزارش شده است. ارتباط امام با سعد بن عبدالله قمی، (۲) زکریا بن آدم، (۳) یونس بن عبدالرحمن. (۴)

۴- ارتباط قم با امام حسن عسکری علیه السلام:

الف) ارتباط با مردم قم از طریق احمد بن اسحاق (۵) و کیل امام

ب) بنای چند مسجد در قم (۶) توسط احمد بن اسحاق و کیل وقف امام عسکری علیه السلام در قم

ج) نامه امام عسکری علیه السلام (م ۲۶۰ هـ) به علی بن بابویه، (۷) با عنوانین: «یاشیخی و معتمدی و فقیهی». ارتباط علی بن بابویه با امام عسکری به قدری بود که برخی مورخان از علی بن بابویه به عنوان سفیر امام عسکری در قم یاد کرده اند. علی بابویه با سفیر سوم و چهارم امام زمان (عج) در ارتباط (۸) بود. سفیر چهارم امام مهدی علیه السلام هر روز سراغ او را می گرفت تا روزی که از وفات او خبردار شد.

ص: ۸۲

۱- ۱. همان، ص ۶۳.

۲- ۲. تاریخ قم، ص ۲۱۵.

۳- ۳. نجاشی، ص ۱۷۴.

۴- ۴. رجال برقی، ص ۱۱۸، منتهی المقال، ج ۴، ص ۱۹۰.

۵- ۵. ریاض المحدثین، ص ۳۴؛ کتاب الغیبه، ص ۳۵۴.

۶- ۶. خلاصه البلدان، ص ۱۸۵.

۷- ۷. در مقدمه «الامامه و التبصره»، محقق آن، مصادر این نامه را ذکر کرده است، ص ۶۰.

۸- ۸. الامامه و التبصره، ص ۶۱؛ نقض، ص ۲۰۹.

۵- ارتباط مردم قم با ناحیه مقدسه در عصر غیبت صغری:

الف) مکاتبه علی بن حسین بن بابویه قمی(۱) با سفیر خاص امام مهدی علیه السلام، سفیر سوم او ابوالقاسم نوبختی و از او خواست که از امام زمان حضرت مهدی علیه السلام بخواهد که نزد خدا دعا کند که به او فرزندان عطا کند.

ب) ارتباط(۲) گروهی از مردم قم در سامرا با امام زمان علیه السلام در دوره غیبت صغری، امام در این ملاقات نماینده خود را به مردم قم معرفی کرد.

ج) ارتباط احمد بن اسحق(۳) قمی و محمد بن احمد بن صلت قمی از طریق نامه با امام زمان علیه السلام.

د) ملاقات زنی از آوه(۴) [همسر محمد بن عبدیل آبی] با نماینده امام زمان علیه السلام، حسین بن روح نوبختی.

ه) ارتباط یک تاجر(۵) قمی با امام زمان علیه السلام و هدیه پارچه از سوی او با ناحیه مقدسه.

و) ملاقات یک تاجر قمی(۶) با سفیر دوم امام زمان علیه السلام در دوره غیبت صغری

ز) توجه امام زمان علیه السلام به نامه(۷) شهروندان قمی در امور

ص: ۸۳

۱- ۱. همان، ص ۶۳.

۲- ۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۷۶، ۴۷۹.

۳- ۳. کتاب الغیبه، ص ۴۱۷؛ رجال کشی، ص ۶۰۰.

۴- ۴. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۰۳، ۵۰۴.

۵- ۵. کمال الدین، ص ۵۱۰.

۶- ۶. کتاب الغیبه، ص ۲۹۴.

۷- ۷. کتاب الغیبه، ص ۳۷۳؛ ۳۹۰، ۳۰۸، ۳۴۵، ۱۴۷؛ ریاض، ص ۶۹۲، ۶۹۳ و...

مختلف، فقهی، خانوادگی و... حضور چند تن از علمای قم در مجلس ۴۰ نفری سران شیعه که امام حسن عسکری علیه السلام جهت معرفی امام زمان علیه السلام منعقد ساخت.

مجموعه ارتباطات مزبور نشان می دهد که هیچکدام از شهرهای شیعی به اندازه قم در ارتباط مستقیم با ائمه معصوم شیعه امامی نبوده است و تعبیر ائمه علیهم السلام در مورد امنیت قم و ارائه تصویر ماوراء طبیعی از قم گذشته از اسرار معنوی که در خود داشته حامل پیام سیاسی برای شیعه و علمای آن بوده است.

علمای شیعه بر اساس همین پیام سیاسی ائمه بود که شبکه منسجمی از ارتباطات _ که در نوع خود در جهان اسلام بی نظیر بود _ را ایجاد کردند. در سازمان تشکیلات اداری مسلمین در شرق و غرب جهان اسلام، شیعه به داشتن دو نهاد اداری از سائر فرق جهان اسلام ممتاز است. این دو نهاد تشکیلاتی شیعه که محصول سیاسی فرهنگی قرن سوم هجری شیعه امامی است در دو شکل ۱_ وکالت و سفارت، ۲_ نقابت سامان داده شد.

۱_ سازمان وکالت

ائمه شیعه برای مقابله با خطر نابودی جامعه شیعی و اتصال دائم آن ها با مقام امامت، شبکه ای از ارتباطات مالی، سیاسی و فرهنگی را در نهاد وکالت و سفارت سامان دادند. سازمان وکالت نهادی خود جوش و مستقل شیعی بود که ائمه شیعی جهت ارتباط منسجم با مردم و علمای

قم در طی عصر حضور از آن استفاده کردند.

این سازمان عکس‌العملی منطقی در برابر اقدام دولت عباسی در پراکنده ساختن تجمع شیعیان از حجاز و عراق و مهاجرت اجباری آنها بود. مجموعه‌ای از شخصیت‌ها و وجوه برجسته شیعه در چهارچوب نظامی خاص ارتباط امام را با نقاط مختلف شیعه برقرار می‌ساختند و پیام‌ها و دستورالعمل‌های او به شیعیان و وجوه مالی آنها را منتقل می‌کردند. تشنج و اضطراب فرهنگی حاکم بر جامعه قرن سوم و تفرقه گروه‌های شیعی و مراقبت دائم دولت عباسی از ائمه، دلیل عمده ضرورت وجود چنین سازمان بود.

اهمیت آن وقتی آشکار می‌شود که به شدت بحران فرهنگی حاکم بر قم و نقاط شیعه نشین بویژه کوفه توجه کنیم. سردرگمی شاخصه اصلی دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ قرن سوم هجری است. تنها از طریق ارتباط منسجم سازمانی به شکل نهاد و کالت و نقابت، دست‌یابی به بسیاری از امور برای شیعه میسر بود. با این وصف به دلیل نفوذ افراد ناشایست در مواردی کارکرد این سازمان‌ها با مشکلات روبرو بوده است.

این نهاد مردمی از نوعی ارتباط مخفیانه میان یاران امام و مردم سود می‌جست. هفتاد سال دوره غیبت صغری که امام مجبور بود از طریق نایبان خاص خود با مردم ارتباط برقرار سازد فرصت مناسبی جهت سودجویان بود که با ادعای سفارت و نیابت از سوی «ناحیه مقدسه» باعث اختلال در شبکه ارتباطی ائمه معصومین علیهم‌السلام با مردم شوند. وجه اهمیت این ادعاهای دروغین در این بود که فعالیت سازمان

مالی خمس و زکات و وجوهات شرعی که مردم نقاط شیعه نشین آن را بر ائمه روا می داشتند در دهه های پایانی قرن دوم و اوائل قرن سوم به اوج خود رسید و مبالغ مالی هنگفتی در دست و کلا و نائبان قرار گرفت. دستیابی به چنین منبع عظیم مالی از انگیزه های مهم ادعای دروغین نیابت از جانب ائمه بود.

علی بن حسکه (۱) قمی، قاسم بن یقظین (۲) قمی شعرانی و حسن بن محمد بن بابای (۳) قم از جمله مدعیان وکالت امام هادی در قم بودند که با تکذیب تند ائمه علیهم السلام روبه رو شدند.

احمد بن (۴) اسحق قمی محور اساسی وکالت امام عسکری و امام مهدی علیهما السلام در دوره غیبت صغری در بغداد بود. میمون (۵) و مسافر (۶) از جمله وکلای مالی امام رضا علیه السلام در قم بودند که مواردی از اختلاف شدید مالی آن ها در قم گزارش شده است که با واسطه زکریا (۷) بن آدم سروکیل امام رضا علیه السلام در قم حل شد.

این افراد بعد از شهادت امام رضا علیه السلام وکالت (۸) امام جواد علیه السلام را نیز به عهده داشتند. از «محمد بن صالح بن سهل همدانی» (۹) به عنوان وکیل وقف امام جواد علیه السلام در قم نام

ص: ۸۶

۱- ۱. ریاض المحدثین، ص ۴۳۷.

۲- ۲. همان، ص ۵۵۲.

۳- ۳. همان، ص ۲۰۴؛ رجال کشی، ص ۵۶۸، ۵۷۴، ۵۶۹.

۴- ۴. ریاض المحدثین، ص ۳۴؛ تاریخ دارالایمان قم، ص ۵۴.

۵- ۵. ریاض المحدثین، ص ۸۱۴.

۶- ۶. ریاض المحدثین، ص ۸۱۴.

۷- ۷. نجاشی، رجال، ص ۱۷۴؛ ریاض، ص ۸۱۴.

۸- ۸. همان، ص ۸۱۴.

۹- ۹. کتاب الغیبه، ص ۱۴۷.

برده اند. از جمله وکلا(۱) ابراهیم بن محمد همدانی بود که بعد از مرگ یحیی بن ابی عمران(۲) وکیل امام جواد علیه السلام در قم شد.

قصبه بخش مرکزی قم

دارالخراج محل استقرار عامل مالیات در دارالخراج در قم گزارش شده است.

دارالاماره محل استقرار والیان اموی و عباسی

دیوار در قرن سوم هجری دوبار دیوار قم خراب و بازسازی شد.

برج و قلعه از دهها قلعه در قم یاد شده است.

مخازن آب آب انبارهای بزرگ جهت حفظ و انتقال آب

ربض شهر بیرونی

دروازه ۱۳ دروازه

خیابان خیابان بکجه _ خیابان زکریا بن آدم و...

میدان میدان زکریا بن آدم _ میدان حمزه بن یسع و...

گذر یعقوبی از هزار گذر در قم نام برده است

جَبانه (گورستان) از ۳ گورستان در قرن سوم در قم نام برده اند، مالون، بابلان و...

خندق از خندقی در اطراف شهر قم یاد شده است

پل پل بکجه و چند پل دیگر _ پل با یازده طاق...

محلّه محلّه مشهد و...

اجزای سازنده شهر قم در قرن سوم هجری

ص: ۸۷

تصویر مرقد بابامسافر وکیل مالی امام رضا(ع) در قم

ص: ۸۸

موفقیت و کلاسی مالی امام در قم و نواحی مرکزی ایران و در کل وجوه مالی را می توان از عوامل اساسی ایجاد بحران خراج در خراسان و جبال خراسان در این ناحیت دانست که هارون خلیفه عباسی را مجبور ساخت که برای رسیدگی به آن راهی ایران شود.

۲_ سازمان نقابت

از جمله سازمان هایی که در قرن سوم هجری مورد استقبال خلافت عباسی و علویان واقع شد، سازمان نقابت بود. این سازمان نیمه دولتی و وظیفه سرپرستی علویان و طالبیان و حفظ ارتباطات آن ها با دستگاه خلافت و امر نسب آنها و... را به عهده داشت. نقابت و شخص نقیب تا حدودی از وابستگان خلافت به شمار می رفتند و به نوعی هماهنگ با سیاست های آنان عمل می کردند. از جمله بحران های شیعه در قرن سوم، ادعای نسب دروغین بود، که در طی قرن سوم ده ها تن با انتساب خود به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و ادعای نسبت قریشی، بحرانی بزرگ ایجاد کردند سامان دادن به بحران نسب از وظایف نقیب بود.

نقطه مشترک بین شیعه و خلافت عباسی جلوگیری از چنین ادعاهایی بود. چون این گونه حوادث امنیت جامعه را بر هم می زد و فضا را چنان متشنج می ساخت که هیچ کس قادر به انجام عادی فعالیت های خود نبود. ماوردی در «الاحکام السلطانیه»^(۱) وظایف نقیب را چنین توضیح داده است: او تحت عنوان «فی ولایه النقابه علی

ص: ۸۹

ذوی الانساب» وظیفه نقیب را در یک جمله وصف کرده است: «حفظ و صیانت از نسب صاحب نسب شریفه از افراد دیگر».

در مورد جایگاه سیاسی این پست در دولت عباسی ماوردی، گزینش افراد به این مقام را از سه طریق می داند:

۱_ از سوی خلیفه ۲_ از سوی وزیر تفویض یا امیر هر منطقه که خلیفه به او اختیار تام در همه امور داده بود. ۳_ از سوی نقیب عام در هر ولایت که می توانست نقبای خاص را انتخاب کند.

نقیب در امور مختلف اجتماعی طالبیان دخالت می کرد و واسطه بین آنها و مردم و دولت بود. موسی مبرقع از معروف ترین نقبای قم در قرن سوم هجری بود که مدتی را در مدینه _ بغداد و قم به سر برد.

موسی بن محمد بن علی (۱) [مبرقع] در سال ۲۵۶ هجری (۲) وارد قم شد و بعد از برخوردی که علمای قم با او داشتند مجبور شد مدت کوتاهی قم را ترک کند و نزد ابودلف عجلی در کرج سکونت کند ولی سرانجام به قم بازگشت و در آنجا وطن گرفت و در قم از دنیا رفت. محل مقبره او به مشهد معروف شد. در اطراف قبر او گروه زیادی از وابستگان نزدیک و یاران او دفن شده اند.

قبول پست نقابت به خاطر ارتباط با خلافت عباسی که در آن زمان در اوج شرارت نسبت به علویان به سر می برد تا حدودی عنوان نرمش در برابر خلافت عباسی محسوب می شد. این پست که از اهمیت سیاسی بالائی برخوردار بود می توانست عامل ورود ضعف از سوی

ص: ۹۰

۱-۱. المجدی فی الانساب، ص ۳۲۳.

۲-۲. تاریخ قم، ص ۲۱۵.

علماء نسبت به شخص نقیب باشد.

در مورد موسی مبرقع که پاره ای از زندگی او معاصر متوکل عباسی بود، متوکل بر نگه داشتن او در مرکز خلافت پافشاری می کرد. او سال ۲۴۶ ه. به دعوت متوکل از مدینه به بغداد آمد و به محض قتل متوکل آنجا را ترک کرد. مناقشاتی در خصوص ورود موسی مبرقع به قم و مرگ او در قم و یا کاشان و یا کوفه وجود دارد. ارباب و علامه مجلسی (۱) او را ضعیف شمرده اند. مقبره ای در قم منسوب به اوست که تاریخ قم آن را قبر موسی مبرقع می داند.

صاحب «تاریخ دارالایمان قم» در مورد موسی مبرقع آورده است: «حکایت بقعه چهل دختران این است که از فرزندان علی بن موسی الرضا علیه السلام موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا است که برادر حضرت امام علی النقی علیه السلام باشد. در سنه ست و خمسین و مأتین از کوفه به قم آمد [مشهور به مبرقع] در وقت ورود به قم مشایخ اعراب اشعری به او پیغام دادند که از ولایت ما بیرون رو که ما جوار تو را مکروه می داریم.

این بنده سبب اکراه ایشان را این دانستم که متوکل (لعنه الله علیه) که از خلفای بنی عباس بود حضرت امام علی النقی علیه السلام را خواهش نمود که در مجلس لهو و لعب حاضر شود. آن حضرت امتناع فرمود. مقصود متوکل آن بود که قدر آن جناب در انظار مردم کم شود. بعد از یأس از آن جناب وزیر متوکل به او گفت که موسی مبرقع برادر

ص: ۹۱

امام علی النقی علیه السلام است و از لُهو و لعب مضایقه ندارد و او را بیاورید و هر گاه مردم او را ببینند چنان خیال کنند که حضرت امام هم از این قبیل است. او را طلبیدند و اظهار مطلب نمودند. موسی مبرقع به توقع و تقرب خلیفه عباسی شادمانی نمود هر چند حضرت امام علی النقی علیه السلام او را منع فرمودند فایده نکرد از تأثیر نفس امام این تقرب از برای موسی حاصل نشد تا یک سال همه روزه به جهت ملاقات خلیفه به در خانه خلیفه رفت و گفتند: خلیفه مشغول کاری است. از آنجا مایوس شد به قم آمد... .

اوضاع فرهنگی قم در قرن سوم هجری

اوضاع فرهنگی قم متأثر از بحران های بزرگی بود که حدود یک قرن مراکز جمعیتی شیعه را در خود فرود برده بود. این بحران ها ناشی از تشنج حاصل از ادعاهای «مهدویت» بود. بحران مهدویت سرانجام سامان نهایی خود را در قم به دست آورد و این به برکت آرامشی بود که قمی ها در کنار مقبره حضرت معصومه علیها السلام احساس می کردند.

یکی از نکاتی که از بیان امام رضا علیه السلام به سعدبن عبدالله به دست می آید: این که [امام فرمود: ای سعد آیا ما را نزد شما قبری است؟ گفت: بله در شهر ما قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. امام فرمود: هر کس او را با معرفت زیارت کند او راست بهشت.] این است که امام در این حدیث، یکی از بزرگان قمی را متوجه ضرورت حیاتی اتخاذ نوعی خط مشی سیاسی شیعه امامی نموده

است. استفهام امام از سعد استفهام تقریری است و امام در صدد ارائه مفهومی شیعی به سعد بوده است: «مفهوم ملازمت و پیوستگی و همبستگی و احساس هویت جوامع شیعی در کنار قبور ائمه معصومین».

در سخن سائر ائمه علیهم السلام نیز به قم اشاره شده است. این که دلیل توصیه ائمه علیهم السلام از امام علی علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام به ملازمت و وابستگی به قم چه بوده است؟ تنها وجهی که می توان برای آن قائل شد، آن است که راه نجات از حیرت و سردرگمی [که بر فضای فرهنگی شهرهای شیعی از جمله قم حاکم شده بود.] وابستگی و تعلق مردم و علمای قم به معنویت وجود حضرت معصومه علیها السلام است.

این بیان روایات در چهار چوب سیاست احترام به قبور ائمه شیعی قابل بررسی است. شهرسازی بر اساس گسترش شهر در اطراف مقابر مقدس، سیاست حاکم بر همه گروه های مذهبی در طول تاریخ ادیان مختلف بوده است. بزرگترین شهرهای جهان در قرون وسطی بر همین اساس شکل گرفته اند.

ائمه شیعی با اینگونه پیام ها در صدد نجات شیعیان و اصحاب خاص خود از گرداب بحران هایی بودند که بر سراسر عصر حضور ائمه سایه افکنده بود. حال به بررسی این بحران ها می پردازیم. در زیر مجموعه «بحران امامت»، سه بحران عمده قابل تشخیص بود [۱_ بحران امامت ۲_ بحران مهدویت «حیرت» ۳_ بحران ارجاف]

در متون قرن سوم از عنوان «الحیره» استفاده شده است. ده ها عنوان کتاب با عناوین مختلف پیرامون مباحث امامت شاخصه بحران قرن سوم بود. از جمله مهمترین این کتاب ها که در خصوص رفع «بحران حیرت» [که ناشی از تحیر در مسئله امامت بود] با عنوان «الامامه و التبصره من الحیره» توسط علی بن بابویه شیخ القمیین نوشته شد. این کتاب در اوج بحران حیرت و جهت چاره جویی و ارائه راه حل نهایی به شیعه در خصوص مسئله امامت بود.

بررسی اجمالی رئوس کتاب «الامامه و التبصره من الحیره» در بررسی بحران مهدویت می آید. آنچه که در خصوص مسئله امامت در این کتاب حائز اهمیت می باشد سیر تاریخی و منصوص امامت ائمه شیعی از امام علی علیه السلام تا امام مهدی علیه السلام است. از جمله موارد مهم کتاب، تصریح به اینکه امامت از نسل حسین علیه السلام (۱) است که نوعی مقابله با زیدیه بود که قائل به ادامه امامت در فرزندان امام حسن علیه السلام بودند و بر آن پای می فشردند. همین مفهوم در مجموع احادیث منسوب به حضرت معصومه علیها السلام منعکس شده است.

مسئله دیگری که در این کتاب مطرح شده است، نفی امامت به واسطه خویشاوندی است (۲) این کار جهت توجه دادن به «فرهنگ

ص: ۹۴

۱- ۱. الامامه و التبصره، ص ۱۷۷.

۲- ۲. همان، ص ۱۶۹، ۱۶۵، ۱۹۱.

امامت منصوص» در جامعه شیعی است. در همین راستا حدیثی (۱) در ارتباط با اسماعیل بن جعفر و عبدالله بن جعفر آورده و ادعای آنها در خصوص امامت به واسطه خویشاوندی را باطل شمرده است و در بخش دیگر کتاب به مسئله اعتقاد به وقف (۲) در مسأله امامت پرداخته و وجه بطلان آن را نشان داده و به اثبات امامت امام رضا علیه السلام پرداخته است. بدین ترتیب علی بن بابویه شیخ القمیین رئوس بحران امامت، پیرامون نظریات زیدیه، اسماعیلیه، واقفیه و امامیه که در رأس جریان های سیاسی فرهنگی قم قرار داشتند را مطرح کرده است.

بحران مهدویت در قم

قرن سوم را به تعبیری می توان قرن مهدویت نامید. بی نظیرترین شکل بحران «مهدویت» در این قرن در قم روی داد. در بین انبوه موارد ادعای مهدویت، قم در صدر این رقابت قرار دارد. بی نظیرترین ادعای مهدویت در قم، این شهر را از حیث کیفیت بحران مهدویت در بین همه شهرهایی که با این بحران مواجه بودند، متمایز ساخت. ادعای مهدویت زنی در قم [در نیمه قرن سوم هجری] که به نام «مریم دروغگو» (۳) معروف شد در سراسر جهان اسلام بی نظیر بود.

سهم قم در حل بحران مهدویت در تلاش علی بن بابویه در کتاب «الامامه و التبصره» متجلی شد. او این کتاب را در حل اساسی مسئله

ص: ۹۵

۱- همان، ص ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱

۲- الامامه و التبصره، ص ۲۱۳.

۳- تاریخ قم، ص ۲۰۱.

امام مهدی علیه السلام نوشت. در عصر علی بن بابویه، مقصود از حیرت و سرگردانی حیرت ناشی، از غیبت بود. علی بن بابویه که در اتصال دائم با نواب امام مهدی علیه السلام بود، اساس کتاب خود «الامامه» را در حقیقت جهت معرفی مهدی علیه السلام به عنوان امام دوازدهم شیعه امامی و غیبت او نوشت. او در این کتاب تصویری (۱) از مهدویت ارائه داده است. رئوس کتاب علی بن بابویه در خصوص تصویر مسئله مهدویت بدین قرار است:

۱_ ضرورت و جایگاه وصایت در تاریخ انبیاء.

۲_ ضرورت تکوینی وجود حجت بر روی زمین.

۳_ امامت مقامی الهی است.

۴_ اختصاص امامت به آل محمد صلی الله علیه و آله.

۵_ ابطال امامت محمد بن حنفیه.

۶_ ابطال امامت اسماعیل بن جعفر.

۷_ ابطال امامت عبدالله بن جعفر.

۸_ ابطال اندیشه واقفیه.

۹_ ضرورت شناخت امام زمان.

رئوس نامه امام عسکری علیه السلام به علی بن بابویه، در خصوص بیان حقیقت مسئله مهدویت است. امام شیعیان را به «انتظار فرج» (۲) فراخوانده و آن را مهمترین وظیفه آن ها در عصر غیبت کبری دانسته است.

ص: ۹۶

۱- ۱. الامامه و التبصره، ص ۱۵۳، ۱۵۵ و ...

۲- ۲. مقدمه الامامه و التبصره، ص ۵۹.

جوسازی و شایعه سازی از جمله عوامل حرکت سازی در فضای فرهنگی سیاسی قرن سوم بود. محور اصلی این جوسازی در خصوص امامت و تعداد ائمه و مهدویت بود. از جمله بحران هایی که به دنبال فوت خلفا و بزرگان سیاست و دین روی می داد، کثرت شایعات پیرامون آنها بود. موارد متعددی از این قبیل تشنجات در جامعه مسلمانان گزارش شده است.

هدف اصلی از شایعاتی که بلافاصله بعد از رحلت یکی از ائمه منتشر می شد، تیره ساختن اذهان شیعیان پیرامون شخصیت ائمه بود.

پیرامون ائمه شیعه در قم سه مرحله اساسی که شایعات در آنها اوج گرفت قابل اشاره است:

۱_ شایعات بعد از رحلت امام کاظم علیه السلام به جهت جلوگیری از امامت امام رضا علیه السلام .

۲_ شایعات بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام .

۳_ شایعات در دوره غیبت صغری. هنگامی که به ماهیت افکار افرادی که نقش اساسی در تولید شایعات داشته اند _ شایعاتی که جامعه را تحت تأثیر قرار می داد و افکار را منحرف می ساخت _ نگاه می کنیم به دو مورد اساسی در افکار آنها برخورد می کنیم: ۱_ اباحی گری و ایجاد وهن در اصول و فروع دین _ قول به تناسخ و حلول؛ ۲_ مخدوش ساختن چهره ائمه منصوص در روایات شیعه امامی با ادعای غلو در مورد آنها.

غلو درباره شخصیت ائمه علیه السلام بهترین راه تیره ساختن

فضای دینی قم در نیمه اول قرن سوم هجری در قم بود. علمای قم به توصیه ائمه معصومین علیهم السلام در برابر غلات بسیج شدند در کلامی از امام حسن عسکری به مخدوش ساختن چهره ائمه توسط غلات اشاره شده است. امام در مورد (۱) «حسین بن محمد بن بابای قمی» به شایعه پردازی و به مسخره گرفتن مقام امامت و دین خدا توسط او تصریح [از بزرگان غلات قم] فرموده است.

افکار «ابن بابای قمی» را می توان در دو عنوان خلاصه کرد: (۲) ۱_ ادعای الوهیت ائمه ۲_ اباحی گری و انکار فرائض در حقیقت ادعای الوهیت و اباحی گری نوعی تیره سازی فضای جامعه بود که مردم را از حقیقت وجود ائمه منحرف می ساخت و بین آنها تفرقه ایجاد می کرد.

اوضاع علمی قم در قرن سوم هجری

وجه اصلی آثار هجرت طالبیان از شهرهای حجاز و عراق به قم، خصیصه فرهنگی و علمی آن بود. وجه غالب این هجرت در حقیقت انتقال دستگاه علمی و تحقیقاتی شیعه بود.

شیعه که در خانه اصلی خودش مدینه و سپس کوفه اجازه رشد نیافت، به قم مهاجرت کرد. مهاجرت ده ها تن از صحابی ائمه شیعه و صدها تن از علماء، فقها و محدثان بزرگ شیعه به قم و سکونت در آنجا، نسل محقق و پرکاری از شیعیان در قم ایجاد کرد که در قرن سوم هجری انبوهی از آثار شیعی در زمینه های مختلف علوم دینی را پدید

ص: ۹۸

۱- ۱. رجال کشی، ص ۵۶۸.

۲- ۲. همان، ص ۵۶۹، ۵۷۴.

آوردند. حجم این آثار و بدیع بودن آن‌ها به حدی است که در برخی عرصه‌ها می‌توان قمی‌ها را مؤسس و صاحب مکتب دانست. بیشترین آثار علمی که در قم قرن سوم عرضه شد، پیرامون «حدیث» است.

قرن سوم در قم با انتقال مکتب حدیثی شیعه از کوفه به قم آغاز شد. وجه دیگر آثار علمی قم رنگ مفاهیم کلامی حاکم بر آنهاست، آثار کلامی قرن سوم قم پیرامون امر امامت بود. دیگر «چهره علمی» قم قرن سوم، چهره «ادبی» این دوره است که شامل تاریخ‌نگاری، قرآن و تفسیر می‌شد.

وجه علمی قم در ۴ مدرسه و مکتب تجلی کرد. قرن سوم، که قرن اعتلای فرهنگی و آغاز شکل‌گیری مذاهب و فرق گوناگون اسلامی در نقاط مختلف بود. این ۴ مدرسه عبارتند از: مدرسه حدیثی قم، مدرسه فقهی قم، مدرسه کلامی قم، مدرسه ادبی قم.

مکتب حدیثی قم

در قرن سوم نام قم با نام شهر حدیث شیعه قرین شد. مؤسسان مدرسه حدیثی شیعه در قم ظهور کردند. علمای قم به دلیل ارتباط دائم با ائمه، توانستند مجموعه‌هایی از نصوص معتبر ارائه دهند و قم را پایگاه حدیث شیعه سازند. از ابراهیم بن هاشم (۱) (م ۲۱۷ ه) به عنوان اولین کسی که مکتب حدیثی کوفه را به قم آورد یاد کرده‌اند. رقم مبالغه آمیز (۲) حضور ۲۰۰ هزار تن محدث در قم در آغاز قرن سوم هجری حاکی از کثرت تجمع محدثان در قم بود.

ص: ۹۹

۱- ۱. رجال نجاشی، ص ۲۱۶.

۲- ۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۴۰۵.

۱- تأکید بر روایات منصوص از طریق ائمه معصومین علیهم السلام.

۲- تأکید بر اصل سلیم بن قیس هلالی؛ راویان (۱) اصلی، این اصل محدثان قمی بودند.

۳- شکل گیری مفاهیم خاصی در مورد ثقات که در چگونگی اخذ به اخبار آحاد مؤثر افتاد.

۴- به کارگیری حدیث در خدمت، فقه و کلام، (۲) از علی بن بابویه به عنوان اولین کسی که طریقه جمع بین روایات را ابداع کرد نام برده اند.

چندتن از بزرگان مدرسه حدیثی قم در قرن سوم

۱- علی بن ابراهیم قمی (۳) (م ۳۰۷ هـ) استاد شیخ کلینی. (۴)

۲- علی بن حسین بن موسی بن بابویه (۵) (م ۳۲۹ هـ) سفیر امام حسن عسکری علیه السلام در قم و پدر شیخ صدوق کتب مختلف حدیثی در ابواب فقه از او به جا مانده است. او زندگی خود را وقف فقه و حدیث کرد. قبر او در قم است. شیخ صدوق (۶) (م ۳۸۱ هـ) نیز مدت بیست سال از عمر خود را در قم به تحصیل پرداخت.

۳- آدم بن اسحق بن عبدالله قمی (۷) از اصحاب امام هادی علیه السلام.

ص: ۱۰۰

۱- ۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۱، ص ۱۸۰، ۱۱۸.

۲- ۲. الامامه و التبصره، ص ۵۴.

۳- ۳. ریاض المحدثین، ص ۴۰۹.

۴- ۴. همان، ص ۴۱۰؛ رجال نجاشی، ص ۲۶۰، ۳۳۷.

۵- ۵. رجال نجاشی، ص ۲۶۱.

۶- ۶. ترجمه اعتقادات صدوق، ص ۱۸.

۷- ۷. ریاض المحدثین، ص ۱۳.

۴_ آدم بن عبدالله قمی (۱) از اصحاب امام صادق علیه السلام . کچوئی قمی (۲) در ریاض المحدثین، ترجمه محدثان قمی در طی چند قرن را آورده است.

مکتب فقهی قم

از شیخ القمیین علی بن بابویه (۳) (م ۳۲۸ ه) در نامه حسن عسکری علیه السلام با عنوان «فقیه» [فقیه من] یاد شده است. بدون تردید علی بن بابویه در تعیین چهارچوب های فقهی علمای قم نقش اساسی ایفا کرد. صاحبان رجال از او با عنوان فقیه جلیل القدر و فقیه قم یاد کرده اند. (۴)

ویژگی های مکتب فقهی قم در قرن سوم را در نوآوری های اندیشه علی بن بابویه که در افکار پسر او شیخ صدوق متجلی شد و حداقل حدود یک قرن در قم پایدار ماند، باید جستجو کرد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

۱_ استنتاج فقهی (۵) بر اساس روایات و ارائه مسائل فقهی به صورت حدیث،

۲_ اجتهاد فقهی و ارائه فتوی، (۶)

۳_ نزدیکی فتاوا به روایات، بطوری که فتاوا علی بن حسین را

ص: ۱۰۱

۱-۱. همان، ص ۱۴.

۲-۲. ریاض المحدثین، صفحات متعدد.

۳-۳. الامامه و التبصره، ص ۵۸.

۴-۴. رجال نجاشی، ص ۱۹۸.

۵-۵. الامامه و التبصره، ص ۵۴.

۶-۶. ریاض، ص ۴۴۶.

چون اخبار مورد قبول قرار می دادند،^(۱)

۴_ تدوین مجموعه های فقهی با عناوین مختلف به صورت تک نگاری.^(۲)

مکتب کلامی قم در قرن سوم هجری

مهم ترین شاخصه معنوی قم قرن سوم هجری، پیام قم به عنوان حامی و مدافع تشیع امامی است. بزرگ ترین مناظرات کلامی قرن سوم در قم روی داد. ویژگی های اساسی مکتب کلامی قم عبارتند از:

۱_ اعتماد بر احادیث منصوص در امامت ائمه ۱۲ گانه شیعی^(۳)

۲_ انکار امامت شیخین و امتناع از ترک سب آنها^(۴)

۳_ تأکید بر نقش تکوینی ائمه شیعه در امور عالم^(۵)

۴_ اعتقاد به علم غیب امام معصوم علیه السلام^(۶)

۵_ رد نظریه معتزله در خصوص، انتخاب امام به اجماع و اختیارات^(۷)

۶_ تولید ده ها محصول کلامی در رد عقاید معتزله و غلات در خصوص امامت.^(۸)

ص: ۱۰۲

۱- ۱. همان، ص ۴۵۶.

۲- ۲. رجال نجاشی، ص ۱۳۵، ۷۷، ۷۶؛ ریاض، ص ۳۹۱، ۴۰۹، ۴۴۷، ۲۳۷، ۲۳۵، ۱۸۷، ۱۸۲، ۱۸۱.

۳- ۳. رجال نجاشی، ص ۲۱۹، ۳۲۰، ۳۴۹، ۱۷۷، ۳۵۴.

۴- ۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۷۵؛ نقض، ج ۲، ص ۲۱۰.

۵- ۵. کتاب الغیبه، ص ۲۹۳، ۲۹۴؛ اصول کافی، ص ۲۷۴.

۶- ۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۴، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۸۲.

۷- ۷. فهرست طوسی، ص ۲۵۶، ۳۲۷، ۳۲۹.

۸- ۸. ریاض المحدثین، ص ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۷، ۳۴۶، نجاشی، ۱۷۷.

قم کانون تجمع گروه های مختلف شیعی اعم از زیدی و اسماعیلی و کیسانی و عباسی بود که بر عقاید خود اصرار می ورزیدند. در این میان دولت عباسی با استفاده از «حربه اعتزال» و با کمک کارگزاران معتزله سعی داشت نظم نوینی در بین اندیشه های کلامی در خصوص مسئله «امامت» ایجاد کند.

بیرون از ناحیت قم مکتب کلامی قم در مقابل دو دیدگاه حاکم در محافل شیعی در ری قرن سوم به پیشوایی ابن قبه رازی،^(۱) و در نیشابور، فضل بن شاذان نیشابوری^(۲) قرار داشت که نظریات کاملاً مخالف با دیدگاه کلامی شیوخ قم به ویژه در خصوص صفات امام داشتند.

از جمله مناظرات مهم مکتب قم با ری، در مناظره^(۳) شیخ القمیین، «علی بن بابویه» با ابن قبه در خصوص امامت بود.

مکتب ادبی قم

ظهور ادب به معنی واقعی کلمه در قرن سوم هجری در قم به ظهور رسید. در زیر مجموعه محصولات فرهنگی که در قرن سوم هجری در قم توسط علما ارائه شد آثاری در زمینه کتب تاریخ و جغرافیا،^(۴) تفسیر^(۵) مسائل اخلاقی^(۶) و ادبیات^(۷) شعوبی ارائه شد. در فهرست تاریخ قم به

ص: ۱۰۳

۱- ۱. الامامه و التبصره، ص ۶۵.

۲- ۲. همان، ص ۶۷.

۳- ۳. الامامه و التبصره، ص ۶۵، ۶۶.

۴- ۴. فهرست، طوسی، ص ۳۱۵۶.

۵- ۵. فهرست، طوسی، ص ۱۵۲، رجال، نجاشی، ص ۳۲۱، ۳۳۵، ۳۵۴.

۶- ۶. رجال نجاشی، ص ۲۸۱، ابن ندیم، ص ۴۰۵.

۷- ۷. فهرست، طوسی، ص ۲۲۱، نجاشی، ص ۲۱۹، ص ۱۷۷.

کثرت شاعران دو زبانه اشاره شده است که به دو زبان عربی و فارسی شعر می سروده اند. (۱) کارهای تاریخی در عرصه رجال، (۲) مناقب، (۳) فضل شهرها، (۴) تاریخ ائمه شیعه، (۵) فرق، تاریخ خلفا (۶) و... پدید آمد. براین مینا می توان از مکتب «تاریخ نگاری قم» یاد کرد. مسعودی مورخ بزرگ مدتی در قم به سر برد و با علمای قم ملاقات کرد. (۷) در زمینه سائر علوم نیز [در طب و نجوم] پیشرفت هایی در قم قرن سوم حاصل شد.

ص: ۱۰۴

۱-۱. تاریخ قم، ص ۱۷.

۲-۲. ر.ک: رجال برقی؛

۳-۳. رجال، نجاشی، ص ۳۴، ۸۹، ۱۳۵، ۲۶۰، ۳۵۴.

۴-۴. فهرست، طوسی، ص ۱۳۵، تاریخ قم، ص ۷۶ و سراسر کتاب.

۵-۵. رجال، نجاشی، ص ۳۵۴.

۶-۶. رجال، نجاشی، ص ۱۷۶.

۷-۷. الامامه و التبصره، ص ۵۲.

هجرة حضرت معصومه عليها السلام

به قم

بررسی علل و مسیر آن

ص: ۱۰۵

بدون تردید بزرگ‌ترین حادثه‌ای که در آغاز دهه اول قرن سوم هجری، چهره تاریخ ایران و منطقه جبال را تغییر داد، دو هجرت بزرگ از مدینه به ایران بود. این دو هجرت [هجرت امام رضا علیه السلام به خراسان و هجرت حضرت معصومه به قم] که به فاصله یکسال از یکدیگر روی داد آثار شگفتی از خود در مسیر حوادث ایران به جای گذارد، با توجه به این که در این زمینه تا کنون کاری مستقل صورت نگرفته است، در این نوشته به علت هجرت حضرت معصومه می پردازیم و تا سر حد امکان بر اساس منابع و قرائن و شواهد معتبر به جستجو و بررسی مسیری می رویم که حضرت معصومه علیها السلام از آن مسیر به قم سفر کرده است.

تقویم اجمالی پدیده مهاجرت در ۳ قرن نخست هجری

هجرت حضرت معصومه علیها السلام از حیث ساختار مادی و بیان کیفیت و کمیت مسیر و حوادث طول راه در هیچ ضبط تاریخی

ص: ۱۰۷

نیامده و در غبار صدها حادثه که قرن سوم، در هیاهوی آن گم شد، همچنان پنهان مانده است. تاریخ اسلام شاهد، هجرت های بزرگ تاریخی است که در اهداف و غایاتی که از آنها حاصل شده وجه اشتراک دارند. بطوری که در مجموعه حوادث تاریخ اسلام می توان از پدیده مطرحی به نام «پدیده هجرت» نام برد.

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام، هجرت امام حسین علیه السلام، هجرت حضرت زینب علیها السلام، هجرت اصحاب و فرزندان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به نقاط مختلف جهان اسلام، فراخوانی اجباری موسی بن جعفر علیهما السلام از مدینه به بغداد، هجرت بسیاری از اصحاب شاخص ائمه علیهم السلام از کوفه و مدینه به قم، مانند: فرار (۱) و هجرت حضرت عبدالعظیم حسنی به ری، هجرت نوادگان امام حسن علیه السلام (زیدیه) به دنبال شهادت امام رضا علیه السلام به طبرستان، هجرت ادریس اول به مغرب اقصی، در نیمه قرن دوم = هجرت امام رضا علیه السلام به مرو و فراخوانی اجباری امام محمدتقی علیه السلام از مدینه به بغداد و... دامنه مهاجرت ها چنان وسیع و گسترده و حاکمیت آن چندان قابل توجه بود، که ابن مسکویه سال ۲۰۰ ه. ق را سال طرد علویان از عراق دانسته است. (۲)

منابع متأخر بدون ارائه سندی از منابع متقدم ارقام مبالغه آمیزی در مورد سفرهای طالبیان و علویان به ایران ارائه کرده اند از جمله ارقامی

ص: ۱۰۸

۱- ۱. رجال نجاشی، ص ۲۴۸.

۲- ۲. تجارب الامم، ابن مسکویه، ج ۳، ص ۱۲۰.

که ارائه شده مربوط به سفر احمد بن موسی علیه السلام (شاهچراغ) است که از بغداد یا از مدینه به قصد مرو حرکت کرد.

او را در این سفر ۱۲ هزار (۱) تن از امامزادگان و اصحاب و یاران آن‌ها از سادات همراهی می‌کردند، با وجود اینکه این عدد مبالغه آمیز است اما حاکی از هجوم انبوه این افراد به ایران است.

همین مطلب باعث گردید که در مجموعه کتب تاریخی پایان قرن دوم، نوشته‌های متعددی پیرامون نقل و انتقالات طالبیان و کوچ‌های اجباری طوائف مختلف آنها تألیف گردید. از مهم‌ترین این کتاب‌ها، باید به کتاب «المنتقله الطالبيه» اشاره کرد. از جمله شاخصه‌های این کتاب پرداختن به ابن طباطبا که از بازیگران عمده صحنه سیاسی پایان قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری بود. انقلاب او در مهاجرت و طرد علویان از عراق و حجاز نقش اساسی داشت. ابن ندیم از کتاب «نزول العرب به خراسان و اصفهان» نام برده است.

سیاست انتقال

از جمله سیاست‌های حاکم بر دستگاه خلافت مسلمین از عصر پیامبر تا عصر راشدین و سپس عصر اموی سیاست کوچ اجباری و نقل و انتقال حساب شده افراد و طوائف به نقاط دلخواه حکومت بود، همچون کوچ اجباری یهود از جزیره العرب و نقل و انتقال اجباری اسواران و دهقانان ایرانی، توسط حجاج بن یوسف ثقفی که در عصر

ص: ۱۰۹

معاویه و با سیاست او آغاز شده بود.

همین سیاست با شدت بسیار بیشتری توسط دولت عباسی و در سطح وسیعی دنبال شد. دولت عباسی تنها با سیاست نقل و انتقال اجباری علویان از مناطق مرکزی جزیره العرب به ویژه از مدینه، موفق شد، بسیاری از منویات خود درباره علویان را محقق سازد. مراحل از شکل گیری قدرت سیاسی دولت عباسی در چهارچوب همین نقل و انتقالات صورت گرفته است که ابزار کارآمدی برای حکام عباسی تا پایان خلافت عباسیان شد.

مأمون عباسی در بین خلفای عباسی بیشتر از دیگران از چنین ابزار کار آمد سود جست. با همین سیاست بود که او زمینه ساز و مسبب هجرت امام رضا علیه السلام به ایران شد، هجرتی که چهره تاریخ ایران را تغییر داد و سرنوشت ایران را تابع خود کرد.

گویا یکی از نقاط عمده مشترک بین سیاست معاویه و مأمون، استفاده از سیاست انتقال بود، و به سبب نقاط مشترکی که بین معاویه و مأمون بود [در جابجایی طالبیان و گروه های مختلف مردم] مورخان از مأمون با عنوان معاویه دوم یاد کرده اند.

اوضاع حجاز هنگام هجرت حضرت معصومه علیها السلام

مدینه و مکه در آتش اضطراب می سوخت. از سال ۱۶۹ ه. ق تا ۲۰۰ ه. ق مکه در تحت سلطه افرادی از علویان، اوضاع بسیار متشنجی را پشت سر می گذاشت. برداشته شدن سلطه بغداد از حجاز، با

ص: ۱۱۰

انفجاری بزرگ در آنجا همراه شد. سرمایه این خیزش و محرکه های بزرگ آن در عراق و جزیره بود.

این انفجار بزرگ که با تحركات گسترده علویان و مخالفان دولت عباسی همراه بود، منجر به شکل گیری چندین محور مواصلاتی بین حجاز و عراق با ایران و بسیاری از دیگر نقاط شد.

از جمله مهم ترین محورهای مواصلاتی «سیاسی نظامی» شیعه در حد فاصل قم تا مدینه شکل گرفت. مسیر «قم _ ارجان _ کوفه _ مدینه» بیش از نیم قرن شاهد بزرگ ترین مهاجرت های علویان و نیروهای وابسته به آنها بود.

وجود این مسیر که بخش های بزرگی از آن سابقه دیرینه رفت و آمد اقوام مختلف در حدفاصل بین ایران و بین النهرین و عربستان را داشت، در شکل گیری آسان و سریع یک محور مناسب جهت رفت و آمد علویان نقش به سزایی داشت.

آغاز انفجار حجاز

محمد بن ابراهیم (ابن اسماعیل بن ابراهیم بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب) ابن طباطبا، ساکن مدینه به تحریک (۱) نضر بن شیبث، ساکن جزیره، به خونخواهی امام حسین علیه السلام و رفع ستم از علویان مکه و مدینه و نجات آنان از وضعیت رقت بار و توهین آمیزی که آنها در حجاز تحمل می کردند، قیام کرد. پیوستن سردار شورشی

ص: ۱۱۱

دستگاه نظامی مأمون «ابوالسرایا» در قرن دوم ه. ق به جنبش علویان، چهره خشن یک قیام نظامی داد.

شکست این قیام خونین که ده ماه _ از ۱۹۹ ه. ق تا ۲۰۰ ه. ق _ به طول انجامید، منجر به بازگشت سلطه کوبنده بغداد بر حجاز شد و اوضاع رقت باری را برای علویان حجاز فراهم ساخت.

مأمون، عیسی بن یزید جلودی را، که در سرکوب علویان سابقه داشت و در زمان هارون خانه های علویان را در مدینه غارت کرده و به آتش کشیده بود، همراه با چند نفر دیگر از یاران او که در سرکوبی علویان و طالبیان تجربه داشتند، به مدینه فرستاد.

اما مهم ترین اثر منفی این جنبش و شورش شیعی، تصمیم مأمون بر احضار _ جماعتی بزرگ از مهم ترین افراد طالبیان؛ از جمله امام رضا علیه السلام، از مدینه به مرو بود، که سفر حضرت معصومه علیها السلام و گروهی از خانواده او را به همراه داشت.

مدینه در آتش نفاق داخلی و توهین کینه توزان به اهل بیت علیهم السلام می سوخت و جای امنی برای خاندان امام رضا علیه السلام و افراد وابسته نبود. به دنبال سفر امام رضا علیه السلام به ایران، مأمون در مدت کوتاهی همه گروه های طالبیان و علویان حجاز را تحت کنترل خود در آورد. چنانکه ثبت حوادث ۱۹۹ تا ۲۰۲ ه. ق نشان می دهد، سرانجام مشترک این نقل و انتقالات حذف رهبران علوی جنبش و دور کردن آنها از مرکز سنتی قدرت علویان یعنی؛ عراق بود.

در این راستا، ابوالسرایا، سردار تحت امر هرثمه بن اعین از فرماندهان عالی‌رتبه سپاه مأمون [ابن طباطبا _ رهبر علوی جنبش عراق _ و به نوعی سر سلسله _ جنبش های علویان] را مسموم و از صحنه مبارزه علیه خلافت عباسی حذف کرد.

ابن افضس، دیباج، زیدالنار و ابراهیم و امام رضا علیه السلام نیز به اشکال مشابهی از صحنه قدرت سیاسی خارج شدند. [چنانچه ابن مسکویه سال ۲۰۰ هـ. ق را سال (۱) طرد علویان از عراق دانست می توان گفت سال ۲۰۱ هـ. ق نیز سال حذف رهبران جنبش علویان در حجاز و عراق بود. [سال ۲۰۰ هـ. ق را باید سال افول قدرت سیاسی _ نظامی شیعه بویژه شیعه زیدی در عراق و حجاز و بازگشت سلطه عباسی‌سان بر عراق دانست.

با این وصف قتل عام و حذف کاروان حضرت معصومه علیها السلام [و هر کاروانی دیگر از علویان] که چندین تن [از برادران ایشان] او را همراهی می کرده اند حادثه ای عادی با اوضاع آن زمان و متوقع بود و همزمان با قتل سایر علویان مبارز در دیگر نقاط صورت گرفته است و بر این مبنا سال های ۲۰۰ تا ۲۰۲ هجری، سال های قتل عام فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام است.

حضرت معصومه علیها السلام نیز در معرض سرنوشتی چون سرنوشت سایر فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام قرار داشت.

ص: ۱۱۳

به فاصله کوتاهی از شکست ابوالسرایا و سرکوب خونین قیام مدینه، محمد بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی علیه السلام (۱) (دیباچ) قیام کرد. قیام او چند ماه بیشتر طول نکشید (۳ ربیع الاول سال ۲۰۰ ه. ق. تا ۵ جمادی الاول سال ۲۰۰).

شکست دیباچ و امان خواستن او از نماینده مأمون؛ دست یابی موقت ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام بر مکه به سال ۲۰۲ ه. ق؛ سلطه موقت (۵۷ روزه) اسماعیل بن یوسف (حسن السبط) بر مکه و اخراج والی عباسی از آنجا؛ شورش و خشم زیدالنار بن موسی الکاظم علیه السلام بر عباسی ها در اهواز و نواحی اطراف و قیام ابن الافطس؛ سلسله ای از تحركات نظامی سیاسی بود که به دنبال قیام ابن طباطبا آغاز شد.

انگیزه های ظاهری و اولیه قیام ابن طباطبا:

۱- رفع ستم از علویان و طالبیان حجاز و کوفه،

۲- مقابله با اهانت و تحقیر اهل بیت علیهم السلام بویژه توهین افرادی در مدینه به ساحت مقدس فاطمه زهرا علیها السلام.

۳- خونخواهی امام حسین علیه السلام .

اما انگیزه سیاسی علویان، اخراج خلافت از دست عباسیان بود که همزمان با سقوط موقت بغداد [به دست طاهر ذوالیمین] شدت گرفته بود و چنانچه ذکر شد رفع موقت سلطه بغداد از حجاز، خروج طبیعی

ص: ۱۱۴

خشمگینانه مردم حجاز را به همراه داشت. مردم این منطقه به تحریک مردم کوفه، ناگهان فرصت مناسبی برای ابراز خشم نیم قرن فروخته خود از عباسیان را به دست آوردند.

در این برهه کوتاه از تاریخ، شاهد رویارویی کینه توزانه مردم بغداد با مردم کوفه و مدینه هستیم. در این زمان سخنان توهین آمیزی از مردم بغداد نسبت به مردم مدینه گزارش شده است.

مردم بغداد در موضع تهدید آمیز نسبت به مردم مدینه قرار گرفته بودند و آنها را به سبب شورش علیه بغداد و خلافت عباسی سرزنش می کردند. بنابراین به تعبیری برخورد توهین آمیز گروهی از مردم مدینه نسبت به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام انگیزه اصلی قیام «محمد بن جعفر علیه السلام» شد. (۱)

شدت این برخوردهای ظالمانه با فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام باعث شد که آنها مدینه را ترک کردند و در قریه ای در سه مایلی مدینه [«مریاه»] سکونت گزیدند.

با این وصف از اوضاع مدینه، امام رضا علیه السلام و سایر فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام مخیر بین همکاری و یا کشته شدن در مدینه به دست عمال دولت عباسی و یا مهاجرت و فرار به قم و سایر نقاط امن در جهان اسلام بودند. [بویژه به نقاطی که به خاطر مقاومت سنتی بومیان همچنان به صورت دژهای مخالفت با حاکمان عرب پابرجا باقی مانده بود؛ قم از شاخص ترین و بهترین این گونه

ص: ۱۱۵

به علت فرار و پراکندگی فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام در نقاط مختلف جهان اسلام، بیشترین نقاط پراکندگی امامزاده‌ها مربوط به فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام است.

از قبر دختران حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در رشت، باکو و اصفهان و چند جای دیگر یاد کرده اند. سیاست آزار و اخراج علویان از مدینه همچنان ادامه داشت. بطوری که هنگامی که خبر مرگ «عمر بن فرج» والی مدینه توسط وکیل امام جواد علیه السلام به او رسید. امام علیه السلام تا ۲۴ بار الحمدلله گفت. (۱)

مواردی از آزار و اذیت و توهین بعضی از مردم که در مدینه موسی بن جعفر علیهما السلام را می‌دیدند گزارش شده است. این وضعیت، جایی را در مدینه برای ادامه سکونت فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام باقی نمی‌گذاشت. با این وجود تحركات طالبیان در مدینه هرگز خاموش نشد و مواضع سیاسی و اقدامات امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام و مقاومت مخفی آنها قابل توجه است. (۲)

* طبقات طالبیان و علویان در مدینه

طبقات شیعیان مدینه و مکه در فاصله سال‌های ۱۷۰ ه. ق تا ۲۰۰ ه. ق در چهار (۴) صورت زیر است.

ص: ۱۱۶

۱-۱. مقاتل الطالبيين، ص ۴۷۹.

۲-۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۴۴.

۱_ قاعدین: گروهی انزوا گزیده و مشغول عبادت و تهجد و... بودند.

۲_ افراد فعال سیاسی: افرادی که متهم به مخالفت سیاسی و نظامی با خلافت عباسی بوده و به صورت فراری و مخفی از چشم مردم و با ترس و لرز زندگی را می گذرانیده اند.

۳_ صاحبان قدرت مذهبی: گروهی از رهبران قدرتمند شیعی که مورد اعتماد و رجوع مردم بودند، در عین حال از حمایت سیاسی دولت برخوردار بودند و گاهی «نقابت» علویان را عهده دار می شده اند.

سادات حسنی چهره های مشخص این طبقه از شیعیان حجاز بودند که مورد رجوع خیل عظیم شیعیان حجاز و عراق بودند که هنوز خون انتقام حادثه کربلا در رگ های آنها می جوشید و هر لحظه آماده بودند که به «بھانه خونخواهی امام حسین علیه السلام» قیام کنند.

۴_ ائمه شیعه امامی و پیروان آنها: پیروان امامت شیعی دوازده امامی؛ موضع مسلط آنها توجه به مسایل عقیدتی و دینی و پرداختن به حقایقی از این قبیل و حفاظت از مرزهای عقیدتی دین و مذهب بود.

علیرغم طبقه بندی که ذکر شد، همه طبقات شیعه در مدینه و مکه و عراق به امامت شیعه امامی رجوع می کردند و به راحتی حول آن محور متحد می شدند. رایزنیها و تلاش های بزرگان شیعه در طول سال های (۲۰۰ هـ ق _ ۱۷۰ هـ ق) گویای همین مطلب است. در این بین گروهی از مخالفان صددرصد سیاسی خلافت عباسی که رنگ مذهبی شیعی نداشتند نیز در میان شیعیان به سر می بردند و به آسانی آماده هرگونه همکاری با شیعیان بودند.

این نکته که همه طبقات شیعیان می توانستند به راحتی پیرامون امامت شیعه امامی متحد شوند، دولت عباسی را به تکاپوی وسیعی وادار نمود. از جمله اقدامات آنها در مورد موسی بن جعفر علیهما السلام بود. مأمون نیز عباسیان را سرشماری نمود و آنها را سامان دهی کرد. مهم ترین اقدام مأمون ایجاد تفرقه وسیع بین گروه های شیعی بود. او تنها در این زمینه اتحاد میان شیعیان را با انجام اقدامات نظامی _ سیاسی _ فرهنگی نابود کرد و در این راستا نزاع میان شیعیان حسنی و زیدی در خصوص مسائل مختلف عقیدتی را به شدت دامن زد.

نوع ارتباط محمد بن جعفر با امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام و ارتباط او با مالک بن انس در مدینه و برخورد دوگانه مأمون با علویان و طالبیان، حاکی از سیاست حساب شده ای است که مأمون در مورد گروه های مخالف شیعی در پیش گرفته بود؛ [گروه هایی که اکنون در اثر خلأ قدرت در بغداد، به ناگهان در کنار یکدیگر قرار گرفته و متحد شده بودند] مأمون همین سیاست را تا ایجاد اختلاف گسترده و عمیق بین گروه های مختلف شیعی ادامه داد و بهره مناسب را از آن برد و صفوف گروه های متحد شیعی را پراکنده ساخت. بلافاصله بعد از بازگشت قدرت به بغداد، اضطراب و انفجار و شورش، که سراسر عراق و حجاز و منطقه جبال ایران را فرا گرفته بود رو به سستی نهاد.

اعمال قدرت خلافت بغداد از طرف مأمون در حجاز و کوفه نتایج اسف باری برای قیام بزرگ علویان در حجاز به بار آورد و بار دیگر حادثه ای که نوع مشابه آن در تاریخ کوفه کم نیست _ در پرونده _ مردم این شهر ثبت شد. ۲۰۰ هزار تن مردمی که قول همکاری به ابوالسّرایا _ همکار نظامی ابن طباطبا _ داده بودند، با امان خواستن اشراف کوفه از نمایندگان مأمون، قیام ده ماهه علویان را به شکست آشکاری کشاندند.^(۱)

گروه های مختلف شیعی در برابر مواضع سیاسی _ فرهنگی مأمون، دچار اختلاف شدیدی شدند و صف اتحاد آنها به صف نزاع و جنگ تبدیل شد. بطور کلی مواضع سیاسی _ عقیدتی مأمون، چالش گسترده ای را در عرصه قدرت و مسائل فرهنگی _ عقیدتی در بغداد، مرو، حجاز و کوفه به همراه داشت.

مأمون با همکاری کارگزاران ایرانی خود، به راحتی، جریان های قدرت طلب حجاز و کوفه را متفرق ساخت و قدرت سیاسی آن ها را به نفع خود سامان داد و صفوف سُتیان مرو و بغداد را متحد ساخت و اندکی بعد بر کرسی خلافت در بغداد تکیه زد. بدینسان مأمون از پراکندگی شیعیان حجاز و عراق که از شدت تفرقه به «جراد» [ملخ] تشبیه شده اند، نهایت استفاده را برد و اقدامات گسترده ای جهت پاکسازی فرقه ای «فرق شیعی» و سامان دادن نوین آنها صورت داد.

ص: ۱۱۹

جریان پاکسازی و کنترل فرق، سیاستی بود که مهدی عباسی پیشتر آن را زیر پوشش مبارزه با کفر و کجروی و با تشکیل «دیوان الزنادقه»^(۱) آغاز کرده بود.

مأمون موفق شد بیشترین وظایف و منویات این دیوان را محقق سازد. بزرگترین پاکسازی و سرکوب فرق شیعی در همین زمان صورت گرفت؛ مأمون از دو جبهه فرهنگی و نظامی «فرق» را کنترل کرد و از قدرت آنها به نحو مطلوب خود استفاده کرد.

او قدرتمندترین سردار خود _ طاهر _ را مسئول کنترل، سرکوب و سامان دهی علویان و طالبیان، بویژه در خراسان و ناحیت جبال نمود.^(۲) یکی از چهره های «طاهر» در تاریخ اسلام که به آن مشهور شد و برخی از شعرای آن زمان آن را به شعر درآوردند، همین مأموریت [کنترل و سرکوب فرق شیعی] «طاهر» بود که آن را به شکل موفقیت آمیزی انجام داد.

سرانجام تفرقه شیعیان

نتایج درگیری بین «فرق شیعی» برای جهان تشیع خسارت بار بود؛ رئوس مهم ترین این نتایج عبارت است از:

۱_ خالی شدن صحنه سیاسی حجاز از قدرت سیاسی _ نظامی شیعه؛ این عقب نشینی شیعه از حجاز که محل تولد این مذهب بود، شکل

ص: ۱۲۰

۱- ۱. الفخری، ص ۲۴۳.

۲- ۲. مقاتل الطالبین، ص ۵۲۲؛ تجارب الامم، ج ۴، ص ۳۲۰.

مستمر و ابدی گرفت و هیمنه سیاسی _ نظامی شیعه برای همیشه از حجاز برافتاد، این بزرگ ترین مقصود دولت عباسی و خاتمه اضطراب و تشویش دائمی آنان بود.

عباسیان از این پس به آسانی در بغداد بر تخت خلافت تکیه زدند و از فتاوی متعدد شیوخ سنی متحد خلافت در مدینه و مکه بهره جسته و مبانی قداست خلافت خود را روزافزون ساختند.

۲_ هجرت امام رضا علیه السلام و سفر حضرت معصومه علیها السلام و به دنبال آن امام جواد علیه السلام و سایر ائمه شیعی به ایران و عراق؛ حجاز را که می توانست به عنوان پایگاه فرهنگی شیعه امامی باقی بماند، برای همیشه به پایگاه فرهنگی تسنن عباسی مبدل ساخت.

۳_ زیدیه و سایر فرق شیعی _ که همواره به عنوان بازوی نظامی شیعه و مخل امنیت عباسیان بودند _ عناصر قدرت طلب سیاسی و متحد با عباسیان شدند و در پایان نیمه اول قرن سوم، دولت عباسی اجازه داد که آنها در طبرستان دولت مستقل تشکیل دهند و از قدرت آنها در برابر نیروهای قدرت طلب در خراسان غربی سود جست.

۴_ دور شدن فرق قدرت طلب شیعی از عراق که همواره آماده قیام بودند، زمینه را برای هرگونه اقدام خلافت عباسی در خصوص مقابله با مبانی تشیع و محو آثار آن از عراق فراهم ساخت، بطوری که متوکل عباسی، قبر امام حسین علیه السلام را که مقدس ترین اثر شیعه و مایه حیات و حرکت شیعه در عراق بود را ویران ساخت.

* محور سیاسی _ نظامی «قم» _ مدینه _ کوفه»

حدود ۱۸۰ سال از فتح قم توسط اعراب می گذشت، در آن هنگام میزبان مجموعه ای از طالبیان و علویان بود که پنج دهه از هجرت بی وقفه آنها به قم سپری شده بود. کانونی قدرتمند از شیعیان متعصب به اهل بیت علیهم السلام در قم در حال شکل گرفتن بود. دسته جات مختلفی از اعراب تحت سرپرستی اعراب اشعری که ریاست قم را به دست داشتند از سال ها پیش در قم سکونت گزیده بودند. در کنار آنها تعدادی از مردم بومی قم هنوز در منازل اجدادی خود به سر می بردند و مالیات و جزیه به عرب ها پرداخت می کردند.

به آن هنگام هارون بدلائل متعدد سیاسی _ اقتصادی _ امنیتی راهی ایران شد؛ او مدت چند ماه در «ری که چندی پیش شبّه پایتخت ایرانی را برای عباسیان بازی کرده بود، مستقر شد؛ از جمله مسائل مهمی که هارون در ری» به آن پرداخت «مسئله قم» بود. پس از مرگ هارون همچنان «مسئله قم» مهمترین مسئله داخلی خلافت عباسی بود. رئیس بحران هایی که قم را فراگرفته بود عبارت بود از:

۱_ تشنج ناشی از بحران خراج.

۲_ اضطراب و قحطی ناشی از جنگ «امین و مأمون» در منطقه قم.

۳_ حضور انبوهی از صحابه امام رضا علیه السلام در قم و رایزنی های متعدد آنها و شکل گیری محور مواصلاتی سیاسی _ نظامی شیعه امامی [قم _ مدینه] بویژه آن که سپاهی از جوانان قم مخفیانه به

ابوالسرایا پیوسته بودند. این وضعیت، خلفای عباسی را نسبت به قم و مدینه به شدت نگران ساخته بود.

در قم وضعیتی شبیه مدینه در چینش فرق بویژه میان فرق شیعی وجود داشت؛ اعراب در موافقت و مخالفت با قیام طالبیان دچار اختلاف بودند و وضع مشابهی که در کوفه در رابطه با ابن طباطبا و ابوالسرایا رخ داد در درجات بسیار کمتری در قم در حال شکل گرفتن بود.

بویژه این که خیر شکست سهمگین ابوالسرایا در کوفه و جعفر بن محمد در مدینه در شکستن روحیه مردم قم مؤثر افتاد. چرخش صددرصدی سیاست مأمون بر علیه علویان، نیروهای عباسی موجود در قم را فعال نمود و آنها را در اتخاذ اقدامات پیشگیرانه در سرکوب هرگونه قیامی در قم، هشیار کرد. سرانجام با وجود همه تمهیدات پیشگیرانه مزدوران دولت عباسی که ریاست قم را در اختیار داشتند، جمعی از مردم قم به ریاست «یحیی بن عمران» بر علیه خلافت عباسی شوریدند و خلع مأمون و نامشروع بودن خلافت او را اعلام کردند.

خیانت اعراب و عدم همکاری آنها با یحیی و تنها گذاشتن او در صحنه قیام قم، باعث شکست قیام یحیی و کشته شدن او و علی بن خزرج و کسانی که در انتقال حضرت معصومه علیها السلام به قم دخالت کرده بودند، شد. علی بن هشام _ سردار مأمون _ بعد از سرکوب این قیام، تاخت و تاز نمایانی در قم کرد؛ دیوار شهر را هم خراب کرد و سلطه نظامی دولت عباسی را در قم برقرار ساخت. (۱)

ص: ۱۲۳

شهر باستانی قم که محل تلاقی راه های سیاسی و بازرگانی و حساس ترین نقطه مرکزی ایران در ناحیت جبال در همسایگی ری و ساوه قرار داشت، بطوری که راه ها از ری و همدان و ساوه و اصفهان از قم (۱) عبور کرده، در آنجا از یکدیگر جدا می شد. این شهر در آغاز قرن سوم هجری اهمیت یک استان ساسانی را حداقل از حیث اینکه مرزهای دوره ساسانی آن توسط دولت عباسی دوباره برقرار شد، حفظ کرد.

مهمترین راه بازرگانی قرون وسطی راه خراسان بود؛ این راه موصلاتی بین عراق و خراسان در مسیر راه ابریشم قرار داشت. تولید انبوه محصولات کشاورزی و برخی صنایع قم که در کنار این راه واقع شده بود، بر اهمیت موقعیت جغرافیایی آن افزوده بود.

تجمع انبوهی از طالبیان در قم، آنجا را مهمترین شهر در جغرافیای سیاسی تشیع در قرن سوم مطرح ساخت. همین اهمیت قم از حیث جغرافیایی اقتصادی _ سیاسی و مذهبی بود که خلیفه عباسی _ هارون _ را مجبور به ایجاد تغییرات در مرزهای قم و اصلاحات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در قم نمود.

تغییر مرزهای جغرافیایی قم موقعیت جغرافیایی آن را به نفع دولت عباسی برقرار می ساخت. به همین سبب کارگزاران این امر از پاداش مطلوبی نزد خلیفه عباسی برخوردار شدند.

ص: ۱۲۴

* انگیزه و علل هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم

انگیزه واقعی هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم هر چه باشد، حوادث پایان قرن دوم مدینه نشان داد، اوضاع این شهر به هیچ وجه اجازه سکونت به خانواده موسی بن جعفر علیهما السلام را در مدینه نمی داد.

گزارش وداع اشکبار امام رضا علیه السلام با قبر پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه، بی شباهت به وداع اشکبار پیامبر صلی الله علیه و آله با مکه و وداع حضرت علی علیه السلام با مدینه و انتقال پایتخت از مدینه به کوفه و نیز سفر اجباری امام حسین علیه السلام از مدینه نیست!

امام حسین علیه السلام در یکی از منازل مسیر خود در پاسخ فرزدق در مورد علت حرکت و سفر خود می گوید: «لَو تُرِكَ الْقَطَاءُ لَنَامُوا...» و حضرت معصومه علیها السلام به عنوان یکی از اعضاء شاخص خانواده موسی بن جعفر علیهما السلام که از زمان کودکی مورد عنایت و تجلیل و تکریم پدر بود، در مدینه با همین موقعیت روبه رو شد. انگیزه ظاهری سفر ایشان روشن است؛ آن حضرت چاره ای جز ترک مدینه نداشته است و هجرت ایشان در چهار چوب سیاست دولت عباسی در نقل و انتقال اجباری شیعیان و اخراج آنها از مدینه، قابل توجیه است.

برخی از نوشته ها انگیزه ها و دلایلی غیر مستند برای سفر ایشان نقل کرده اند. از جمله مواردی که تا حدودی مطرح شده است: ۱_ خواستگاری مأمون از حضرت معصومه علیها السلام بود.

۲_ علت دیگری که برای سفر حضرت معصومه علیها السلام ذکر کرده اند و از بیشترین مقبولیت نزد همگان برخوردار بوده است، این که، حضرت به طلب برادر از مدینه به قصد مرو خارج شد. (۱)

در مورد فرض خواستگاری مأمون و دعوت حضرت معصومه علیها السلام به مرو هیچگونه سند معتبری در دست نیست. مانند گزارشی که در نوشته هایی چون «جامع الانساب» در تاریخچه امامزاده ها آمده است؛ او می نویسد: «چون مأمون احساس دشمنی با علویان نموده از حضرت رضا علیه السلام حضرت معصومه علیها السلام را خواستگاری کرد و...». (۲)

«جامع الانساب» هیچ سندی بر ادعای خود ارائه نکرده است. به عقیده وی مقصد کاروان قم بوده است. او می نویسد:

«کاروان ۲۳ نفری فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام روی به قم نهادند و چون به قم رسیدند ملحدان ساوه خبر یافتند و روی به ولایت قم نهادند و امامزادگان را شهید کردند...».

«ریاض الانساب» (۳) نیز وفات حضرت معصومه علیها السلام را در اثر غم و غصه ناشی از شنیدن خبر شهادت امام رضا علیه السلام و به نوعی، «شهادت» دانسته است.

نظیر همین خبر در مورد احمد بن موسی، [«شاهچراغ»] وجود دارد که در شیراز از شهادت امام رضا علیه السلام مطلع شد.

ص: ۱۲۶

۱-۱. تاریخ قم، ص ۲۱۵.

۲-۲. جامع الانساب، ص ۲۲.

۳-۳. ریاض الانساب، ص ۷۰.

با این وصف از مجموع اخبار وارده در مورد سرنوشت کاروان حضرت معصومه علیها السلام ورود ایشان به قم و طبیعی نبودن مرگ ایشان قطعی است.

برخورد نظامی با کاروان حضرت معصومه علیها السلام

پایان سیاست دوستی ظاهری مأمون با طالبیان و در پیش گرفتن سیاست جدیدی در رابطه با آن ها، پیامدهای خونین نظامی برای طالبیان به دنبال داشت. مسأله خواستگاری و یا دعوت از حضرت معصومه علیها السلام [به فرض صحت] با پیش آمدن اوضاع ذکر شده منتفی شد. برخورد نظامی با فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام _ که از سال ۲۰۱ اوایل ولایتعهدی امام رضا علیه السلام آغاز شد _ در مدینه، بصره، یمن و شیراز و قم با کاروان حضرت معصومه علیها السلام قطعی و اجتناب ناپذیر بوده است.

وجود مقبره حداقل چند امامزاده در مسیر ساوه تا قم _ از جمله (۱) «امامزاده عبدالله» و «امامزاده هارون» به احتمال قطعی از شهدای این کاروان _ از قرائن مسلم و مؤید این برخورد نظامی و فرار با ترس کاروان به قم است. فاصله پایان سال ۲۰۱ ه. ق. تا اواسط سال ۲۰۲ ه. ق.، دوره قتل عام فرزندان (۲) موسی بن جعفر علیهما السلام بود.

از جمله نتایج آنی سرکوب طالبیان پایان قدرت طلبی برخی از

ص: ۱۲۷

۱- ۱. دائره المعارف تشیع، ص ۲۶۰، ۴۱۰، ۴۴۸، ۴۵۳.

۲- ۲. تاریخ گزیده، ص ۲۰۴.

فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام بود که باعث شد دولت عباسی دخالت فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام و اصحاب و یاران آنها در مسئله سیاست و خلافت را به طور قاطع خاتمه دهد؛ مسئله ای که حدود دو دهه گریبانگیر دولت عباسی بود. مواضع سیاسی اقتصادی موسی بن جعفر و امام رضا علیهما السلام دولت عباسی را وارد چنین سیاست دوگانه سیاسی - نظامی - فرهنگی در رابطه با فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام نمود که از مشخصه های بزرگ آن سرکوب و قتل عام و نقل و انتقال فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام بود. بهترین توجیه هجرت حضرت معصومه علیه السلام تنها در چهار چوب همین سیاست «هارونی - مأمونی» [یعنی حذف بزرگان شیعه امامی] قابل جستجو، تحقیق و اثبات است.

*** آثار هجرت حضرت معصومه علیها السلام**

هجرت حضرت معصومه علیها السلام از مدینه به قم در قلب همه هجرت های صدساله از نیمه قرن دوم تا نیمه قرن سوم می درخشد و نقطه عطف اساسی در تاریخ مهاجرت های طالبیان و نقل و انتقالات اعراب در طی دو قرن و نیم در ایران است. دو هجرت چهره تاریخ ایران را بطور اساسی دگرگون ساخت: هجرت امام رضا علیه السلام و هجرت حضرت معصومه علیها السلام.

هجرت امام رضا علیه السلام که از موضوع بحث ما خارج است، خراسان مرکزی را با بزرگترین تحوّل مذهبی روبه رو ساخت، این

منطقه در طی چندین قرن در بین دو قطب سنی حنفی در خراسان شرقی و خراسان غربی قرار گرفته بود با هجرت امام رضا علیه السلام به تدریج در قرون بعدی خراسان مرکزی مهد تشیع امامی و قدرتمندترین و ثروتمندترین مرکز شیعه امامی گردید.

هجرت حضرت معصومه علیها السلام نیز شبیه همان آثار هجرت حضرت رضا علیه السلام در خراسان را در قم و منطقه جبال با سرعت بیشتری به بار آورد. شهر قم بین دو قطب سنی حنفی و سنی شافعی در ری و ساوه و اصفهان قرار گرفته بود. به دنبال هجرت حضرت معصومه علیها السلام هنوز قرن سوم به پایان نرسیده بود که قم مرکز تشیع امامی گردید.

* شهر راه ها

قم در محل تلاقی راه های (۱) مواصلاتی در منطقه جبال قرار داشت و راه هایی از همدان، ساوه، کاشان و ری از آن جا عبور می کرد. این شهر قرن ها بود که این موقعیت را حفظ کرده و عامل پیوستگی راه های متعددی بود که از اهمیت فوق العاده اقتصادی _ سیاسی _ فرهنگی برخوردار بودند.

قرار گرفتن در مسیر جاده بزرگ و باستانی ابریشم و در امتداد جاده بزرگ خراسان _ راه حج _ باعث رونق فرهنگی _ اقتصادی و اهمیت

ص: ۱۲۹

سیاسی قم در تصمیم گیری های مرکز خلافت _ بغداد _ بود.

محور قم _ بغداد، مهم ترین راه مواصلاتی قرون وسطی از حیث بار فرهنگی _ سیاسی بود. چنین موقعیت مهم به اعراب امکان داد تا از قم به عنوان پایگاه مهم «سیاسی _ نظامی» جهت کنترل سراسر ناحیت جبال استفاده کنند. همین موقعیت مهم جغرافیایی ناحیت قم نسبت به راه های ایران باعث شد این شهر، در اندک زمانی، شهر مهاجران گردد. بیشترین حجم عرب نسبت به وسعت منطقه قم، در این ناحیت جمع شد.

* مسیر هجرت حضرت معصومه علیها السلام

۳

در رابطه با مسیری که حضرت معصومه علیها السلام از طریق آن به قم رسید با توجه به راه های مواصلاتی دایر در قرن سوم هجری و اندکی پیش از آن بین شرق و جنوب ایران می توان چند مسیر را مطرح کرد؛ انتخاب مسیر مورد نظر بستگی به قرائن و شواهدی دارد که در اطراف آن راه وجود داشته و آن راه را مسیر متناسب با اهدافی می ساخته است که در بخش نخست این نوشته به آن پرداختیم.

راه هایی که در زیر بطور اجمالی ذکر می کنیم، مسیرهایی است که در طی قرون اولیه هجری دایر بوده و برخی از آنها در طی قرون اول مسیر فتوحات اعراب به شرق بود.

مسیر فتح فارس، مسیر فتح خوزستان، مسیر فتح اصفهان، مسیر فتح کاشان، مسیر فتح قم و مسیر فتح ری و... در نیمه دوم قرن اول هجری و قرن دوم هجری و سراسر قرن سوم هجری و نیز در قرن

ص: ۱۳۰

چهارم بطور پراکنده برخی از این مسیرها، مسیر مهاجرت افراد و اقوام مختلف از حجاز و عراق عرب به داخل ایران بوده است. راه حج، راه ابریشم، راه خراسان بزرگ، شاهراه بزرگ موصلاتی شرق و جنوب ایران از جمله این راه ها بود.

از مدینه تا بصره

مسافران و کاروان های حج و تجاری که از مدینه به قصد ایران حرکت می کردند. بعد از طی ۲۰ منزل به کوفه و یا با طی ۱۸ منزل وارد بصره می شدند. قرن ها بود که این مسیر حفظ شده بود. کاروان ها در جایی به نام «معدن النقره» به هم می رسیدند. آنگاه بستگی به مقصدی که [بصره یا کوفه] داشتند ادامه مسیر می دادند. (۱) نقطه شناخته شده در مسیر مدینه _ بصره، در حد فاصل «معدن النقره» بصره _ نجاج (۲) بود بعد از توقف در نجاج وارد بصره می شدند. چون حضرت معصومه علیها السلام مسیر «مدینه _ بصره» را طی کرده است. به بررسی مسیرهای بصره تا خراسان می پردازیم. با این وصف بنابر انتخاب ما در مورد مسیر هجرت حضرت معصومه علیه السلام از مدینه تا بصره _ بر اساس گزارش «ابن جبیر» که در قرن ششم خود این مسیر را پیموده است (۳) _ نقاط این مسیر به ترتیب زیر است:

۱_ مدینه ۲_ رکابیه (۴)

ص: ۱۳۱

۱-۱. الاعلاق النفیسه، ص ۲۰۶.

۲-۲. معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۵۴.

۳-۳. رحله ابن جبیر، ص ۱۹۱.

۴-۴. الاعلاق النفیسه، ص ۲۰۷.

۳_ طرفاء (۱) ۴_ سقره (۲)

۵_ بطن النخل (۳) ۶_ مکحول (۴)

۷_ حصین (۵) ۸_ العسیله (۶)

۹_ محدث (۷) ۱۰_ معدن النقره (۸)

۱۱_ عناب (۹) ۱۲_ نجاج (۱۰)

۱۳_ بصره.

مهم ترین راه های شناخته شده در قرن سوم از بصره تا خراسان

۱_ راه بصره _ بغداد _ خراسان (۱۱) این راه همان راه بزرگ خراسان، راه حج بوده که در مسیر و امتداد جاده ابریشم قرار داشت. (۱۲)

۲_ مسیر بصره _ اهواز _ شیراز.

۳_ مسیر سیراف _ شیراز _ طبس _ خراسان

۴_ مسیر مدینه _ بصره _ ارجان _ نائین (راه کنار کویر و مسیر احتمالی که حضرت معصومه آن را پیمودند).

۵_ مسیر کوفه _ قادسیه _ بغداد _ خراسان (۱۳)

۶_ مسیر کرمان _ فارس _ اصفهان _ قم

ص: ۱۳۲

۱-۱. همان، ص ۲۰۵.

۲-۲. همان، ص ۲۰۷.

۳-۳. همان، ص ۲۰۶.

۴-۴. همان، ص ۲۰۷.

۵-۵. همان، ص ۲۰۶.

۶-۶. همان، ص ۲۱۲.

۷-۷. همان، ص ۲۰۶.

۸-۸. همان، ص ۲۰۸، ۲۱۲.

٩-٩. همان، ص ٢١٢.

١٠-١٠. همان، ص ٢١٢.

١١-١١. اعلاق النفیسه، ص ٢١٥.

١٢-١٢. همان، ص ٢١٥.

١٣-١٣. همان، ص ١٩٢.

۷- مسیر بصره - فارس - اصفهان - ری (۱)

۸- مسیر کرمان - خراسان

۹- بصره - اهواز - ارجان - نائین - طبس (اولین مسیر احتمالی امام رضا علیه السلام بنابراین فرض که ایشان از قم عبور نکرده باشند). (۲)

۱۰- بصره - ارجان - نائین - اردستان - کاشان - قم - ری - سمنان - نیشابور - سرخس مرو (دومین مسیر احتمالی سفر امام رضا علیه السلام؛ بنابراین فرض که حضرت در سفر اجباری به مرو از قم عبور کرده باشد که همان راه کنار کویر است).

۱۱- راه اصفهان تا ری (اصفهان - برخوار - ... قاص - قم ... ری) (۳)

۱۲- راه یزد به خراسان (۴)

*** مسیرهایی که احتمال بیشتری در عبور حضرت معصومه علیها السلام داشته اند**

۱- مسیر بغداد - خراسان

نام فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام که مجبور بوده اند از حجاز به بین النهرین و نقاط مختلف ایران بگریزند در جای جای جاده بزرگ خراسان جاودان شده است. جاده خراسانی که بخش اعظمی از جاده ابریشم در ایران را شکل داده است و سابقه طولانی رفت و آمد اقوام و افراد مختلف را در خود دارد، اما بیشترین خاطرات او از حدود چند صد سال جنگ و گریز علویان و طالبیان به نواحی مختلف ایران است.

ص: ۱۳۳

۱-۱. مسالک و ممالک، ص ۴۳.

۲-۲. همان، ص ۱۸۷.

۳-۳. همان، ص ۲۲۳.

۴-۴. همان، ص ۲۴۷.

گرچه در سایر نقاط ایران، مقابری به فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام منسوب است ولی بیشترین حدّ پراکندگی آن در مسیر جاده خراسان است. این مسیر با عبور از بغداد _ قرمیسین (کرمانشاه) _ همدان _ ساوه _ قم _ ری به سمت خراسان می‌رفته است.

این مسیر از مسیرهای بسیار معروف و پر رفت و آمد اداری دولت عباسی در اوائل قرن سوم هجری بود. _ مانند سفر ابودلف و ابن فضالان _ و بعید نیست که امام رضا علیه السلام هم از همین مسیر حجاز _ بغداد سفر کرده باشند و به دستور مأمون _ مبنی بر اینکه امام علیه السلام از قم عبور نکنند _ نیز عمل شده است.

مسافران حجاز به طور معمول از دو مسیر وارد بغداد می‌شده‌اند:

۱_ مسیر بصره _ واسط _ بغداد.

۲_ مسیر قادسیه _ کوفه _ بغداد.

*** اوضاع بغداد مقارن سفر حضرت معصومه علیها السلام**

اوضاع بغداد چنان نابسامان و آشفته بود که در هر دو مسیر منتهی به بغداد، آتش شورش و جنگ زبانه می‌کشیده است. بغداد یکپارچه خشم علیه مأمون و علویان و طالبیان بود. عباسیان حاکم بر بغداد که از مخالفان قسم خورده طالبیان بودند، اجازه نمی‌دادند هیچکدام از آنها با آزادی در بغداد حضور پیدا کنند. بنابراین ورود حضرت معصومه علیها السلام به بغداد، چه به صورت عادی (به قصد دیدار برادر و یا مقاصد دیگر که برخی منابع متأخر از جمله نوشته‌هایی که

مربوط به تاریخ امامزاده هاست، ذکر کرده اند) و چه به صورت فرار از مدینه، امکان پذیر نبوده است.

در مجموع گزارش هایی که درباره حضرت معصومه علیها السلام وجود دارد، چیزی که حاکی از حضور وی در بغداد باشد وجود ندارد.

گویا حضور ده ساله پدر ایشان _ موسی بن جعفر علیهما السلام _ در بغداد و گزارش هایی مبنی بر حضور امام رضا علیه السلام و برخی برادران او چون احمد بن موسی (شاهچراغ) در بغداد، می تواند زمینه مناسبی برای طرح مسأله حضور یافتن حضرت معصومه علیها السلام در بغداد باشد. بر این اساس حضرت حداقل یکبار برای زیارت پدر به بغداد رفته است. اما باید به این نکته توجه داشت که در آن زمان سفر طالبیان به بغداد به ویژه خانواده موسی بن جعفر علیهما السلام از مسیر بغداد (هر دو مسیر بصره _ واسط _ بغداد و کوفه _ قادیسیه _ بغداد) با موانع متعددی روبه رو بوده است.

۲_ مسیر مدینه _ سیراف _ شیراز _ طبری

مسیر مذکور و یا سایر مسیرهایی که از بصره و اهواز به شیراز منتهی و به سمت خراسان ادامه پیدا می کرد، با محذورات بزرگی روبه رو بوده است. سرکوب و متوقف ساختن کاروان های علویان در دستور کار حاکمان شیراز قرار داشته است. چنانکه حرکت کاروان احمد بن موسی علیه السلام _ شاهچراغ _ به سال ۲۰۱ هجری مقارن با سفر حضرت معصومه علیها السلام توسط قُلُتَع خان حاکم عباسی شیراز

ص: ۱۳۵

با وجود گزارش هایی متعدد و مختلفی که در مورد احمد بن موسی علیه السلام (شاهچراغ) وجود دارد، قدر مسلم آن است که ایشان از مسیر سیراف _ شیراز یا بغداد _ اهواز _ شیراز، یا بصره _ ارجان _ شیراز قصد حرکت به طبرستان و سپس مرو را داشته اند.

توقف کاروان های متعدد علویان در شیراز که در خبر مبالغه آمیز برخی نوشته ها تا ۱۲ هزار تن علوی را ذکر کرده اند، حاکی از مقابله گسترده حاکمان منطقه شیراز جهت جلوگیری از ورود علویان به ایران بوده است. با این وصف حرکت حضرت معصومه علیها السلام از مسیر مزبور کاملاً منتفی بود.

اما نقطه قوتی که در مورد راه خراسان وجود دارد اینکه در خبر تاریخ قم آمده است: (۲) «کاروان حضرت معصومه علیها السلام چون به ساوه رسید...» که تصریح بر این مطلب است که کاروان در مسیر جاده سنتی خراسان حرکت می کرده است. نقطه قوت دیگری که در مورد راه ساوه وجود دارد اینکه، در مسیر ساوه تا قم در «آوه» و فراهان، مقبره چندین امامزاده از فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام وجود دارد.

گرچه همین پراکندگی مقابر در مسیر کاشان نیز وجود دارد، مضافاً اینکه دو امامزاده با نام های هارون بن موسی بن جعفر علیهما السلام یکی در کاشان و دیگری در ساوه وجود دارد. امامزاده ولی بن موسی بن جعفر علیهما السلام در کاشان و هفت امامزاده در ساوه از جمله

ص: ۱۳۶

۱-۱. شدالازار، ص ۲۴۰.

۲-۲. تاریخ قم، ص ۲۱۴.

قرائنی است که می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

از جمله دیگر قرائن بر گزینش مسیر ساوه مطلبی است که در خصوص کشاورزان دهی در این مسیر است که به علت همکاری با مهاجمان به کاروان حضرت معصومه علیها السلام نسل آنها شش انگشتی شد. صرف وجود این خبر که در صحت آن تردید است [وقوع چنین حادثه ای و حوادث مشابه در رابطه با سایر امامزاده ها مورد بحث نیست.] می تواند قرینه ای بر این باشد که اخباری در خصوص سفر حضرت از این مسیر وجود داشته است که این حکایت شش انگشتی از روی آن ساخته شده است.

[پذیرش این قرائن منوط به فرض صحت آنهاست.] با این وصف قرائن متعددی در مورد مسیر خراسان فراهم شد که حرکت کاروان از مسیر مزبور را تأیید می نماید.

نقاط و شهرهای مسیر بغداد به شکلی که در منابع جغرافیایی آمده به ترتیب زیر می باشد: (۱)

بغداد _ نهروان _ دیر تمه _ دَسِکِرِه _ جُلولا _ خانقین _ قصر شیرین دیرکان _ حُلوان _ قَرماشین _ دُکان _ قصر اللُّصوص
_ همدان _ حَرَقان _ زَرَه _ سونقین _ ساوه _ مشکویه _ قُسطانه _ ری _ ... _ مرو.

این راه علاوه بر عبور از کوهستان های صعب العبور با خطر عبور از مناطق تجمع اکراد روبرو بود. «ابن رسته» در برخی از مقاطع این راه تصریح می کند که: این راه خطرناک است.

ص: ۱۳۷

در منابع جغرافیایی قرن سوم و چهارم بطور مبسوط به آن پرداخته شده است، به دلیل شورش و موقعیت متشنج نظامی کوفه مناسب نیست. بصره نیز تحت سلطه والی عباسی و درگیری شدید با علویان بود و جنگ و وحشت سراسر آن را فرا گرفته بود. با این وصف عبور از مسیر بصره هم با موانع بزرگی روبرو بوده و امکان درگیری نظامی کاروان فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام با نیروهای مخالف وجود داشته است.

نقشه مسیر بصره _ ارجان

ص: ۱۳۸

تنها مسیری که از موانع موجود در سایر مسیرها خالی است و انتخاب آن نقاط قوت زیادی داشته است و همواره برای علویان و طالبیان بویژه در شرایط خاص مانند فرار و سفر مخفی مطلوب بوده همین مسیر بود.

در اطراف این راه، شهرهایی قرار داشتند که از مراکز سنتی تجمع علویان بود. نیروهای سنتی مخالف دولت عباسی چون ایرانیان زرتشتی همچنان مصرانه در موضع مقاومت در برابر خلافت عباسی قرار داشتند. در آغاز قرن سوم هجری چنین شرایطی را در اَرْجان، لردگان، سمیرم، خان لَنجان، نائین، (۱) اردستان، کاشان، قم،... ملاحظه می کنیم.

این شهرها با وجود آنکه کانون های مقاومت و مخالفت با خلافت عباسی بوده اند، زندگی آرام شهری که سابقه دیرینه سنتی داشت در آنها در جریان بود. نقطه مهم قوت آنها اینکه این شهرها در سر راه مواصلاتی سنتی قرار داشته اند که قرن ها مسیر عبور و مرور افراد و کاروان ها بوده و کوچ ها و مسافرت های بزرگی را در حافظه خود دارد.

با این وصف امکان حرکت در مسیر بصره _ بغداد منتفی بوده است. شهر بصره محل درگیری والی عباسی و هواداران زیدیه بود و در آتش

ص: ۱۳۹

۱ - ۱. از جمله نقاط قوت بسیار مهم در این مسیر وجود مقبره ای در این شهر [نائین] است که منسوب به خادمه [فاطمه موصلیه] حضرت معصومه علیها السلام می باشد. ر.ک: تاریخ نائین، ج ۱، ص ۶۶.

شورش می سوخت. والی عباسی بصره از جمله مخالفان سرسخت ولایتعهدی امام رضا علیه السلام بود و خلیفه را تهدید به شورش می کرد.

مسیر بصره _ اهواز _ شیراز نیز با محدودراتی مواجه بود. حاکم منطقه فارس که در شیراز مستقر بود ارتباطاتی از سال ۲۰۱ با بغداد و مرو برقرار کرده بود و مکاتباتی بین «شیراز _ مرو» جهت کنترل عبور و مرور بویژه برای علویان صادر شده بود و بر این اساس قلعه خان حاکم شیراز، احمدبن موسی علیه السلام و همراهان او را با بن بست بزرگی در مرزهای فارس مواجه ساخت که باعث شد گروهی از طالبیان از سایر مسیرها به داخل ایران فرار کنند.

در منابع در مورد سرنوشت احمدبن موسی علیه السلام چند قول وجود دارد؛ از قتل او در شیراز، فرار او به اسفراین و قتل او در قم همه منقول است. اما به هر صورت مستندترین اقوال در مورد احمدبن موسی علیه السلام _ شاهچراغ _ که اکثر منابع معتبر بر آن اتفاق نظر دارند، درگیری نظامی او با قلعه خان و شهادت احمدبن موسی علیه السلام و چند تن از یاران او در شیراز است.

ص: ۱۴۰

۱. آثار ایران، آندره گدار، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۲. اسنى المطالب فى مناقب على بن ابى طالب، مكه، مطبعة امير بمكه المحميه، ۱۳۲۴.
۳. اصول كافى، كلينى، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بيت، بى تا.
۴. الاحكام السلطانيه، ماوردى، ابوالحسن، بيروت، بى تا.
۵. الاعلاق النفيسه، ابن رسته، ترجمه حسين قره چانلو، تهران، ۱۳۶۵، ط اول.
۶. الاعلاق النفيسه، ابن رسته، بيروت، دار صادر، ۱۹۸۲ م.
۷. الامامه و التبصره من الحيره، ابن بابويه، على، تحقيق محمد رضا حسيني، بيروت، آل البيت، ط اول، ۱۴۰۷.
۸. البلدان، يعقوبى، ترجمه آيتى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
۹. البلدان، ابن الفقيه همدانى، بيروت، عالم الكتب، ۱۹۹۶.
۱۰. التهذيب تاريخ، ابن عساكر، بيروت، مطبعة روضه، ۱۳۳۲.
۱۱. الكامل فى التاريخ، ابن اثير، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. المسالك و الممالك، تهران، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۸ ق.

۱۳. المنتقله الطالبیه، ابی الفرج اصفهانی، قم، رضی، ۱۴۱۶، ط ۲.
۱۴. انوار المشعشعین فی ذکر شرافه القم و القمیین، کچوئی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی نجفی، ۱۴۲۳ ق.
۱۵. بحار الانوار، مجلسی، بیروت، ۱۴۰۳.
۱۶. بحر الانساب، تهران، کتابفروشی اسلامیہ، بی تا.
۱۷. تاریخ فخری، ابن طباطبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۱۸. تاریخ نائین، سید عبدالحججه بلاغی، تهران، ۱۳۶۹ ق.
۱۹. تاریخ گزیده، حمد الله مستوفی، امیر کبیر، ۱۳۸۱، ج ۴.
۲۰. تاریخ، ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶.
۲۲. تاریخ الامم و الملوک، طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
۲۳. تاریخ قم، قمی، حسن بن محمد بن حسن، تصحیح سید جلال الدین تهرانی، تهران، طوس، ۱۳۶۱.
۲۴. تاریخ دارالایمان، محمد تقی بیگ ارباب، قم، به کوشش مدرس، بی تا.
۲۵. تجارب الامم، ابن مسکویه، تهران، سروش، ۱۳۷۶.
۲۶. تربت پاکان، مدرس طباطبائی، قم، شهریور ۱۳۳۵.
۲۷. تقویم البلدان، ابوالفداء، بیروت، لیدن، ۱۸۴۰.
۲۸. جامع الانساب، احمدی، تهران، ۱۳۷۸، ط اول.
۲۹. دائره المعارف تشیع، بنیاد دائره المعارف، تهران، ۱۳۷۲.
۳۰. دائره المعارف التشیع، حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۸.

۳۱. دیوان دعبل، دعبل بن علی، دارالکتاب اللبنانی، ط ۲، ۱۹۷۲.
۳۲. رجال النجاشی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۸.
۳۳. رحله، ابن جبیر، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۴.
۳۴. رسائل جاحظ، جاحظ، بیروت، دار مکتبه الهلال، ط ۱، ۱۹۹۵.
۳۵. ریاض الانساب، ملک الکتاب شیرازی، میرزا محمد بن محمد رفیع، بمبئی، ۱۳۵۵.
۳۶. ریاض المحدثین، کچوئی، قم، ط اول، ۱۳۸۱.
۳۷. سفرنامه ابودلف، طباطبایی، تهران، زوار، ۱۳۴۱.
۳۸. سنی ملوک الارض، اصفهانی، حمزه بن حسن، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۶.
۳۹. شد الازار، انتشارات روزنامه اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶.
۴۰. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، قم، رضی، ۱۳۷۸.
۴۱. فتوح البلدان، البلاذری، قم، انتشارات ارومیه، ط ۱، ۱۰۴۰۴ هـ.
۴۲. فهرست، ابن ندیم، تهران، نشر ابن سینا، ۱۳۴۳ ش.
۴۳. فهرست، طوسی، تهران، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق.
۴۴. کتاب محاسن، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی، مصحح ارموی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ش.
۴۵. کتاب سلیم بن قیس الهلالی، سلیم بن قیس الهلالی، قم، تحقیق انصاری، نشر الهادی، ط ۱، ۱۳۷۳.
۴۶. کتاب الخراج و صنعه الکتابه، قدامه بن جعفر، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران، البرز، ۱۳۷۰.
۴۷. کتاب الغیبه، طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ط اول، ۱۴۱۱.

۴۸. مجمع الفرس، سروری، عالمی، قم، ۱۳۴۱ ش.

۴۹. مسالك و ممالك، ابن خردازبه، ترجمه خاگرد، ۱۳۷۱، تهران، مؤسسه میراث ملل.

۵۰. مسالك و ممالك، اصطخری، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ط ۳.

۵۱. معجم البلدان، یاقوت، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵.

۵۲. مفاتیح العلوم، خوارزمی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.

۵۳. ممالك و مسالك، ابو اسحاق ابراهیم اصطخری، ترجمه، محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.

۵۴. مناقب، ابن شهر آشوب، بیروت، ۱۴۱۲ق.

ص: ۱۴۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

